سرخ عمال کمونیست ، به آتش باری متواتر آغاز کردند البته
قبلاً طبق نقشه طرح شده سه نفر صاحب منصب مجاهد به
صالون طعام خوری که روس ها و خلقی ها داخل مفاهمه بودند
هجوم می آورند و در زیر رگبار مسلسل تعداد (۹۰) نفر ایادی
کمونیست را به جهنم رهسپار می گردانند .

درین لحظه که فرقه حماسه های قهرمانانه می ساخت
نظیف الله نهضت والی و سید مکرم قوماندان فرقه در اولین
دقایق نبرد که در باغ فرامرز خان فرقه لحظه های خطرناک
را می گذشتاندند و مرگ بسراغ شان آمدنی بود ، صحنه را
تخلیه نموده فرار می نمایند و به مرستون مخفی می شوند و از
آن جای با استفاده از آخرین فرصت به میدان هوائی گریخته و
به شیندند فرار می نمایند و نبرد آتشین بین جبهه صاحب
منصبان مسلمان و انقلابی ، و افراد پرچمی و خلقی های مزدور
و افسران روسی به شدت آغاز میگردد درین نبرد غلبه حق بر
باطل تعداد شش توپ دافع هوائی جکتورن محمد اسمعیل (امیر
امارت فرقه حضرت حمزه ولایت هرات) و صاحب منصب شرین
گل جکتورن علاء الدین (معاون امارت فرقه حضرت حمزه)
جکتورن شمشیر خان قوای توپچی ، شهید جگرن غلام رسول
بلوچ ، دگر من محمد انور نصرتی تورن نجیب الله ، بصیر خان
صاحب منصب ، سید اسد الله صاحب منصب ، سلطان احمد

کفیل و ضابط خلیل الله در کنار فرماندهی جکتورن نور محمد مجاهد و جگرن عبدالعزیز قوماندان قوای توپچی چون ابوذر ها و خالد بن واید ها به پا می خیزند و مردانه وار غازیان جهاد و فاتحان معرکه می گردند . و درین لحظه حساس (ساعت ۱۱) نبرد آتشین بین جبهه صاحب منصبان هدفمند و مجاهد ، و خلقی های مزدور ملحد روس های متجاوز به شدت آغاز میگردد و صدای توپ خانه که یک لحظه پیش مهیب و دلخراش بود اینک صفیر رگبار و صدای قوای توپ خانه سرشار و مملو از عشق به وطن چنان دلنشین و گوارا بود که ملت مسلمان را به اوج تهیج و هیجان خاص فرحت می بخشید ، صدای توپ خانه و شلیک آتش باری صاحب منصبان انفجار مرمی های قوای دافع هوائی در کنار عساکر جانفدا فرقه در فضا و زمین شهید پرور هرات انعکاس ملکوتی داشت ، زمین و زمان را به شادی و لرزه در آورده بود . و در آغاز کارزار در حالیکه والی و قوماندان فرقه و یک نفر جنرال روسی صحنه را تخلیه نموده بودند صاحب منصبان مسلمان ، غازیان معرکه جهاد به گمان اینکه این مزدوران ملحد به تعمیر مرکز ولایت پناه برده اند به ذریعه سه عراده توپ ابوس مرکز ولایت را زیر آتش قرار داده و در اثر آتش باری جانبازان راه حق قسمت شرق تعمیر ولایت سوراخ و تخریب میگردد . و خلقی های ملحد از تمام مواضع حساس

شهر فرار نموده و به سوراخ های تاریک پنهان و مخفی می شوند ، و هر یکی ازین مزدوران بیگانه پرست در سوراخ های تاریک و لانه های مخفی منظره مرگ را می دیدند ، در پی آمد رستاخیزی صاحب منصبان مجاهد هر لحظه زنگ ظفرو آهنگ انقلاب اسلامی (جهاد) نضج می گرفت ، نبرد مردانه و شجاعانه سربازان حق صفحه تاریخ جدیدی را در امواج قیام گلگون کفنان هرات گشوده بود ، روس های متجاوز و خلقی های اجیر و بیگانه به جهنم مرگ فرو برده میسدند و هر لحظه در میدان کار زار بزرگ ، پیروزی در نهاد و جبین مبارزین راه حق تبلور و تجلی می نمود و فضای فرقه را هر قدر گردد و غبار و دود باروت احاطه کرده بود در جوف آن انوار آسمانی و ملکوتی ملاحظه می شد .

فرقه قوای نمبر (۱۷) که تقریباً داری (۶) الی (۸) هزار افسر وعسکرمجهز با مدرن ترین سلاح های تهاجمی ساخت شوروی بود و در تحت دستور و سلطه روس های متجاوز ستم می کشید ، در مدت (۲) ساعت صاحب منصبان مجاهد سروران اسلام از میدان کار زار نبرد بزرگ و سر نوشت ساز ، قهرمانانه علم پیروزی را بلند کردند و باندای الله اکبر و صفیر گلولهٔ جانبازان اسلام فضای اسمان هرات پر خروش سیمای ملکوتی و فتح بزرگ را تجسم نموده بود و فرقه مجهز (۸) هزار نفری یکپارچه در تحت

قیادت صاحب منصبان و افراد مجاهد در امده و بکلی تسخیر میگردد .

صاحب منصبان مجاهد و دور اندیش که در پس منظر این ظفر و قیادت رستا خیزی فرقه ، خطر وحشیانه نیروی هوائی دژ خیمان کمونیست های مزدور را درک می کردند به اساس استرا تیژی و فن محار بوی قوای خود ها را در مواضع حساس زلمی کوت و خطوط موازی زلمی کوت در دامنه پیر بزرگ و علم بردار عرفان خواجه عبدالله انصاری و نقاط مرتفع تپه های تخت صفر و جوار ساحه عارف بزرگ مولوی صاحب جامی تثبیت و سنگر گرفتند .

درین هنگام پیام ازادی و شادکامی به نواختن درامده بود اسرای مسلمان و مبارز که در بند زنجیر هاو اسارت ایادی کمونیزم قید بودند بی درنگ ازاد میشوند و ذیپو های سلاح برخ مردم مجاهد و قهرمان هرات باز گذاشته میشود مجاهدین اسیر ذریعه موتر های عسکری با بیرق های برا فراشته سبز و سفید در کنار تانک های فاتح داخل اجتماع پر جوش و خروش شهر میگردند . یک عده صاحب منصبان خلقی و پرچمی های مزدور و زبون درحالیکه لباس های عسکری خود را کشیده از صحنه فرار می نمایند ، دو نفر صاحب منصب فراری در محل پل جکان به مجرد شناسائی به جهنم مرگ فرو برده میشوند و

عصر همان روز یک عراده موتر جیب روسی همرای یک افسر روسی در حالیکه از زلمی کوت فرار نموده بود در پل جگان در زیر چکمه های جانبازان مجاهد به دیار نیستی و فناء سوق داده میشود . در مقابل دفتر اداره ولایت داکتر دلاور صاحب منصب مجاهد که مورد هجوم دشمن تجاوز گر قرار گرفته بود و با یک حماسه بی نظیر روس متجاوز و محافظ حلقه بگوش او را با سلاح دست داشته شان از پا در می اورد . درین لحظات حساس جگرن شمشیر خان که از میدان کار زار مملو ازایمان وبا اراده متین فاتحانه بر گشته بود یک عراده تانک دشمن دیرینه را در مقابل عمارت ولایت با برق شمشیر که از چشمه ایمان اب حیات و قوت میگرفت در هم کوفته و حریق مینماید. در حقیقت رستا خیزی قیام فرقه همه موانع دژ خیمان دشمن را در هم می شکست و با بلعیدن موانع ، قدرت تاریخ ساز خویش را لحظه به لحظه افزونتر می ساخت .

از جانبي زمانیکه قوای کاروان غلبه نور بر ظلمت از سرک ولایت بصوب شهر هرات فاتحانه سرا زیر میشوند دشمن ملحد و خصمانه از اخرین فرصت و پناه گاه های طاغوتی باز هم استفاده می نماید بذریعه اتش باری متواتر دو عراده تانک زنجیری مقابل تعمیر مخابرات و شلیک مسلسل و اتش باری متوالی و پی در پی توسط تانک های زنجیری و قوای ثقیله از

موقعیت مرکزی پارک شهر نو و جوار سینمای هرات و از پناه گاه های مخفی مدیریت زراعت ، شفاخانه و تعمیر لوای سرحدی یکنواخت صفوف فشرده جانبازان راه حق را موردا صابت گلوله های اتشین قرار میدهد که در اثر این فاجعه المناک درحدود (۱۵۰) نفر سر باز راه حق به دیار شهادت رهسپار می گردند و صفوف کاروان مجاهدین ناگزیر از طریق شاهراه های هجوار و عقبی به داخل شهر مژده پیروزی و فتح نوین وارجمندرا پیام همیشه جاوید به ارمغان می اورند .

زمانیکه کاروان نورو خیل فرشتگان مجاهد منزل به منزل - در داخل شهر حماسه ها داخل میشوند از فضاو در و دیوار و با مهای شهر بالای صاحب منصبان مجاهد و مبارزین زبر مرد سیل گل و شرینی نثار می شد شور و شعف تهنیت و مبارک باد امت مسلمان ، و فضای شهر از نثار کردن شرینی های رنگا رنگ و انداختن مبالغ هنگفت نوت های افغانی یک منظره بی نظیر و سیمای بهشتی ساخته بود ، بیرق های سبز و سفید در بالای کاروان های غلبه نور بر ظلمت در میان امواج احساسات اهالی در بین جاده های شهر در احتزاز و در خشیدن بود شیپور شادیانه درتمام نواحی شهر به نواختن در امده بود اتن ملی و شور و شعف و اغوش های گرم اهالی قهرمان هرات منظره دلپذیری را تمثیل می کرد حلوا و نان درمیان جاده های شهر

سهمانان و یاران مجاهد خدا (ج) را شرین کام می نمود ، اسمان رنگ سرخ و شعاع خاصی را از بالای خون شهداء تجلی میکرد و وارثان شهداء گلگون کفن عوض سوگواری جشن ازادی و پیروزی اسلام را تهنیت و میمنت می گفتند ، مجاهدین قهرمان و اسطوره های مقاومت در حالیکه شهر هرات را کاملاً در قبضه داشتند قوما ندانی امنیه را هنوزدر حلقه محاصره سخت فشار می دادند .

میدان کارزار و معرکه خشمگین از اتش و دود باروت در تمام ابعادان در اغوش فتح و پیروزی مجاهدین تجلی و تجسم از از کار اگاهی و عظمت جانبازان اسلام می کرد را مردان مجاهد و فریفتگان معرکه جهاد ، عوامل جنایت پیشه ، ملحد را در هر سوراخ و پناه گاهی که سراغ می داشتند تعقیب و جستجوی می نمودند جمعیت گسترده افراد مجاهد و مستری زمان و ضابط خلیل الله در قریه جکان بالای خانه عبدالحی یتیم رئیس معدن ذغال سنگ و سهره درجه یک عوامل ملحد هجوم می اورند این جرثومه فساد در حالیکه قبلاً فرار نموده بود مجاهدین دو نفر از ایادی مزدور و کمونیست اقارب اورا به کیفر اعمال شان رسانیده و ٤ نفر افراد محافظ و مسلح اورا به فرقه عسکری اورده و خلع سلاح نموده انها را رها می نمایند در باغچه مهتر نیز به خانه معاون ریاست معدن ذغال سنگ جانبازان مکتب اسلام

هجوم اورده که در اثر ان تعدادی افراد کمونیست به قتل میرسند .

نیروی هوائی دژخیمان دشمن دیرینه طیاره های میک ۱۷ - ۲۱ - ۲۳ ایلوشن و سؤ مواضع قوای عسکری مجاهدین و مبارزین فرقه نمبر ۱۷ را از ارتفاع بلند بمب باران می نمودند و صاحب منصبان دلیر اسطوره تاریخ و سمبول مقاومت قوای هوائی دشمن را با سلاح دافع هوا به عقب می کشیدند. یوم شنبه در اغوش ارمغان فتح بزرگ مجاهدین والا همت در زیر سقف اسمان نیل گون در کنار سیاهی شب پایان می گرفت تا سپیده دم فردا چه حماسه هابوجوداورد .

صبح یکشنبه ۲۷ حوت خونین در اغوش پیروزی مجاهدین و فتح فرقه :

صبحگاهی یکشنبه ۲۷ حوت در حالیکه جانبازان فریادرس مجاهد در تمام مواضع شهر و فرقه نمبر (۱۷) هرات ازاده تسلط کامل داشتند و هرات شهید پرور درمیان موج های خون و انوار ملکوتی در اغوش سنگر گزینان حماسه افرین و با شور و شعف ازاده بود و ازاده می زیست ، خورشید سقف کهکشان در حالیکه سیمای جبروتی و جهاد با عظمت را نظاره می نمود چند نیزه بلند نرفته بود که قوای تازه دم دشمن لگام پیکار سختی اغاز نموده بود چه عجیب یک قوای عظیم و مجهز با انواع تانک و توپ

از صوب قندهار با بیرق های سبز اسلامی به عناوین کمک و همکاری به مجاهدین در زیر پوشش خدعه و نیرنگ داخل هرات ازاده گردیدند . در اوائل مردم قهرمان هرات نه غافل گیر شدند بلکه این ها را استقبال هم کردند . کاروان ظامت اطراف شهر و قوای زلمی کوت را محاصره نمودند و همچنین یک بخش قوای متجاوز روسی از جانب تورغندی بندر مرز هرات و روسیه داخل شهر هرات گردید به نبرد اتشین و وخیمی دست زدند اتش در هوا شراره می نمود و قوای تازه دم دشمن به جانب زلمی کوت با اتکاء و حمایه نیروی هوائی طیاره های جنگنده مجهز در حال پیش روی بود و از دو جانب سخت اتش در گیری مشتعل و شعله رو گردیده بود و از دو طرف جبهه مقابل به موازت متوارد و پی هم هزاران مرمی و خمپاره شلیک میگردید و محاذ محاربه حد فاصل بین دو جبهه در حدود (۳) کیلومتری از قسمت پل جکان الی نظام قراول زلمی کوت و مواضع مجاهدین یک کتله شعله آتش و مذابه گردیده بود شش تانک زرد هپوش قوای تازه نفس دشمن از پا در امد و قوای مجهز و تازه دم دشمن در نزدیکی نظام قراول از سبقت جوئی و پیشروئی بازمانده و متوقف گردید البته شلیک اتش باری قوای زمینی و هوائی لحظهٔ سکوت نمی کرد قوای تهاجمی نو وارد دشمن از حومه شهر در تمام سنگر های مجاهدین در داخل شهر و مواضع صاحب منصبان

مجاهد در قسمت های تپه های دامنه تخت صفر ، جوار خواجه
عبدالله انصاری و دشت مولوی صاحب به و خامت و شدت اتش
باري مي نمود و صاحب منصبان مجاهد و قهرمان چون کوهپا یه
های مقاوم با رشادت و مهارت نبردرا ابا انتهای پایداری به
پیش می بردند و برق اسا پاسخ کاروان های تانک های تازه دم
دشمن را میدادند و قوای زمینی مجهز دشمن ملحد به هیچ
وجه نتوانست که به صفوف مجاهدین رز منده ، و قوای عسکری
مجاهدین رخنه و غلبه نماید اما به اتکاء به نیروی هوائی اسمان
خراش و خانمانسوز توانست که نیروی مجاهدین‌را از اطراف
شهر و زلمی کوت از نواحی قریه شاطر ، شیدائی و دامنه تخت
صفر محاصره نماید و نیروی هوائی انواع میک های جنگنده
وطیاره های ایلوشن وسوء در فراز شهر چون خیل عقاب های
شکاری به پرواز در آمده بودند ناجوانمردانه داخل شهر و حومه
شهر و مواضع مجاهدین را مورد رگبار مسلسل ، خمپاره و بمب
های اتش افزا قرار میدادند باز هم نیروی خصمانه دشمن در
فراز زلمي کوت مواضع قوای عسکری مجاهدین قهرمان براحتی
پرواز کرده نمی توانستند چه شدیداً مورد اصابت قوای دافع
هوائی مبارزین قرار می گرفتند و از همین پس منظر خطرناک و
سبعانه دشمن است که نیروی هوائی وحشت انگیز دشمن ملحد
غرض تلافی و جبران عقده های زخم هائیکه از جنگ برداشته

رفتند دروازه های سلول های زندان و سیاه چالها برخ مردم مسلمان و با عقیده هر لحظه باز و باز تر میشد . موج تبلیغات رستا خیزی نهضت اسلامی در هر خانه و هر محفل زمزمه کنان نمک و حرارت مجالس گردیده بود هر لحظه سرود جهاد و سرود اسمانی بگوش میرسید و به دل می نشت ، در پس منظر این خروشیدن های سیلاب پر پیچ و خم دو چیز . واضح و اشکارا بود ! یکی رستاخیزی قیام حماسه افرین راد مردان راه حق ، و دیگری وحشت و خون اشامی کمونیست های جنایت پیشه که دست همه دکتاتور های جهان را از پشت بسته بودند و سرانجام این برداشت هم در عمل پیاده شد و مردم با فرهنگ و با ایمان هرات باستان مقتدیان و رهروان حضرت حمزه ها ، خالد بن ولید ها و ابوذر ها . . . در هرات مشعل دار علم و ادب و علم بردار نهضت اسلامی و گهواره انصاری ها ، رازی ها ، جامی ها ، طاهر فوشنجی ها ، ابوالولید ها ، تفتازانی ها ، بهزاد ها ، شاهرخ ها ، سلطان میرزا حسین بایقرا ها ، و امیر علی شیرنوائی ها . . . . درس جهاد و مکتب انقلاب را اموخته بودند ، درین مرزبوم که هزار ها اثار ازادگی و ازاده خواهی در کنار مردان مؤمن و مجاهد در زیر خاک پاکش نهفته و مدفون بود در حقیقت ابدیده از عقاید اسلامی و مملو از اخلاص و تعهد به اسلام و جهاد بودند . چه واضح و روشن

بود به حریم شهر هرات باستان به شدت اتش باری می نماید .
و مجاهدین قهرمان چون راد مردان تاریخ در سنگر های مبارزه
نور برظلمت پایدارو استوار باقی می مانند و همچنین سه عراده
تانک صاحب منصبان رشید و مجاهد بصوب درهم شکستن مرکز
ولایت هرات اتش باری می نمایند و در قسمت تعمیر مستوفیت
جوار ولایت در اثر در گیری شدید با کاروان تانک های دشمن ،
به اتش کشیده میشوند و این جانبازان راه حق به زندگی همیشه
جاوید می پیوندند .

نیروی هوائی دشمن میک های آسمان خراش و طیاره های
ایلوشن وسؤ برفراز زلمی کوت دامنه های تخت صفر ، گازر گاه
شریف و دشت مولوی صاحب بربالای مواضع اسطوره های
مقاومت از ارتفاعات بلند وحشیانه بمب باری می نمایند ، قوای
دافع هوائی مبارزین مجاهد با متانت و مهارت ، نیروی اسمان
خراش دشمن را سرا سیمه نموده و عقب میزدند . نیروی هوائی
مجهز و جنگنده های مدرن سریع السیر رژیم کاواگ و ملحد از
انتهای سراسیمگی از ارتفاع نهایت بلند بالای مواضع فرزندان
رشید نهضت اسلامي هزاران رگبار مسلسل ، خمپاره و بمب های
مخرب و اتش افزا سرا زیر می کردند ازینکه سطح ارتفاع پرواز
جنگنده های دشمن بی اندازه بلند بود بمب باری های وحشت
انگیز عوامل مزدور به هدف اصابت نمی کرد و دشمن مبتلا به

چنون هزاران بمب و به احتمال یقین صد ها تن بمب مخرب و اتش افزا را در داخل زلمی کوت و حومه ان و دامنه تپه های تخت صفر و باقی خطوط مقدم محاذ جنگ پر تاب و انداخت می نمود البته زندانیان چون شیر در بند کشیده از داخل محبس که در جوار نزدیکی تخت صفر ، زلمی کوت و دامنه خواجه عبدالله انصاری قرار داشتند این حالت وحشت انگیز رژیم به اصطلاح دمو کراتیک خلق را در حالیکه هر لحظه نابودی محبس احتمال میرفت از نزدیک مشاهده می کردند و واقعیت رویداد غم انگیز ازین قرار بود که در هر لحظه در فراز مواضع نظامی مجاهدین (۸) پروند طیاره جنگنده میک ، ایلوشن و سؤ وظیفه کشافی و حمایه نمودن جنگنده ها و بمبارد مان متواتر منطقه را انجام میدادند در اثناء بمبباران سرسام اور وحشت ناک تعداد از طیاره های حمایوی صحنه های اتش افروزی را برای طیاره های جنگنده دیگر اماده می ساختند میدان اتش باری طیاره های میک اسمان خراش انقدر مهیب و رقتبار بود که دل هر بیننده را مبهوت و ملهوف می کرد وبایک محاسبهٔ فنی و تخنیکی از پیکر این سایه های سیاه شؤم و شرک الود چنین ارائه می شد که در ظرف (۱۲) ساعت در حدود (۹۶) طیاره ادم خوارروسی در فضای شهر هرات باستان بالای مجاهدین جانبازان حق یکنواخت وظیفه بمبارد مان را به شدت اجراء می‌نمودند. و محبوسین

مسلمان و به زنجیر کشیده شده در حالیکه از همسنگرهای مجاهد خود دور مانده بودند چون بسمل های زخمی (سر بریده) بخود می تپیدند و چون شیر های در زنجیر کشیده می نالیدندو چون بلبل های سوخته در قفس (زندان) سرود ازادی می خواندند وگوش های شان با صدای مهیب تانک ها ، صفیر گلوله‌ها و نفیر انفجار بمب ها بسته بود و چشمان خشمگین شان که یک دنیا منظره پر تهیج را تمثیل میکرد از صبحگاهی تا دل شب چشم به فضای شهر کهن و زادگاه ازادهٔ نیاکان شان دوخته بودند که رعدو برق تانک و توپ و بمب بارد مان های عوامل روسی صحنهٔ از جهنم را بار اورده بود . صدای مهیب ودلخراش امواج رادیو، استراق سمع بطور متواتر بدون لحظهٔ سکوت‌انعکاس دهنده اعلام مخابرهٔ بمبارد مان هرات رستا خیز بود .

آواز مخابره و قوماندهٔ نبرد آتشین رژیم ملحد و کاواک از طریق امواج ٤١ متری ٤٩ متری ٧٥ متری و ١٢٠ متری در تمام روز الی نیم شب یک نواخت شنیده می شد گرچه قوماندہ و دستور مخابره به ذریعه کلمات مرموز به طور شفر و مستتر اعلام میگردید ازینکه جملات شفر بصورت یکنواخت و متواتر بخاطر آتش باری و بمباردمان بی حد و حصر در طول روز و شب به کرات بدون تغییر شکل تکرار می گردید مسلمانان به بند کشیده بادل های ملهوف از پشت دیوار های اهنین که

عمیقاً متوجه اوضاع رقت بار و ناگوار دشمن بودند کلمات هماهنگ شده و متحد الشکل مخابره دشمن (شفر) که بدون تغییر الفاظ در مقابل حدوث واقعات و آتش افروزی های یکنواخت انجام میگرفت بالوسیله تکرار عملیات ناگوار تا اندازه مفهوم تکان دهندهٔ شفر مستتر شده ، برای زندانیان مجاهد اشکارا و واضح گردیده بود .

از جانب عوامل ملحد و زبون دشمن که در مقابل رستاخیزی بزرگ هرات قهرمان سخت سراسیمه و مبتلا به جنون شده بودند ، امر قوماندهٔ آتش باری بمب های محرق را از طریق مخابره مراکز ارتباطات منابع «شاداب سنگی» و «پشتون سنگی» که محل ارتباط شفر بین طیاره های جنگنده آسمان خراش بود اکثر اوقات از انتهای عجز و مهزوم بودن خویش بدون رعایت مخفی و محفوظ نگهه داشتن محتوی شفر ، به عصبانیت زیاد قوماندهٔ شفر را به الفاظ فارسی و پشتو با لکنت زبان مخابره و دستور می دادند این سراسیمگی دشمن هم عواملی بود تا که محتویات شفر و دستور العمل دشمن ظاهر و روشن میگردید و طیاره های جنگنده میگ (۱۷ - ۲۱ - ۲۳) و ایلوشن و سؤ به حروف عداد نام گذاری شده بود و مواضع استرا تیژیکی مجاهدین زبر مرد نیز در نقاط مختلف به اعداد نامگذاری و ترسیم گردیده بود در پس منظر این رویداد ها و مخابره ها دیده میشد که

محل دامنه و تپه های تخت صفر که مجاهدین سربازان نظامی راه حق سنگر گرفته بودند بنام نقطه ۳۲ نام نهاده شده بود و همچنین محاذ مجاهدین را دشمن داخل زلی کوت به نقاط ۳۸ و ٤۸ تعیین و تثبیت شده بود البته محل فرود گاه نظامی قوای هوائی بنام میم (م) و فرود آمدن طیاره ها را به میدان نظامی به کلمه مخابره «کیان» دستور می دادند و با کلمه منحوس و دلخراش "کیوتن" دستور بمباردمان و به آتش کشیدن منطقه را انجام میدادند .

البته به مجردیکه کلمات خانمانسوز و تکان دهنده دشمنان ملحد از چینل مخابره بی سیم به منابع ارتباطی قوای هوائی ارتباط گرفته می شد بعد از یک لحظه کمتر از یک و دو دقیقه نیروی هوائی سریع السیر در فضای هرات چتر می بستند مواضع و نقاط تعیین شده مورد دستور را سرسام اور به آتش کشیده با مهارت و کار آگاهی مدرن ترین طیاره های جنگی به بمباردمان وحشیانه منطقه مبادرت می ورزیدند و از کاروان های طیاره های آسمان خراش دشمن بین میدان هوائی نظامی شندند و میدان بگرامی و فضای هرات شهید پرور پل هوائی خط دورانی بسته شده بود و حتی پل هوائی در خط مقابل شمال هرات بین فضای هرات مرد افرین و پایگاه نظامی تا شکند امپریالیزم متجاوز روسیه مستقیماً چتر بسته بود چه آن زمانیکه مسئاله جنگ حق و

باطل مطرح می گردد نیرو های اتحادی دست بدست هم میدهند
در مقابل موج حق متحد و فشرده میشوند ، چنانچه در طول روز
در امواج را دیو که آواز مخابره شنیده میشد به صراحت صدای
زهراگین افسران روسی که مستقیماً با ایالات دو شنبهٔ تا شکند
همرای یک زن روسی مخابره میکردند شنیده می شد ازینکه
مسلمانان دربند کشیده در زندان خوش بخانه به لسان منحوس
روسی اشنائی نداشتند محتوی مخابره افسران روسی تا شکند
مجهول و نا معلوم بود و از جائی ترجمان لسان روسی تور غندی
(یکی از افراد پرچمی) در محبس قید بود که بالوسیله مذکور تا
اندازهٔ بمفاهیم مخابره افسران روسی اشنائی خاصل می گردید
و نیز از جریان منابع ارتباطی طیاره های جنگنده و مرکز
قومانده و دستور العمل دشمن بوضاحت محسوس و تثبت می
گردید که تعداد (۷) طیاره میک ۲۳ بذریعه پیلوت های نخبهٔ
روسی در فراز گهواره تاریخ ساز هرات پرواز داده می شدند که
از آن جمله سه طیاره مصروف اوضاع ساحه ولسوالی غوریان و
مناطق سرحدی ایران مصروف عملیات بوده و چهار طیاره دیگر
در فراز شهر هرات با انتهای مهارت و کار آگاهی پیلوت های
روسی مشغول عملیات آتش افروزی بودند و از همه مهمتر طیاره
های روسی امور اجراء و ظایف محوله بمباردمان پیلوت های
افغانی را رهبری و کنترول می نمودند ، چه بعضی از پیلوت

های افغانی غرض ازینکه بمب های پرتاب شده شان به هدف
اصابت نمی کرد و یا اینکه اصلاً وظیفه بمباردمان را در نقطه
تثبیت شده به وقت و زمان معین آن تطبیق نمی کردند ، از
مرکز قوماندہ دستور العمل ، با خشونت هدایت داده می شد
که به میدان نظامی فرود اید . در حقیقت از اوضاع مخابره
بعضاً احساس می شد که یک عده نهایت محدود پیلوت های با
درد افغانی اصلاً نمی خواستند که بالای ملت و کشور زاد گاه
خویش آتش افروزند . بطور مثال یک نفر پیلوت از طریق مخابره
هدایت داده شد که در قسمت شاهراه واسوالی کرخ یک پسته
کاروان عراده جات (به اصطلاح خلقی ها) شورشیان اشرار کشف
گردیده که بصوب شهر هرات به حرکت اند فوراً بالای شان
(کیوتن) بمباری نمائید پیلوت مذکور که دارای عواطف میهنی
و شاید هم دارای احساس عالی اسلامی بوده است به اشکال
مختلف از انجام وظیفه بمباردمان ابا می ورزید و مرکز فرمانده
را اغفال می نمود حتی (٦) مرتبه به فراز کاروان عراده
جات مجاهدین سوق داده شد و هرگز مرتکب عمل خائینانه
نا بخشودنی نشد و به شکلی هر دفعه جریان را دگرگون جلوه
میداد تا سر انجام ذریعه مخابره به مرکز فرماندهی اعلام کرد
که افراد سرنشینان عراده جات کاروان مذکور محل را ترک داده
و تخلیه نموده اند و عراده جات متذکره در حال متوقف است

که خالی و بدون نفر میباشد و نیز طیاره ان مواد سوخت خلاص کرده و بیشتر اماده ادامه پرواز نیست و مرکز فرماندهی باعصبانیت برای پیلوت موصوف امر فرود امدن به میدان نظامی دادند . بعد ها به روایتی مشعر گردیده بودکه دو نفر پیلوت را در میدان هوائی شندند به جرم اینکه وظیفه انجام نمی دادند و یا به خاطر اینکه چرا بمب های شان به نقاط و اهداف مشخص اصابت نکرده مورد جو خه اتش قرار میگیرند ، و به روایتی نیز ۲۲ نفر پیلوت به اتهام همین جرم تحت الحفظ به کابل اعزام می گردند .

اگر از مبحث اصلی دور نرفته با شیم طوریکه قبلاً اشاره کردید که اتش محرق و شعله های لهبان نیروی هوائی دشمن ملحد در بالای مواضع و سنگر های مجاهدین در داخل شهر به شدت ادامه داشت در ولسوالی های یازده گانه و حومه شهر نیز اتش رگبار مسلسل و ریزش بمب های مخرب و اتش افزا به شدت و وخامت سرسام اوری جاری بود و هر لحظه گسترش می یافت .

قوای جانبازان نیروی حق در مواضع زلمی کوت ، دامنه تخت صفر با مقاومت و رشادت بی نظیر در مقابل نیروی مخرب هوائی دشمن خدا ناشناس پاسخ میدادند . هر چند رستا خیزی و جنبش اسلامی و توفندهٔ جانبازان اسلام در هرات قهرمان بسان

سیل خروشانی بود که همه موانع دژخیمان دشمن را درهم می شکست و با بلعیدن موانع، قدرت تاریخ ساز خویش را لحظه به لحظه افزونترمی نمود ولی دشمن حرفوی و مجهز درکمین فرصت و توطئه بود . و از جانبی قوای تازه دم قندهار و تور غندی که شاهراه های عمومی شهر و اطراف زلمی کوت و مواضع سنگر های مجاهدین را تا اندازه در حلقه محاصره دراورده بودند و بالای مجاهدین کوهپایه های متفاوت با شلیک توپ و تانک و به حمایه نیروی هوائی دامنه اتش افروزی رامی افزودند . وجانبازان با ایمان در مقابل اتش گسترده دشمن با متانت و صلابت پاسخ شدید میدادند در حالیکه‌دشمن ملحد کمونیست مواضع مجاهدین و حریم شهر را در حلقه محاصره وزیراتش متواتر قرار میداد .

جانبازان هدفمند تلفات دسته جمعی و حتی ضایعات فرد فرد اهالی را ما یه نگرانی و مورد محاسبه عمیق قرار می دادند و با درک عمیقی که از دشمن کرده بودند نمی خواستند که خط مقدم ـ مقاومت مبارزه خویش را به بهای تلفات هنگفت مردم بی دفاع در قبضه و تسلط داشته باشند در حقیقت دور اندیشی مجاهدین از قلب خونین و داغدار جامعه سرشت می گرفت و سربازان قهرمان به هیچ وجه حاضر نبودند که با شلیک انداخت توپ خانه بالای پسته های افراز شده رژیم دست نشانده در داخل شهر و بالای مستحکم ترین دژ طاغوتی حصار

قوماندانی امنیه ، ناگزیر اهالی مجاور انها را هم به ضایعات و
تلفات سنگین ان متضرر سازند و مجاهدین جانفدا هر نوع فتح و
ظفر را در خط مبارزه پیگیر در بهای قربانی و ایثار خود ها بدست
می آوردند و هر گز حاضر به تلفات مردم خود نبودند در حقیقت
اخرین دژ طاغوتی رژیم ملحد همانا قوماندانی امنیه بود که همه
خلقی ها و عوامل مزدور از ابتداً رستا خیزی بر حق اهالی
قهرمان هرات در حلقه محاصره مجاهدین زبر مرد قرار داشت و در
صورت استیلاً و نابودی قوماندانی امنیه به احتمال قوی مراوده
و ارتباط بی سیم مرکز کابل بکلی با نیرنگسازان فتنه انگیز
خلقی های محصور قطع میگردید و ظفر و فتح نهائی در قبضه
مجاهدین هدف مند در می امدولی مجاهدین باهمت و پاکبازان
طراز که به خاطر ازادی مردم و جامعه خویش در ستیز بودند
هر گز حاضر نبودند که به تلفات و قربانی دسته جمعی اهالی بی
دفاع شهر پیروزی نهائی را بدست ارند و یگانه سدی که از
تخریب و به اتش بستن قوماندانی امنیه پیش روی داشتند همانا
محاسبه قربانی و تلفات فرد فرد اهالی شهر هرات بود و هر گز بر
حصار قوماندانی امنیه پناه گاه دسته جمعی خلقی های ملحد اتش
توپ خانه را نگشودند ، این بود محاسبه و عمل کرد انقلابی
سربازان هدف مند مسلمان در محاذ جهاد علی رغم دشمن بخاطر
تحفظ و بقای زندگی جامعه ، تا حتی که اخرین دست اورد های

است در غائله های ماتم انگیز تاریخ گذشته بزرگترین
خونخواری اسکندر ها ، چنگیز ها ، مغول ها ، قاجار ها و تزار
ها و کمونیست های بلشویک ازین مهد علم و گهواره
رادمردان نه شکست فاحش می خورند بلکه در قهر تاریخ خوار و
زبون میگردند . و درین لمحهٔ تجاوز مسلحانه کمونیست های
روسیه ، هر ان صف های فشرده و بنیان مرصوص علم برداران
مردم مجاهد هرات قهرمان برای بارور شدن نیروی جهاد اماده
می گردند ، در آغاز در سیاهی دل شب . شبنامه ها و کارتون
های پخش می گردید و چهره منحوس زیر پرده و نقاب پوش
اجیر های مزدور و کمونیست در روشنی روز بذریعه همین شب
نامه ها و کارتون ها افشاء میشد ، گرچه برنامهٔ منظم سازمان
داده نشده بود فقط این اهالی مجاهد و سرشار از ایمان هرات
گهواره انقلاب و نهضت اسلامی بود که هر فرد به سهم
خود دست بکار و تلاش به سوی یک قیام همگانی و سر تا سری
بودند و در نفس خود پختگی و نظم را می اموختند بازهم
حلقه های از جوانان مبارز و متعهد و هدفمند گرد هم آمده
بودند که در اثر همین تلاش های پیروان نهضت اسلامی ، در
آخرین لحظات حساس در مسجد جامع قریه پاشتان در بالای
منبر ، و هفته های اخیر در ولسوالی های جوار شهر هرات چند
سرباز راه خدا جل جلاله در مسجد جامع سیوشان خطیب

پیروزی و فتح نهائی را هم از مجرا همین محاسبه ها وارزش های جامعه از دست دادند.

به همه حال در حالیکه اتش باری زمینی و هوائی دشمن متخاصم در محاذ سنگر های مبارزین به شدت ادامه داشت و جانبازان حق با روحیه قوی بالمقابل دشمن به شدت پاسخ میدادند تاریکی شب فرا رسید درگیری و اتش افروزی نیروی هوائی دشمن اوضاع را نهایت و خیم و گسترده ساخته بود مجاهدین هر چند تادل شب چندین طیاره جنگنده را سقوط دادند. اما اتش باری نیروی هوائی با پرتاب نمودن مرمی های رسام فضای شهر را تانیمه شب مضطرب و حشتناک نگاه میداشت و جانبازان مجاهد درس شهامت ، ثبات و صفحه تازه و افتخار افرینی را در تاریخ از ده و شکوهمند هرات قهرمان تا دل شب باز می نمودند از کوه مقاومتر و استوارتر در سنگر ایستاده بودند .

صبح دو شنبه حوت خونین :

صبح دو شنبه ۲۸ حوت در حالیکه شعاع افتاب بالای خون شهدای زنده جاوید می درخشید بیرق های برا فراشته جانبازان حق بر فراز شهر در پنجمین روز پر افتخار رستا خیزی هنوز به احتزاز بود مجاهدین زبر مر دسنگر های شاهق ، ودامنه ها ، تپه ها و مواضع استرا تیژی شهر و در محاذ زلمی کوت

چون فاتحان تاریخ با متانت و برا زندگی خاص علی رغم قوای
زمینی و هوائی رژیم خدا ناشناس و دست نشانده ، رمز پیروزی
و اسطوره مقاومت را ادامه داده میرفتند . ناگهان فراز شهر را
خیل طیاره های غول پیکر شکاری سریع السیر و مجهز میک ۲۱
- ۲۳ ، ایلوشن و سؤ سرسام اور فراگرفت ، این کاروان های طیاره
اصلاً از دو شنبه مرکز ایالت تا شکند بصوب هرات شهید
پرور به پرواز در امده بودند منظره و حشتناک و جهنم اتش
سوزی را ارمغان اورده بودند یعنی بیش از صدها تن بمب ویرانه
ساز در دامان گهواره علم پرور هرات باستان فروریختند گوئی
این مهد مدنیت و ازاده پرور محکوم به فنا و نیستی شده بود این
طیاره های جنگنده در فراز شهر به ارتفاع پایان و پست دیوار
صوتی می شکستند دامان کوهسار و حصار شهر را به لرزه و
اضطراب در اورده بود اطفال معصوم سرا سیمه در گوشه های
منازل و در پناه گاه ی تاریک (انهم غیر مصئون) پناه می بردند
گهواره مدنیت ساز هرات که در طول تاریخ نور علم و معرفت
ان تجلی می نمود دیگر در زیر رگبار مسلسل و بمب های اتش
افزا دشمن فاقد فرهنگ و کلتور ، طعمه حریق گردیده بود ،
این طیاره های ماتم انگیز که در انتهای شطارت و مهارت
عجیبی بطور مار پیچ در خطوط پست و پایانی فضا شهر و در
فراز مجاهدین در حالیکه دیوار صوتی را می شکستند و صحنه

اضطراب و وحشت را تولید می کردند به بمباری وحشیانه خود نیز ادامه میدادند در حقیقت پل هوائی در فراز شهر هرات و وایالت تاشکند بسته بودند که از طول امواج مخابره را دیو به صراحت تثبیت و متجاهر بود که طیاره های جنگندهٔ روس های ماجرا جوی امپرایالیزم شوروی مستقیماً در خطه باستانی هرات اتش باری بی امان می نمودند . البته بمباری چنان گسترده و مهیب بود که محاذ زلمی کوت را با چند هزار افراد و تعدادی چند صاحب منصب مجاهد را به خاک و خون کشانیده و ویرانهٔ از خاکستر بیش باقی نگذاشتند ، پارک ها ، عمارات و مخاذن اسلحه و اشجار ساحه زلمی کوت یکپارچه حریق و جزتل خاک میگردد ، و خامت و شدت اتش افروزی قوای هوائی دشمن چنان و سعت و ابعاد گسترده را گرفته بود که نیروی دافع هوائی صاحب منصبان مجاهد در مقابل این و حشت مهلک برای اولین لحظه های خطرناک پیکار عاجز و مبهوت مانده بود و علی الفور تصمیم مناسبی اتخاذ می نمایند در مقابل قوای جهانخوار نیروی هوائی دشمن سکوت و خاموشی اختیار می نمایند چون پس منظر این عملیات خصمانه را دریافته بودند که با کوچکترین دفاع ، شهرمدنیت پرور و همه اثار حیات وبقای جامعه هرات باستان در زیر اوار بمب های دشمن مدفون خواهد گردید دیگر افسانه تاریخ درد ناکی ازان باقی خواهد ماند که جبران

و تلافی ان همه ضایعات نامکن خواهد بود . صاحب منصبان
دور اندیش با هوشیاری انقلابی خود مد برانه در سنگر های
جهاد سکوت اختیار نمودند هر نوع قربانی و ضایعات سنگین در
مقابل مصئون نگهداشتن هم میهنان خویش متحمل گردیدند ، و
سنگر های راد مردان در یک سکوت مرگباری تجسم می نمود
گاهی تصور میرفت که بکلی قوای نظامی مجاهدین در زیر اوار
بمب ها امحاء و استیلاء شده است لحظه های سکوت ، دنیای
یأس و نا راحتی را در دل بینندگان با احساس می تنید . چقدر
ناگوار که لحظهٔ سکوت یأس ، در مقابل دیدگان مردم ،
حکایت از باور شدن نطفه و وقوع حادثه خطرناک را تجسم می
نمود . تا اینکه نیروی هوائی غول پیکر و جهانخوار و اتش
افروز چهره مرخشه و ماتمسرای ان از فراز هرات در حوالی
(۲) بجه بعد از ظهر رخت بر بست ارامش قبل از طوفانی بوجود
امده بود گوئی جریان به نفع دشمن خاتمه یافته بود در موقعیت
عصر (ساعت چهار بجه) در حالیکه در نواحی شهر نفیر تانک
و توپ شنیده میشد و طیاره های میک کم و زیاد در مواضع
مجاهدین به عملیات بمباری ازمایشی شروع کردند در همین فضای
سکوت بود که صدای دلنشین دافع هوا قوای مجاهدین علیه
جنگنده های دشمن به نواختن درامد و سکوت یأس را در هم
شکست و صاحب منصبان مبارز در سنگر های طعمه اتش زده

خویش قد علم نمودند و مبارزه کجدار مریز را اغاز کردند در حقیقت نبرد تاریخ افرین و مجاهدات قهرمان ساز مجاهدین فاتح دیگر در استانه ضعف و حالت تدافعی و عقب نشینی قرار گرفته بود شب سیاه فرا رسید صدای شلیک یکه تاز شنیده می شد اما کلمه فتح و پیروزی نهائی دیگر در زیر شعله های لهبان زراد خانه امپریا لیزم روسیه به خاکستر زیر اتش مبدل گردیده بود مواضع سنگر های مجاهدین درهم ریخته بود و خون شهدای راستین از درون سنگر های سربه فلک کشیده سیل اسا سرا زیر می شد و به غلیان در امده بود در صحن و محاذ شهر اکثر مواضع حساس با حیله و خدعه قوای تازه دم قندهار بدست رژیم طاغوتی در امده بود چه عجیب تانک های زرهپوش پرچمی و خلقی های کاذب بیرق های سبز گلگون را توأم با پیروزی شعار اسلام بر افراشته بودند و با استقبال گرم مردم داخل مواضع مجاهدین گردیده بودند ، مردم مبارز را با ابراز تهنیت و مبارک باد پیروزی نهائی ، رهسپار حومه شهر و ترغیب به منازل شان می نمودند این حربه و حیله سخت کاری افتاد ، با تخلیه و ترک مبارزین از مواضع استرا تیژی شهر ، قوای خاد و طوغوتی دشمن علی الفور ، موقعیت های حساس و بارز از دست رفته شهر را واپس اشغال و در زیر سلطه خود در اوردند . طوریکه قبلاً اشاره شد تاریکی شب فرار سیده بود در همان اثناء خلقی

های مهزوم و زخم‌خورده با یک لحظه نفس نیمه راحت از سوراخ های تحصن یافته و مخفی خویش سر بلند می کنند . و دست به اخرین تلاش های مرگبار میشوند .

سه شنبه ۲۹ حوت خونین :

صبح سه شنبه ۲۹ حوت نور رستا خیزی را می دمد اخرین نبرد شش روزه اغاز به شدت می نماید . قواق متلاشی و اتش کشیده مجاهدین از محاذ زلمی کوت ، دامنهٔ کازر گاه شریف و تپه های تخت صفر به امید شکستن اخرین دژ مستحکم مجبس بزرگ هرات میدان کار زار را شدت می بخشند و حصار مجبس را مردانه مورد اصابت شلیک توپ قرار میدهند گرچه روز پیش (صبح دو شنبه ۲۸ حوت) با شلیک اتش توپخانه یک قسمت دیوار مجبس اناثیه را تخریب و سوراخ نمود بودند ، اینک بالای تانک ها و توپ های محافظ مجبس متواتر اتش می نمودند که یک توپ دشمن از جوار مجبس مجبور به فرار گردید و شلیک توپ خانه مجاهدین بالای محبس مردانه ادامه داشت و با چند ضربه کاری ، برج شمال شرقی مجبس که مملو و تعبیه از سلاح های ثقیله و خود کار بود . تخریب و فلج گردید و به غرض باز نمودن مجبس اتش صاحب منصبان مجاهد بالای منزل قوماندانی مدیریت مجبس و دروازه مجبس به شدت ادامه‌داشت که در اثر ان یک قسمت منزل فوقانی مدیریت مجبس‌تخریب و

چند نفر عسکر مجروح گردیدند و اتش باری جانبازان راه حق
چنان با شدت و خامت برق اسا فرود می امد که الدام خلقی
های زبون سست و به لرزه در اورده بود و شدت باران اتش چهار
دیواری مستحکم و صحن محبس را چون توفان زلزله و گرد باد
مدحش در حال در هم ریختن و واژگونی و زیرو رو نمودن داشت
هر لحظه تصور میرفت که حصار محبس تل خاک و امواج اتش و
خاکستر گردد . از جرقه های اتش باری تعداد (١١) نفر محبوس
جنائی شدیداً جراحت برداشتند برای محبوسین این توفان های
رگبار توپ ها هرگز مهیب و دلخراش نبود بلکه یک احساس
دلنشین برای غلبه نور بر ظلمت دشمن بر شمرده می شد و به
انتظار باز شدن دروازه محبس دقایق اخری را عجولانه شمار می
کردندولی با ترفند دشمن این کار هم نشد و محبوسین در قید
زنجیر های دشمن باقی ماندند . در حقیقت در هر لحظه مسیر
انقلاب ، حرکت استفاده از زمان نهایت حساس است اگاهی و
کارآئی رهبری سالم بر تمام شریان ها و جریان جنبش اب
حیات و ثمره قیام خواهد بود تا با ابتکار عمل وقاطعیت هدف
در مسیر دادن جهت دادن انقلاب اسلامی کوچکترین لغزش باعث
شکست و عقب نشینی نگردد مع الاسف این رمز پیروزی در
موج های قیام هرات قهرمان خط درشت نکشیده بود تا زمانیکه
بعد از فتح و غلبه عقب نشینی کرد . نیروی هوائی مستکبرین

ملحد طبق دست اورد های وحشیانه قبلی به شدت بالای مجاهدین فرزندان جانباز نهضت اسلامی اتش باری می نمودند و مبارزین حماسه ساز تا اخریق لحظه پیکار اتش افروزی دشمن را پاسخ میداد و دافع هوا‌ٔ قوای مجاهدین یکا یک تا این دم علی رغم جنگنده های دشمن دفاع می کردند هر چند اکثراً در زیر اتش گسترده دشمن ذوب شده بودند و تا لحظات اخری قیام گلگون کفنان ۲٤ حوت در حدود (۱۱) پروند طیاره میک و یک پروند طیاره هلیکوپتر که با مدرن ترین نوع سلاح تخریبی مجهز بود در استانه چند روز سقوط داده شده بود که اکثر شاهد این طیاره های اتش زده بودند و به ملاحظه مهر سید که بسا پیلوت های طیاره های سقوط داده شده افسران روسی اند و از زمره البته یک پروند طیاره میک در مسیر شاهراه میر داود جنوب هرات و یک پروند طیاره در ولسوالی کشک و یک پروند طیاره در جوار شفاخانه نور درداخل شهر هرات سقوط داده شده بود که اکثریت مردم ناظر لاشه های طیاره های سقوط داده شده بودند .

در رستا خیزی قیام ظفر افرین حماسه ساز هرات در ظرف شش روز ۷۵ تن افسر نخبه روسی ملبس به لباس نظامی به خاک و خون کشیده شده و بروایتی دیگر درین قیام شکوهمند ۱۵۰ افسر روسی به گورستانیکه خود کنده بودند فرو برده میشوند و این شکست جنرال های کار آزموده و افسران روسی در کنلر

دیپو های سلاح های زهراگین و پیشرفته اولین درس عصر خود بود که قبلاً این پند تاریخی برای انگلیس های متجاوز هم از همین مرزو بوم افغانستان قهرمان داده شده بود.

درین نبرد غلبه کاروان نور بر ظلمت در ظرف شش روز حماسه های جاویدانه ، اهالی مجاهد هرات بی همتا بین ۲۵ الی ۳۶ هزار شهید زنده جاوید ارمغان تاریخ گذاشتند . اگر به یک صفحه تاریخ قبل از امروز نظر اندازیم تا گواری های تلخی مشاهده می کنیم که کشور های مسلمان اسیا دائم همچو افغانستان ازاده مورد تاخت و تاز بیرحمانه همسایه شمالی خود بوده و هنوز ناله غم انگیز مرو ، خیوه ، بخارا ، تاجکستان ، ازبکستان ، سمرقند (ترکسیان غربی) همچو ناله های ماتم انگیز فرزندی که به نیزه دشمن خون الود میشود و از پستان ما در داغدیده جدا میگردد این حادثه ها در سیمای غم الود پیکر اسیا همیشه مشاهده میشود اما یقیناً این طلسم های اسارت و دیوار های اهنین در افغانستان قهرمان در رویا روی تاریخ در هم شکسته میشود و آزادی از آن ملت های مسلمان میشود .

روز سه شنبه آفتاب در حال خم شدن بود نبرد پاسداران اسلام علیه قوای هوائی و قوای زمینی تازه دم دشمن ادامه داشت دشمن سراسیمه و وحشت زده بود امین لعین که قوماندہ آتش افروزی جنگ را از کابل هر لحظه شدید تر صادر می نمود

دیگر در مقابل اسطوره های سمبل مقاومت سپاه حق سیمای مرگ کمونیزم را لمس می کرد امر دستور ذوب نمودن هرات قهرمان را در زیر اوار بمب های آتش افزا روسی بدون چون و چرا به اصطلاح ارمغان داد و شهر زیبا و هرات مشعل دار علم و دانش (حالا علم دار انقلاب) را نمی خواستند در کنار افغانستان مجاهد ببینند و از آن دریای خون و ویرانه های ماتمسرای افغانستان عزیز بیش ارزوی نداشتند گرچه یک قسمت این کار خائینانه را هم انجام داده بودند یعنی صد ها تن بمب مخرب و محرق در دامان مدنیت پرور هرات آزاده فرو ریخته بودند . در همین لحظات حساس بود که زنگ خطر و نا بودی اهالی هرات از میان زرادخانه های زهرا گین روسیه صدا می زد . سنگر های آتش گرفته بود . سیاه ترین دوران اختناق عمل کرد های وحشیانه این رژیم سفاک نشان می داد که این ها نه تنها حامی زحمتکشان نیستند بلکه گورستانی از محرومین و مستضعفین آباد کرده بودند ، شهر طعمه حریق بود و مجاهدین قهرمان و دور اندیش از تصمیم امین لعین نسبت به نا بودی هرات و در پس منظر عملیات وحشیانه حقیقت قصیه را درک کرده بودند در حالیکه تعدادی افسران جان برکف در سنگر های با عظمت جهاد مقدس جان به جان افرین سپردند و یک عده صاحب منصبان پیکار جو در کنار سنگر رزم اسیر افرید دشمن ملحد

صاحب مسجد جامع - در مسجد جامع تاریخی زیارتگاه خطیب
صاحب مسجد جامع زیارتگاه ، در مسجد جامع باد مرغان شهر
خطیب صاحب مسجد جامع ، و در مسجد جامع تاریخی و بی
نظیر مرکز شهر هرات شهید جناب ملاه بهاء الدین واعظ
صاحب مسجد جامع هرات ، و ده ها امام و خطیب از مقام
سازنده و کوبنده منبر ، مردم غیور هرات گلگون کفنان را علناً
دعوت به جهاد علیه کمونیست‌های مزدور و دست نشانده روسیه
نمودند و در فضای گرم و پر حرارت هرات نیروی جهاد در حال
خروشیدن بود که اعلامیه دعوت به جهاد و قیام سرتاسری
کافه ملت مسلمان و مبارز افغانستان از طریق اولین پیمان اتحاد
اسلامی تنظیم های مجاهد افغانستان (تاسیس جبهه ملی نجات
افغانستان متشکل از احزاب اسلامی و جناح های مردم مخلص
و مجاهد) به امضاء پروفیسور دانشمند مجاهد صبغت الله مجددی
و به اساس رهنمائی و فعالیت های جانبازانه برادر مجاهد و
مبارز سید نور الله عماد که ابدیده از زندان و مبارزه پیکیر
بود ذریعه مرحوم حاجی محمد ایوب مرد کهن سال ولی متین و
پایدار در استانه تاریخ ۱۸ حوت ۱۳۵۷ به سرزمین مرد خیز و
مجاهد هرات فرا رسید ، در حقیقت فدائیان اسلام گوئی
عقابان اسیا در کمین سنگر های هرات که در انتظار طبل رزم
دست به ماشه تفنگ و سیلاوه و شمشیر بودند هر چند اولین

گردیدند نا گزیر صاحب منصبان قهرمان با قلب های پر از حادثه و حماسه از دامنه تخت صفر ، زامی کوت ، دشت مولوی صاحب و گازر گاه شریف و دیگر مواضع شهر عقب نشینی نمودند و عقب نشینی شرافتمندانه را نسبت بقا و ادامه حیات هرات قهرمان اختیار کردند و در صفوف عقب جبهه متواری گشتند .

یک عده از صاحب منصبان سنبل مقاومت و مجاهدین قهرمان که اسیر خلقی ها گردیدند بعد ها به صورت دسته جمعی به رگبار مسلسل و توپ بسته شدند .

در همین جاه بود که ظفر و فتح شش روز قیام گلگون کفنان ۲٤ حوت در زیر اوار بمب های روسی و قوای هوائی روسیه به خاموشی مرگبار مبدل گردید ، خاموشی و سکوتی که در پس منظر آن جنگ پاسداران اسلام تا حال ادامه دارد و انقلاب رستاخیزی سرتاسری افغانستان مجاهد را ارمغان جاوید انه آورد . در قلوب مردم امیخته در میان موج خون ، سرود مادران داغدیده و یتیمان خاک الود و آواره در فضای تاریک گرد و غبار و دود باروت دشمن چون سرود آسمانی همیشه بگوش میرسد و به دل می نشیند و تداوم جریان انقلاب را ابباری و پایدار می سازد .

حکومت جبار و دست نشانده ملحد که بعد از ۲٤ حوت

یک لحظه نفس نیمه ارامی کشید دیگر دروازه های سلول های زندان را باز نمود و داماں قبرستان دسته جمعی و به رگبار بستن ها و به توپ بسته شدن ها و زنده به گور کردن ها را گسترده و پهن نمود .

خلقی های خوار و زبون زخمی ها و اسرای مجاهدین را که از کوچه و بازار دستگیر کرده بودند در تاریکی شب در جوار زلمی کوت ، تخت صفر و دامنه مرستون زنده به گور می نمودند این فاجعه ماتم انگیز که تاریخ در سینه ندارد اهالی قریه باغدشت نزدیک تخت صفر و مرستون در سیاهی اندوهگین شب، ناله و فریاد مسلمانانیکه زنده به گور می شدند می شنویدند نور چراغهای موتر های که اسرای مسلمان را در حفر های که قبلاً در روز تهیه شده بود و تانک های زنجیری که بالای جسد های زخمی های زنده به گور در حرکت می آمد این منظره وحشتناک عصر را در مقابل دید گان مردم باغدشت از فاصله دور مجسم می نمود .

این ماجرای ماتم انگیز عین واقعیت بی نظیر تاریخ خود است که بعد از درهم شکستن قیام زنده جاوید ۲۴ حوت ، مزدوران کمونیست این جلاد دان قرن در کوچه و بازار و در کوی و بر زن در شهر و روستا هر جمعیت و هر فردی را می دیدند به تلافی زخم هائیکه از پایداری قیام جانبازان حق

برداشته بودند اسیر و دستگیر می کردند در سلول های مخفی و سیاه چالها به دیار مرگ دسته جمعی فرو می بردند و صد ها فرزند رشید و مجاهد از قریه ها و ولسوالی ها به ذریعه هلیکوپتر در بند قید زنجیر حواله سلول های زندان های مهیب مرکز کرده و ده ها مجاهد و مسلمانان پاکباز را از میان طیاره های که رنگ خون گرفته بود از هوا به زمین فرو می انداختند و فریاد و ناله های هزاران مجاهد هرات به خون تپیده و زجر دیده در زیر چکمه های مدعیان و حامیان عوام فریب کمونیست با فرو بردن برچه تفنگ در گلو خفه میشود و هزار ها فرزند صدیق نهضت اسلامی در میان موج های خون زنده به گور می شوند. در ولسوالی ها و مرکز شهر ده ها چاه های مهیب و تاریک حفر می گردد که صد ها مجاهد و مسلمانان اسیر و زخمی های نیمه جان را در دل شب های فاجعه ساز درین چاه ها زنده فرو میریزند . امار و ارقام این تعداد شهداء هر دم شهید و زنده به گور کردن ها بعد از در هم فشردن قیام ۲٤ حوت به مراتب از شهدای میدان معرکه و جهاد ۲٤ حوت زیاده تر و ماتم انگیز تر است .

دشمن ملحد دست از حیله و خدعه بر نمی داشت زخم هائیکه از پهلو های قیام بر حق هرات شهید پرور برداشته بودند ، می خواستند با خونخواری جبران و تلافی نمایند در

شاهراه عمومی درب خوش تانک زرهپوش را در حالیکه بیرق سبز اسلامی در فراز آن بر افراشته ساخته بودند از میان مردم به عنوان همبستگی با مجاهدین عبور می دهند و یک عده اهالی مسلمان در مقابل علم سبز تانک بی محابا احساسات و علاقه خویش را تبارز میدهند خلقی های فتنه انگیز علی الفور در حدود (۱۰) نفر را به جرم احساسات و علایق شان در زیر شلیک تانک به خون می غلطانند ، ازین حیله ها و فتنه انگیزی های عوامل کمونیست تا توانستند استفاده نمودند چنانچه یک عراده تانکی دیگری را با بر افراشتن بیرق سبز در سرک مقابل خانه مهمند ها با ابراز احساسات دو جانباز راه حق ، ایشان را رهسپار زندگی همیشه جاوید می نمایند . خلقی های مزدور و خدا نا شناس برای از بین بردن مردم و خفه نمودن صدای ملت در حلقوم شان به ده ها نیرنگ و دامی که گسترده بودند دست بردار از گریبان ملت مسلمان نبودند درین فضای اختناق صد ها فامیل مجهول الهویه و لادرک می کردند که اثری از ایشان تا حال دیده نمی شود . مردم و اهالی هرات ، دسته جمعی از کوچه و بازار دستگیر و رهسپار زندان می گردیدند قوای ضربه با تانک و توپ و مسلسل منازل و خانه های مردم شهر خون و شهادت هرات را محاصره می نمودند هر مسلمانی را که در می یافتند به سلول زندان می انداختند این حالت اختناق در

دوازده ولسوالی و علاقداری هرات مرد افرین ادامه داشت .

زندان های مرکزی مملووپر از افراد مسلمان و مجاهد گردیده بود دشمن خونخوار در پهلوی چندین مخفی گاه دست به تدارک زندان های مهیب و شکنجه گاه امیخته به خون و درد در هرات پهنا ورزده بود در این شکنجه گاه های مدحش و خطرناک اهالی هرات (قطعه کندک کشف ، زلمی کوت ، دژ مستحکم حصار محبس هرات ، توقیف محبس ، نظارت خانه قوماندانی ، و سلول های متعدد قوماندانی امنیه ، ماموریت های شش گانه پولیس ، تولی گوالیان ، باغ می فروش ، تعمیر سنگی قوای کار خوش رباط ، و (۱۲) محبس ولسوالی ها و علاقداری های هرات بلا دیده و درد کشیده) داغ و فانه و شکنجه های گونا گون می شدند که در غروب آفتاب و فرش شدن گلیم سیاه شب تکاتک افراد مبارز و جانبازان راه خدا (ج) رهسپار مرگ توأم با شکنجه می شدند و تنها در محبس مرکزی مهیب و غم انگیز هرات که در اوائل قبل از قیام رستاخیزی گلگون کفنان ۲٤ حوت صرف ۳۲ سر باز حق و تا فرا رسیدن شب رستاخیزی ۷۵ نفر در توقیف محبس در بند و زنجیر بودند بعد از حماسه جاویدانه قیام تاریخ افرین هرات در حدود (۱۰۰۰) نفر بندی سیاسی در اسارت ملحدان خائن در محبس جنائی جای داده شده و رنج می کشیدند روز ها ده ها مسلمان به شکنجه گاه های مخفی

رهسپار می گردیدند و ده ها مسلمان دیگر از کوچه و بازار دستگیر شده جای آنها را پر می نمودند و این حالت ادامه داشت صرف در ساعت ۱۱ بجه شب چهار شنبه ۵/٤ ثور ۱۳۵۸ تعداد ٤٦ نفر جانبازان راه حق بطور دسته جمعی در زیر رگبار مسلسل های خلقی های خدا نا شناس به دیار مرگ زنده جاوید رهنمود گردیدند . یک سال بعد از قیام همیشه جاوید هرات در زمان زمام داری مزدور دیگر روسی ببرک سردمدار باند پرچمی از یک مخفی گاه زیر زمینی باغ می فروش بیش از صد ها جسد سالم راد مردان با ایمان معجزه اسا در تاریکی فضای فاجعه انگیز آن شهداء اسطوره مقاومت با چهره های نورانی و شناخته شده یکا یک در دیوار و کنار آن استوار و ثابت نقش بسته بودند . باند پرچمی ها مزدوران روسی این حادثه المناک و اندوهگین باند خلقی های کمونیست و هم مسلک خویش را در تاریکی شب در زیر زمین مدفون و پنهان نگاه می دارند تا سر پوشی در بالای جنایات خود گذاشته باشند ولی در نزد ملت مسلمان و مجاهد افغانستان ابدیده این رنگ ها و جناح های بوقلمون کمونیست های اجیر جز سیاهی و جرم جنایت چیز دیگری شناخته نمی شود .

حادثه لالا دربور (مشهور به لالنک) که در سیاهی شب ازمیان افراد زیاد که در بند زنجیر و اسارت زلمی کوت بردند

با چشمان بسته همه شان بطرف مرگ زنده به گور کردن در دامنه
مرستون اخرین دقایق را طی می کردند خود را از میان موتر
مرگ‌دسته جمعی در تاریکی قیرگون شب فاجعه ساز بیرون انداخته
نجات داده بود و به جمهوری اسلامی ایران هجرت می نماید . و
باقی همه جان بر کفان با ایمان در دامنه مرستون زنده به گور
می شوند . اگر شمهٔ از تلاطم فاجعه های خانمانسوز دشمن
نام ببریم عبدالحکیم معلم ولسوالی کشک که با صد ها مسلمان
با احساس در کشتار گاه زلمی کوت یکا یک به رگبار مسلسل
بسته می شدند با اخرین مرمی دشمن به زمین می غلطدباز هم
رگبار مسلسل بر جسد های به خون اغشته مجاهدین به زمین فرو
رفته حواله می گردد و به جسد زخمی عبدالحکیم در لبه مرگ
مرمی دشمن ختم میشود جسد های مرده ولی قلب های زنده
جاوید تاریخ به میان موتر ها بالای هم فرو انداخته میشوند تا
در محوطه زلمی کوت در حفر های که ترتیب داده بودند بزیر
انبار خاک فرو ریزند معلم زخمی و با ایمان در اثناء فرو ریختن
درمیان حفر با فرصت که مساعد می گردد بی درنگ فرار می
نماید رگبار مسلسل دشمن در عقب ان و درمیان انبوه جنگل
زلمی کوت به معلم راد مرد اثر نمی گذارد این جانباز در بند
کشیده زبان گویا شمهٔ از فاجعه اسف انگیزایادی کمونیزم‌در -
هرات قهرمان می باشد .

در دامنه تخت صفر و در یک تصادف که جز الهام و کمک غیبی و ملکوتی چیز دیگری نبود بذریعه چند نفر که موتر خود را در دامنه ریگزار تخت صفر ریگ ساختمانی پر می کردند دو نفر مسلمان مبارز که تازه زنده بگور شده بودند در حال ضعف و بی حالی از زیر خاک کشیده میشوند و بعد از تیمار داری به جمهوری اسلامی ایران مهاجر می گردند .

در حقیقت ازین ماجرا ها و فاجعه های ماتمسرای دنیای غم انگیز صد ها ارمغان کمونیزم در دامن هرات مرد خیز بعد از قیام ۲٤ حوت در ان لحظات یکی پی دیگر چون خنجر اتشین به چشم می خورد که بر چیدن این لاله های شهداء تاریخ درمیان امواج ۳٦ هزار شهید و صدها فاجعه المناک قلم شکسته و محزون این اثر عاجز و قاصر است به این رشته نوشته نا چیز نا گزیر اکتفاء میکنم .

در استانه خورشید توانگر جهاد با عظمت وسیمای ملکوتی و غیبی راد مردان حماسه جاوید مجاهدین قهرمان افغانستان عزیز که در افق فتح و نصرت عظیم علیه دشمن ابر جناور روسیه پیروز و پیروز مندانه تر قرار دارد ، سیمای جبروتی ششمین سالگرد قیام رستا خیزی گلگون کفنان ۲٤ حوت هرات پیشا هنگ غلبه کاروان نور بر ظلمت را در حالیکه در دل های خونین خود به خاطر داریم که پاسداران حق ، سنگر داران

تعداد : ۲۰۰۰ جلد

چاپ اول : ۲۳ حوت ۱۳۶۳

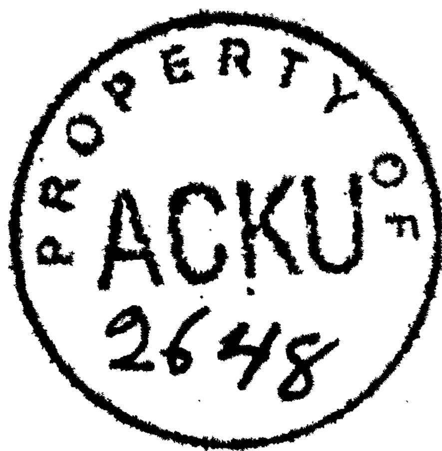
چاپ دوم : حمل ۱۳۶٤

قیمت فی جلد : (۱۰) کلدار

وارث قران مجید در دل شب و در سپیده دم صبحگاهی تا حال در کمین رزم و فتح اند. خداوند جل جلاله یارو مدد گار شان باد و روان شهدای تاریخ افرین پیش روان این نهضت بی همتا شاد و جاویدان باد .

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله
اموات بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون
ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله
صفاً کانهم بنیان مرصوص

۲۳ حوت ۱۳٦۳



نطفه قیام در ۹ حوت ۱۳۵۷ به قریه سلیمی تبلور نموده بود و ملت ابراهیم وار هرات ازاده در طلوع صبحگاهی سپیده دم ۲۴ حوت ۱۳۵۷ قیام ملکوتی و جبروتی خود ها را پیامبر گونه از کوه و دشت ، از قریه و روستا و شهر به سوی قلع و قمع کمونیست ها تبلور بخشیدند و این راد مردان جهاد در میدان کار زار غلبه بر تانک و توپ و بمب ، (۲۶) هزار شهید گلگون کفن در قلب تاریخ حماسه های آزادی افغانستان ارمغان زنده جاوید باقی گذاشتند ، هرات باستان از میان آتش و خون برای (۶) روز آزاد و آزاده نگاه داشته میشود و اولین شکست امپرا توری دکتا توری روسیه و اضمحلال مکتب الحاد کمونیستی از دیار این سرزمین حماسه ها آغاز میگردد ، اما کمونیزم وحشی به سردمداری امین لعین معاون ترهکی مهره سفاک درجه (۲) روسیه وقت ، امر بمباردمان و نا بودی و تخریب کلی هرات مقاوم را میدهد و (۹۶) طیاره میگ ۲۱ - ۲۳ با مهارت و شطارت دشمن دیرینه روس های وحشی دست بکار میشود ، و هرات قهرمان کوره از آتش و انفجار میگردد آزادی تمام اعیار هرات بر افروخته در زیر آتش و اوار هزار ها تن بمب به خاکستر مبدل میگردد ، خاکستری که از آن زبانه های آتش جاویدانه جهاد ادامه دارد و پیش مرگان راه حق تا حال جبهه پایداری و مقاومت نهضت اسلامی را در

هفت سال نبرد و درگیری به قبضه دارند . و روز بروز ابدیده تر و مقاوم تر میگردند .

در پس این پی آمد های انوار حقیقت های سنگر ، مسلماً رستاخیزی جنبش اسلامی توفنده جانبازان مکتب اسلام در هرات سازنده انقلاب ، در هرات دوران ساز بسان سیل خروشان است که همه موانع دژخیمان دشمن دیرینه (روسیه) را در هم می شکنند و با بلعیدن موانع و در همشکستن دیوار های از تانک و توپ دشمن ، عظمت و شکوهمندی خویش را لحظه به لحظه افزونتر می سازد و لحظه به لحظه به پیروزی و فتح نهائی نزدیک میشوند .

و من الله التوفیق .

باالحترامات فایقه سید شریف یوسفی

* * * *

بام قریه سلهی :

باروی کار امدن کودتای خونبار کمونیستی (۷) ثور ۱۳۵۷ در افغانستان مسلمان ، دیگر عقاید , فرهنگ و کلتور جامعه اسلامی افغانستان ازاده به شدت مورد خطر و تهاجم عوامل فاقد ایمان و کمونیست های وابسته قرار گرفته بود و کمونیست های ملحد می خواستند بی درنگ بالای عقاید و مقدسات جامعه اسلامی افغانستان پا گذارند بی خبرا زینکه هر قدر ملت مستضعف افغانستان مظلوم واقع شده بود اما زمانیکه مسئاله عقاید جامعه در خطر رویا روی دشمن قرار میگرفت ان وقت بود که بزرگترین قدرت های طاغوتی در مقابل جنگ عقاید این ملت مواظب و با عقیده به زانو در اورده می شدند .

کمونیست های فاقد فرهنگ و کلتور در اوائل روزگار به قدرت رسیدن خودها دست به تلاش بی صبرانهٔ بودند تا که ایدیو لوژی بی بند و بار کمونیستی را در جامعه افغانستان مسلمان به طرق مختلف و متنوع و از هر راه که می شود تعبیه و تزریق کنند ، از همین سبب بود که در مرحله اول به پایمال کردن و از بین بردن اخلاق و عقاید جامعه اسلامی دست بکار شدند.

افغانستان ازاده دیگر در زیر سیطره دشمن شمالی (روسیه) به یک زندان بزرگ و مهیب تبدیل شده بود ، صرف نفس راحت

کشیدن ملت جانباز فقط در جوف سلول های زندان پر از شکنجه و ازار بود خنجر کمونیست ها و زنجیر های تانک و توپ ملحدین در کنار دروازه های منازل بی پناه ملت مسلمان افغانستان حماسه جاوید در کوچه و بازار سیمای ادم کشی و زندان جهنم مملو از خون و اتش ساخته بود زنده بگور کردن ها و کشتار دسته جمعی ملت‌مجاهد به جرم عقاید اسلامی شان یک امر معمول گشته بود بی خبر از اینکه بازی کردن در سر نوشت عقاید جامعه و جاری ساختن توفان دریا های خون ، موج های انقلاب اسلامی را بارور می ساخت و ملت مجاهد و مسلمان افغانستان مردخیز را بطرف ساختن جهاد اسلامی ، این جولانگاه ها نزدیکتر می نمود و در سپیده دم حقیقت این قیام فرا رسید .

کوتاهی سخن یوم چهار شنبه ۹ حوت ۱۳۵۷ یک هئیات از معلمین ابادی کمونیست بظاهر امر غرض تهیه و تدارک امورکورس سواد اموزی به قریه سلیمی ولسوالی پشتون زرغون هرات مقاوم حاضر می گردند در نزد ملت مسلمان افغانستان ابدیده این حنا ها ورنگ ها جز سیاهی ، رنگ دیگری نداشت و موی سفیدان مجرب و کار اگاه قریه مذکور بعد از جلسه و مفاهمه زیاد از شامل شدن دختران جوان و زنان خویش به کورس های به اصطلاح سواد اموزی اباء می ورزند و هئیات ولسوالی

بدون نظر داشت ملحوظات منطقوی و شرایط ذهنی محیط و عقاید جامعه صرف در قسمت ادخال و شمولیت دختران در کورس های سواد اموزی اصرار و تاکید با لقوه می نمایند. خطیب و امام مسجد و موی سفیدان که با ارزش ترین منبع و مرجع قابل احترام و حیثیت رهنمای و راه گشا جامعه را به عهده دارند به اثر اصرار و پا فشاری معلمین نسبت شمولیت دختران قریه به کورس های سواد اموزی ، از هدف و غایه شؤم و ناشایسته ایشان عمیقاً درک مینمایند بصورت قطعی از شمولیت دختران و زنان خویش در همچو کورس های بظاهر سواد اموزی که لطمهٔ شدیدی به حیثیت و شرافت فامیلی شان متصور بود جداً ابأ و انکار می ورزند و هئیات متشبث در مقابل رؤسای قریه به شماتت والجاجت خود تأکید کرده و ازخطر اقدامات جدی و بالقوه خودها اهالی قریه را تهدید می نمایند. چون درین مقطع حیثیت ، ناموس و عقاید جامعه با کوچکترین غفلت وعقب نشینی مورد تجاوز قرار میگیرد اهالی مسلمان قریه با قاطعیت و شدت از موقف حیثیت فامیلی خودها دفاع می کنند و قضیه منجر به لت و کوب و جراحت برداشتن شدید معلمین می گردد و معلمین متشبث را در صحن قریه در رویا روی انظار عامه به جرم اعمال و اهداف شؤم شان مورد ضرب و شتم قرار میدهند و ایشان را بعد از عجزو تضرع و بجا نمودن مراتب توبه و ندامت با

مروپا برهنه و مجروح رها و از قریه اخراج می نمایند .

رؤسای فامیل ها ، و جوانان با احساس قریه موصوف که در عمق قضیه دور اندیشی درستی داشتند بی درنگ غرض دفاع و اماده ساختن خودها نسبت جلو گیری از حمله و تهاجم وحشیانه قوای واسوالی ، ترتیبات تدافعی و تأمین امنیت خاص محلی را اتخاذ و احراز می نمایند. جوانان رزمنده و مجاهد وظیفه پاسبانی فامیل های خود را به عهده میگیرند و موی سفیدان را در حصار حویلی های شان مصئون و ارام می گذارند هر چند این پیر مردان کهن سال با عقیده و با ایمان امادگی مقابله و مبارزه با دشمن ملحد را گرفته بودند و جوانان با درک قریه چون شیر مردانی خشمگین و راسخ به مراقبت و پاسبانی و نگهبانی قریه پرداخته و در اطراف قریه شروع به تحفظ امنیت می نمایند. در حوالی صبح روز پنجشنبه (۱۰) حوت یک تن ساتنمن (صاحب منصب پولیس) و تعدادی ساتونکی (افراد پولیس) قوای امنیه ولسوالی نسبت اعاده حیثیت معلمین (در حالیکه این اجیر های جز اسارت و غلامی حیثیتی نداشتند) و انتقام جوئی ودستگیری و انداختن موی سفیدان را در زندان پر از مشقت ولسوالی ، سرا سیمه داخل قریه سلیمی می شوند و این ها فکر می کردند که با حربه زور ، تهدید و شکنجه می توانند بر بالای معتقدات ملتی پاگذاشت و دست به یک سلسله

اقدامات ماجرا انگیز می زنند ، و حربه سلاح و زور دیگر در
مقابل اهالی مصمم و مبارز قریه سلیمی اثر نداشت قضیه حالت
نگران کننده و حاد را بخود میگیرد سر انجام منجر به ضرب
و جرح افراد پولیس و قیام مردم میگر ددو یک بار دیگر پوزه
افراد پولیس ولسوالی به خاک مالیده میشود در حقیقت زمانیکه
عقاید و ناموس جامعه در خطر کمونیست های اجیر قرار میگیرد
اهالی مسلمان قریه سلیمی جبهه پایداری و مبارزه را بر می
فروزند و موی سفیدان مجرب که شناخت درست از جهان بینی
اسلام و اعتقاد به حفظ و حراست از حیثیت ناموس و کلتور محیط
خود داشتند در پهلوی جوانان با احساس و غیرتمند خویش
غرض پاسبانی و نگهداشت عقاید اسلامی کلتور و سنن ملی و
مقدس خود بر علیه واحد نظامی و ماجرا جوی ولسوالی متشبث
که غرق در ظلمت وگمراهی بودند به پا می خیزند و دست اندر
فعالیت قیام و جهاد میگردند به اسرع وقت قراء اطراف وآکناف
را برعلیه اداره ولسوالی پشتون زرغون که ممثل اداره روسی و
چهره الحادی حکومت دست نشانده بود دعوت به قیام می نمایند
البته موقعیت اغاز قیام را فردای همان روز در گیری یعنی یوم
جمعه ۱۱ حوت در محل مسجد جامع « دشت یلان » تعین
میدارند .

روز جمعه که نور خورشید از افق جهاد طلوع می کرد

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مقدمه

درین او انیکه جهاد با عظمت افغانستان قهرمان ازمیان امواج پر تلاطم دریا های خون شهداء زنده جاوید افغانستان مقاوم جبهه پایداری و مقاومت بی نظیر خود را علی رغم امپریالیزم متجاوز روسیه هر لحظه گسترده و گسترده تر توفنده و توفنده تر پشت سرمی گذارد درست ششمین سالگرد قیام حماسه ساز و انقلاب آفرین ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات مرد خیز مهد علم و گهواره انقلاب پرور در گذر است .

به‌یاد آن رستا خیزی بی همتا گلگون کفنان راد مردان راه خدا جل جلاله ۲۴ حوت خونین هرات علم بردار جهاد ، این رشته نوشته امیخته به درد و رنج‌و ماتمسرای فراغ وطن و هموطن را به پیشگاه مادران داغدیده فرزند به رگبار بسته ، به نگاه یتیمان خاک الود پای برهنه ، به نظرگاه اوارگان بی خانه و کاشانه و به خصوص به سنگر گزینان طلوع آزادی پاسداران اسلام عرض میدارم :

بناء به ضرورت استدلال تاریخی ، قبل از ارزیابی قیام پر شکوه ۲۴ حوت نظر کوتاهی به حماسه های ملت مسلمان و پس منظر رستاخیزی نهضت اسلامی جانبازان راه حق و پی امدهای ناگوار عوامل مزدور در پیرامون جامعه اسلامی افغانستان

جمعیت فشرده و کثیری از قراء همجوار دوازده گانه با اراده متین و مصمم و انقلابی به خاطر اعلام جهاد علیه اداره الحادی ولسوالی تجمع می نمایند . شعار ها و خطابه هائیکه گویائی از جهان بینی جهاد و مبارزه را در برداشت از درون دل های براشفته و با ایمان ایراد میگردد و علم درخشنده سبز و گلگون اسلام را به اوج عظمت خاص و انقلابی آن بر افراشته و در احتراز در می آورند و اعلام جهاد را از سینه های برهنه ولی پر از جوش ایمان و مشت های پولادین از قوه به فعل در می آورند در حقیقت نطفه قیام نهضت گلگون کفنان ۲۴ حوت هرات شهید پرور از عمق دل های پر خروش و با عقیده و اراده آهنین همین جا بارور می شود .

این قیام شکوهمند به مثابه اولین تازیانه و ضربه محکمی بود که بر فرق حکومت دست نشانده کوبیده می شد ، و دشمن بی نهایت سراسیمه شده بود چون از تاریخ روشن هرات انقلاب افرین و هرات پرورش دهنده راد مردان آگاه بود ، یک کندک قوای نظامی مجهز با توپ و تانک و زرهپوش و سلاح های رگبار و مسلسل از فرقه نمبر (۱۷) بصوب قریه سلیمی اعزام می نماید ، اولین موتر افراد مجهز با سلاح های کلاشینکوف به تصرف مبارزین در می اید در آغاز در گیری که بوقوع می پیوندد یک نفر ضابط و دو نفر افراد به کیفر عمال خود میرسند

و مبارزین پیکار جوی در بالای بامهای خانه های خود موضع گرفته بردند و بیرق های سبز اسلام را به خنجر فتح و پیروزی نهضت به پا برخاسته به اختراز در می آورند گوئی بر قلب دشمن سرا سیمه فرو میرفت . ولی دشمن ملحد از دست زدن به اخربن جنایات و آتش افروزی دریغ نمی کرد توپ ها و تانک های زر هدار و زنجیری در اطراف قریه به غرش و فریاد در آمده بودند و به آتش باری بی امان خود بدون لمحهٔ سکوت ادامه میدادند میدان کار راز نهایت دلخراش شده بود اکثر خانه های را در زیر آتش ویرانه ساخته بودند ویرانه‌ئی که از خون اطفال معصوم و انسان بی پناه گاه ماتم بر دل هر ایسان می افروخت بود ، درین آتش افروزی وحشیانه ۳۲ نفر زخمی و به شهادت میرسند و یک عده افاد معلوم الحال وطن فروش اجیر به اشطلاح حزب دمو کراتیک خلق که مسئول این همه جنایات بودند جون دلاور و ظاهر پیدا و افراد چند درمیان تانک زرهدار در تاریکی سیاهی شب به فاصله بسیار دور از قریه سلیی تائیم شب دستور به خاک و خون یستن قریه میدهند این افراد اجیر و زبون هر چند شهامت نزدیک شدن حتی در حواشی میدان کار زار را نداشتند اما امرنا بودی قریه را بدون لحظه مکث و کوتاهی صادر می نمایند . البته مردم و جوانان رزم جوی قریه چون عقاب های اسیا و راد مردان راه

حق مردانه و پایدار از حریم عقاید اسلامی و ناموس خود دفاع
می نمودند و این دفاع حرکتی بود انقلابی ، دفاع قهرمان بساز
و تاریخ ساز ، که با دست خالی و با سینه های برهنه بر بام
تانک های وحشی حمله و هجوم می آورند و از دادن قربانی و
استقبال مرگ حراسی نداشتند و یک عراده تانک غول پیکر
دشمن را بامشت های توانای خود که از چشمه ایمان قوت
میگرفت به جوی جوار قریه به بر غلطانیدند ، هر چند که سلاح
راکت و مرمی های ضد تانک نداشتند حالا مشت های جانبازان
با عقیده و با ایمان قریه قیام افرین کار راکت و مرمی ضد
تانک را انجام میداد . مبارزین با ایمان در زیر آتش تانک ها
از کشته پشته میدادند و حتی زن های مجاهد و غیور در زیر
چادر با عصمت خود با چوب وچماق ، کوزه اب و یا سنگ
پاره و سفال بر فرق تانک ها و توپ ها می کوبیدند و از قربانی
حراسی نداشتند واقعاً میدان نبرد و کار زار خیلی خونین گردیده
بود چه یک طرف جبهه در گیری کمونست های غدار و جبار
با تانک و توپ و رگبار مسلسل اخرین جنایات را متحمل می
شدند ، و جانب مقابل با سینه های برهنه مملو از ایمان حاضر
به شهادت بودند .

این در گیری غلبه خون بر تانک ها تا سه روز دوام
پیدا کرد نیروی زمینی مجهز دشمن در سر کوبی مسلمانان عاجز
مانده بود قوای هوائی به کمک نیروی زمینی فرا میرسد در
حقیقت نیروی قوای هوائی یک ابر قدرت چه عجیب به میدان
کار زار جنگ خصمانه اهالی یک قریه کوچک پا برهنه برمی



خیزد و جهنم آتش و بمباران بمب را ارمغان می آورد و در زیر اوار بمب ها ویرانه ها و قبرستان های بدون کفن اباد می نماید ، و با خاک و خون غلطانیدن قریه وبه زندان بستن پیر و جوان فضای جوشش قیام را در زیر آوار ویرانه ها به سکوت مبدل می کنند. * کمونیست های مزدور و جنایت پیشه های حرفوی بعد از یک سلسله ماجرا جوئی ها ، یک تعداد جانبازان پاکباز قریه سلیمی زا بعد از دستگیری از میان طیاره های روسی یکایک از کرانه های اسمان بزمن پرتاب نموده و خاطره همیشه جاوید شان را ارمغان ماتمسرای همه داغدیده ها جاویدانه باقی می گذارند که ازین خیل عاشقان شهادت میتوان از شهید خطیب صاحب مسجد جامع سلیمی و شهید ارباب نثار احمد مجاهد یاد کرد ، وسه راد مرد راه حق را در مرکز ولسوالی در محضر عام نیز تیر باران می نمایند . مسلماً این خاموشی در میان امواج خون و باز کردن دروازه های سلول های زندان، خاموشی قبل از قوام قیام و توفان بود که در پس منظر رستا خیزی برحق خود ها قیام طاغوت شکن سرتاسری گلگون کفنان ٢٤ حوت هرات ازاده را در برداشت !

---

* مزدوران کمونست به مجریکه نفس نیمه را حتی می کشیدند لحظه دست از اتش افروزی بر نمی داشتند ، یوم پنجشنبه ۲۱ سرطان ۱۳۵۸ در مرکز و لسوالی پشتون زر غون به ادامه ده ها جنایت دیگر در محضر عام سه نفر راد مرد راه حق سلیمان خان ، قادر خان و غفور خان را در یک لمحه به جوخه آتش کشیدند که این جانبازان هم به خیل عاشقان شهادت همیشه جاوید پیوستند .

رستا خیزی اهالی ولسوالی غوریان و زنده جان:

ولسوالی تاریخي غوریان واقع در مرز جمهوری اسلامی ایران و در غرب افغانستان که (۹۰) کیلومتر از مرکزهرات فاصله دارد. درین ولسوالی عوامل کمونیزم مانند دیگر همسلکان خویش با انتهای خیره چشمی و شماتت دست به غارت و چپاول فرهنگ اسلامی ، اخلاق و منویات جامعه میزدنداز هیچ نوع شکنجه غیر انسانی و عصیان انگیز ، توهین و تعرض به کرامت رفیع انسانی دریغ نکرده بنام کار دسته جمعی دا و طلبانه (اجباری) پاک کردن نهر جوی ابرسانی زمین های زراعتی و ترمیم کاری سرک غوریان که در حقیقت حیله و دامی بود بالوسیله این دام به اهالی شریف ولسوالی تشبت و توهین نموده حتی دروازه های زندان را برخ شان می کشد .

در پس این پی امد های ناگوار عمال خدا ناشناس ، اهالی دلیر و حماسه افرین واسوالی غوریان خشمگین شده و تعدادی چند سربا زرا دمرد به عنوان احتجاج اوراق مالکین قلابی تقسیم اراضی را در نزد ولسوال بی خرد مسترد و پاره می کنند .

والسوال ملحد و غرق در نشهٔ ضلالت در محضر عام تعداد چند ازین رهروان حق زنده زنده در زیر اوار تل خاک مدفون کرداین فاجعه غم انگیز و عصیانگر که زمین و زمان و

ملکوت را به لرزه درا ورده بود در پس منظر ان برق شمشیر راد مردان ، نور ازادی و سرود انقلاب اسلامی (جهاد) تبلور می نمود. از همین فاجعه های درد ناک است که این سر زمین پهناور زا دگاه‌مردان دلاور و چیره دست شش روز قبلا از قیام پر شکوه و پر جلال شهر مدنیت پرور و دوران ساز هرات (۱۸ حوت) علم رستا خیزی جهاد با عظمت را علیه ایادی رژیم ملحد ولسوالی بر افراشتند در اولین مرحله نطفه بستن قیام چند نفر جاسوس و خبر رسان ولسوالی غوریان در یک فضای هیجانی وسرشار از ایمان مورد ضرب و شتم جانبازان اسلام قرار میگیرند ، اسامی نسیم ، منشی سازمان به اصطلاح حزب خلق به قتل میرسد و به تعقیب ان اهالی با ایمان و با اخلاص ولسوالی دسته دسته پی هم به سوی ولسوالی هجوم می اورند لین تیلفون وارتباط ولسوالی را با مرکز شهر هرات قطع مینمایند ولسوال که از قضیه قیام مردم قبلاً اگاهی حاصل کرده بود در حصار قلعه ضخیم و مستحکم واسوالی که از دست اورد های نیاکان این ملت بود خود و عوامل کمونیست معه قوای امنیه در ان جای تحصن جسته و قوای امنیه نیز در موقعیت های استرا تژیکی ان سنگر میگیرند و دروازه واسوالی را مسدود نموده از سرا سیمگی و وحشت عقب انرا تل خاک می انبارند.

البته هما هنگ با قیام مردم غیور غوریان اهالی ولسوالی

زنده جان یک روز بعد نیز قیام می نمایند و در ولسوالی گذره هئیات کا دستر تقسیم اراضی بقتل میرسند و عکس های تره کی در مرکز ولسوالی گذره تکه پاره میگردد و به بالای موتر ولسوال گذره فیرمی شود که در اثر فیر های مجاهدین ، دریور ولسوال به قتل میرسد و ولسول از صحنه فرار میکند اینک به اصل قضیه برگردیم در ولسوالی غوریان نبرد به شدت ادامه پیدا میکند و ولسوالی برای دو روز در محاصره اهالی مجاهد غوریان قرار میگیرد فقط دیوار های بر افراشته و حصار ضخیم و مستحکم واسوالی در عرصه دو روز مجاهدت جانبازان راه حق بازهم جلوگیری از نفوذ و رخنه کردن افراد مجاهد به داخل ولسوالی می نماید صرف افراد وابسته و اجیر که در بیرون از ولسوالی دستگر می شدند مورد انتقام قرار میگیرندو یکی دولانه کمونیستی دفاتر سروی اراضی مرکز صحیه مربوط ولسوالی که در بیرون قلعه ولسوالی موقعیت لانه جاسوسی داشتند در اولین گام برداشتن های قیام در هم ریخته میشود و حریق میگردد.
مسلماً اگر محاصره ولسوالی بیشتر دوام پیدا میکرد پیروزی مجاهدین و نفوذ و رخنه کردن پاسداران اسلام در داخل حصار ولسوالی حتمی بود که در تاریکی شب سه نفر از عوامل مزدور کمونیست استفاده نموده از راهرو جوی اب از داخل ولسوالی مخفیانه خارج میشوند اگرچه یکی ازین مزدور های که از زمره

اعضای سازمانی به اصطلاح حزب دموکراتیک خلق بود دستگیر میشود به جزای عمال خود میرسدو دو نفر دیگر خود ها را به مرکز هرات میر سانند موضوع قیام مردم را به اطلاع باداران ملحد خود میرسانند در همین اثناء است که قوای خصمانه زمینی تانک و توپ بصوب ولسوالی عزیمت میکند با انکه اهالی مجاهد غوریان پل های سرک ها را قبلاً از بین برده بودندو نیروی هوای هم به شدت به بمباری اغاز مینماید ازین تنگنای حساس میباشد که مردم دست خالی ناگزیر پراگنده می شوند ، دشمن ملحد که در انتظار مرگ ننگین خود در حصار ولسوالی لحظه های اخری را محاسبه می نمود نجات می یابد و حالا این مار های زخمی که از سوراخ های مرگ بیرون می خزند و اب حیات را دوباره می چشند دیوانه و اربه انتقام جوئی و خون اشامی دست میزنند .

البته یک عده افراد مجاهد جبهه عقبی خود را جانب مرکز هرات می پندار ندوطرف مرکز عزیمت میکنند و تعداد عظیمی افراد مسلح معه خانواده های خود در مرز جمهوری اسلامی ایران عقب نشینی میکنند و مجاهدین مسلح اجازه و رود به خاک ایران برای شان داده نمی شود بعد از جای بجا شدن خانواده های شان به جانب ولسوالی و شهر هرات حرکت می نمایند .

در مسیر ولسوالی غوریان ولسوالی زنده جان که (٤٠)

کیلو متر بیش از مرکز هرات فاصله ندارد موقعیت دارد ، هماهنگ با قیام غوریان که بعداً به ان ولسوالی ار تباط قائیم میگردد اهالی مرد خیز این ولسوالی نیز دست به قیام و هجوم بردن به احاطه ولسوالی زنده جان میزنند و در اولین دقایق قیام ، ولسوالی زنده جان که دریک محوطه هموار قرار دارد بکلی خلع سلاح میگردد ومجاهدین بعد از تلفات سنگین بر اوضاع ولسوالی تسلط کامل حاصل میکنند و ایادی کمونیست بی درنگ صحنه را تخلیه نموده فرارمی نمایند ، مجاهدین قهرمان زندان ولسوالی را بعد از کوچکترین مقاومت خلع سلاح نموده و در هم می شکنند افراد مظلومیکه به جرم عقاید اسلامی شان شکنجه میشدند ازاد می نمایند البته در اثر قیام حماسه افرین اهالی زنده جان ، قوماندان و عبدالرحیم ساتنمن ولسوالی زنده جان بی درنگ برای همیشه به جزای عمال خود میرسندو اداره واسوالی برای مدت دو روز بدست جانبازان مجاهد می افتد . تاکه به اثر شلیک اتش باری تانک های تازه دم و هجوم متواتر نیروی هوائی دژ خیمان ، اداره ولسوالی واپس به تصرف ایادی کمونیزم در اورده میشود و اهالی جانفدا زنده جان محاذ کارزار را ترک داده و عقب نشینی می نمایند .

* * *

قیام گلگون کفنان ۲۴ حوت
هرات قهرمان

یوم پنجشنبه ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هجری شمسی صبحگاهان آزادی ، افتاب خون الود در میان بانگ الله اکبر با رنگ دیگری در حال طلوع بود و خورشید توانگر جهاد با عظمت هرات ، صبح ظفررا نوید میداد ، این نبرد بی همتا رستا خیزی دوران ساز در دل شب های جفاء ازمیان دل های سوخته و زجر دیده و از درون فریادها و ناله های زندان ها و سیاه چالها ، و از زنده بگور کردن ها و از اعدام ها ، ترور ها و کشتار گاه ها الهام میگرفت و از سجاده و منبر سلاح عقیده و ایمان را از نیام می کشد و ازمیان موج های ایمان سرود جنبش ما دران داغدار یتیمان خاک الود در فضای تاریک گرد و غبار و دود باروت دشمن ، چون سرود اسمانی بگوش میر سیدو به دل سنگر گزینان حق می نشست .

قیام پر شکوه ۲۴ حوت از ازادی خواهی قریه سلیمی ، ولسوالی غوریان ، زنده جان و مردم شدند ، ولایت بادغیس ، و غور رنگ تازه میگیرد , هرات باستان چون تاریخ روشن خود درین هنگام حساس ، چهار اطراف و اکناف ان بصورت یک کتله فشرده و قابل بسیج چون جعبه با روت در حال انفجار در امده

مرد خیز می نمائیم تا در روشنی تاریخ ، بینائی کاملتری در جریان نهضت اسلامی افغانستان و قیام پر شکوه ۲۴ حوت داشته باشیم !

در آغاز زمزمه های ملکوتی دهه اخیر نهضت اسلامی در استانه حکومت کاخ نشین بی خبر از عقاید جامعه اسلامی ، راد مردان چون مجاهد دانشمند استاد صبغت الله مجددی از میان عقاید جامعه به پابر خاسته بود و سرود عقاید اسمانی جامعه را در کنار منبر و مدرسه و در غلغل زنجیر های زندان چهار سال و هفت ماه ۱۹۵۹ - ۱۹٦٤ ابدیده از سیاه چالهای سهیب عصر بگوش مات مسلمان میرساند این راد مرد بود که بعد از رهائی به جرم مبارزه و دفاع از عقاید اسلامی خویش نا گزیر از وطن خارج گردید وراه ازادی و رستاخیزی اسلامی را در کشور های مختلف به یاد افغانستان مجاهد و دربند کشیده در پیش گرفت .

فضای اختناق درکشور اسلامی ما علیه اسلام روز بروز مکدر تر شده میرفت ، در استانه کاخ نشینان جلاد زمانیکه پاسداران صدیق و رشید نهضت اسلامی و میهن در سلول های زندان شکنجه میشدند و هرحلقه و هسته اسلامی مورد تعقیب و باز پرس بود برعکس اولین نطفه های کمونیزم واجیران مزدور ادی کمونیزم درمکاتب ، پوهنتون ، در کاخ ها و در جدار

بود و اهالی ابدیده وبا درد هرات پهناور هر لحظه خود را به میدان نبرد و انقلاب اسلامی نزدیکتر می ساختند .

جبهه پایداری حوزه جنوب هرات :

یک شب قبل از صبح ظفر ، صبح رستا خیزی پیام حق ، اهالی مستضعف و مجاهد ولسوالی گذره و همجوار آن که پیوند عمیق و نا گسستنی ئی ازائین فرهنگ اسلام و وطن خواهی داشتند از فاصله های (۲۰) الی (۳۰) کیلومتری با عزم راسخ و متانت و هیجان خاصی به جانب مرکز شهر هرات برسم جهاد بر علیه حکومت جابر والحادبه مارش پر داختند و بیرق سبز اسلام را باشکوه وجلال خاصی برا فراشته ولوای توحید شعار الله اکبر فضای سکوت وا رامش اسمان و زمین را به لرزه وطنطنه انداخته بود ، این ها مجاهدین راه ازادی با سینه باز و پابرهنه و دست های خالی مگر بارشادت و شهامت بی نظیری که حماسه افغان ها است خود ها را به کار زار جهاد گام بگام نزدیک می نموند و به ندرت سلاح های محلی وتفنگ و سیلاوه به دست داشتند صرف چوب و چماق دست شان گوئی بالا تر از ارتش مجهز و کماندوهای ورزیده بودند درجبهه مقابل دشمن طواغیت فتنه انگیز همان سلاح های مخرب زمینی و هوائی وبااتکاء به پشتوانه ابر قدرت امپریالیزم یکه تاز شوروی قرار داشت .

سربا زان مکتب نجاب بخش اسلام سیاهی شب صبح ظفر

را در کمین رزم و درمیان جنگل روضه باغ تا فرار سیدن شفق سحرگذشتاندند ، صبح ظفر افرین روز پنجشنبه ۲٤ حوت خونین اغاز درگیری مشت و تانک بود در اول جولا نگاه تعمیر و اسناد دفتر تقسیم اراضی ولسوالی گذره به اتش کشیده میشود و درجوار مرکز ولسوالی گذره یک عراده موتر جیب روسی به قبضه مجاهدین در آوردہ شده و راکبین ان با فریاد های تضرع و ندامت کشیدن مورد عفو قرار میگیرند و جمعیت انبوه فرزندان رشید دیگری در قسمت محاه دشت روضه باغ که می خواستند در ادامه و تداوم جریان قیام به صف پاکبازان مجاهد روضه باغ سریع تر به پیوندند که درروبا روی دشت هموار از میان تعمیر مکتب لیسه وزیر فتح خان برگبار مسلسل و ماشین دار بسته شدند که این جنایات ننگین عوامل کمونیست روی خورشید را گرد و غبار می گرفت درپی امد های ابن ناگواری بیش از (٥٠) نفر جانباز راه حق به شهادت رسیدند ولی این راد مردان اسطوره های مقاومت مرکز صحی لانهء مزدوران کمونیست را اشغال نمودند و اهنگ کار زار را در مسیر صفوف جهاد به سوی قافله های طرف شهر رهسپار کردند .

اینک واپس به کاروان اصل صف پاکبازان جهاد در روضه باغ بر می‌گردیم ! مرد تاریخ افرین جهاد ۲٤ حوت مجاهد قهرمان و غازی پاکباز گل محمد تیزانی (این غازی و فاتح معرکه

جهاد مقدس قبل از شهادت خویش ، داستان ها و ارمغان های حیرت انگیز جاویدانهٔ در تاریخ پر شکوه هرات باستان باقی گذاشت)در پیشاپیش صفوف جهاد در میان موتر جیپ روسی به غنیمت گرفته شده با علم بر افراشته و شکوهمند به قاب دشمن لحظه به لحظه پیشروی می کنند سربازان راه خدا جل جلاله چون فرشته های اسمانی به تسخیر ولسوالی گذره اکتفاء نمی نمایند مسیر کارزار خود ها را از طریق پل مالان بصوب شهر هرات بر می شمرند عسکر فریب خورده چوپ دروازه ادخال مسیر شهر را با یک صاعقه از بین می برند و تفنگ او را در قبضه می آورند ، جان بر کفان مجاهد دهات دور و نزدیک پل ما لان و قراء همجوار آن (از فاصله های ۲۰ کیلو متری) به اولین صفوف فشرده و پیکار جویان اسلام گروه گروه می پیوندند (صوفی غلام نبی مجاهد پاک طینت در حالیکه در سینه سرشار از ایمان خود قرآن کریم را گرفته بود درمیان همین صفوف جانبازان حق چون راد مرد مقاوم مردم را قریه به قریه دعوت به جهاد می نمود این مرد معرکه بعد از دو سال جهاد با عظمت دریک در گیری شدیدی در زیارتگاه ، معه فرزند مجاهدش به یک نمحهٔ فاتحانه هر دو در زیر رگبار دشمن ملحد به دیار شهادت رهسپار گردیدند) و در مسیر پل کار بار درب قندهار چون سیل خروشان باندای طنین افگن الله اکبر به حرکت در

می اینده درین لحظه هیجانی هرات صحنه ساز نور و رنگ دیگری میگیرد و زمزمهٔ شور انگیز فریاد های ملکوتی الله اکبر فضای سکوت قبل از توفان سرزمین هرات و آسمان و کهکشان را به تحرک و لرزه در می آورد البته همچو سیلاب خروشان اجتماعات رزم جو در تمامی چهار جهت مجاور شهر بطرف مرکز شهر در حال غلیان و انفجار بود و اهالی مبارز و با عقیده و سرشار از ایمان شهر هرات به انتظار فرا رسیدن برادران هم سنگر خود نیز کمین رزم گرفته بودند در حقیقت شهر مدنیت پرور هرات باستان چون تاریخ زنده خود در حال ساختن انقلاب و غلیان و خروشیدن بود . و از چهار سمت هرات کفن پوشان رزم جو دلفریفتگان راه شهادت در مسیری در حرکت بودند تا در مرکز شهر نفوذ نمایند ودژ های کفر و الحاد را از بین ببرند البته حکومت لجام گسیخته با انتهای زبونی و سراسیمگی در تمام مواضع شاهرگ های مواصلاتی شهر و موقعیت استرا تیژیکی نظامی و مراکز حساس شهر عظیم ترین قوای تانک و توپ های غول پیکر را غرض امحاء و نا بودی جنبش حق طلبانه امت مسلمان جای داده بود تا به فشار قوای سنگین و مجهز و مدرن گوئی قیام رستاخیزی غلبه نور بر ظلمت را در آغاز نطفه میتواند خفه و معدوم نماید .

غافل ازینکه قوای عظیم و سلاح های مخرب و دیپو های

اندوخته شدهٔ شوروی هرگز نمی توانست در مقابل نیروی ایمان ملت به پا خاسته کاری از پیش ببرد ، هر چند با سلاح مجهز ملتی را به خون میتوان غلطاند مسلماً خون آن ملت نطفه انقلاب را ابیاری خواهد نمود ، و نمی توان حرکت موج خون ملت ها را خاموش کرد و علی الخصوص خونیکه از میان موج ایمان و عقیده تبلور می کند .

اولین صف فشردهٔ راد مردان جهاد از طریق پل مالان و اینک نعره کنان می خواستنداز پل کار بار به جانب شهر در اویزند ولی پل کار بار را تانک ها و توپ های دشمن چون یک دژ غارتگر و ویرانه ساز محاصره و مسدوذ نموده بودند و در همین جا بودکه صفیر رگبار مساسل بدون لحظه سکیت که متواتر به نواختن در می آمد و هر مرمی آن در قلب و جگر گوشهٔ پاسبانان اسلام و میهن فرو میرفت تانک ها و توپ های زر هپوش دشمن چون رعد و برق به صفوف مجاهدین راه آزادی و وطن به غرش و تهاجم بی امان در می اید از کشته پشته می ساخت و مجاهدین قهرمان چون کوهپایه های سربه فلک کشیده در میدان رزم بدون ترس و ارعاب مقاوم و استوار در ستیز بودند درین اثناء یک نفر صاحب منصب پولیس غلام رسول امر تخنیک قوماندانی امنیه گرچه از زمره ایادی کمونیست ها نبود چون نا خود آ گاه مردم به پاخاسته را دعوت به آرامش

می نمود بی دریگ با اضایت مرمی جانبازان اسلام به دیار نیستی فروکش مینماید و صدای شلیک توپ های عصیانگر در داخل شهر به گوش مردم با احساس و مسلمان چون خنجری که از پشت بر فرق شان کوبیده می شد میرسید در داخل شهر شیون ناله ها و فریاد ها سرمیزند مردم داغدیده و بی پناه دروازه های دوکانها را می بندند با دست خالی و کندن کتاره های اهنی دو طرف سرک های شهر و با بیل و کلنگ و چوب و میله های اهن به یاری برادران مجاهد خود می شتابند میدان کار زار برق اسادر محاصره اهالی پیش مرگان راه خدا جل جلاله قرار میگیرد و تانک های غول پیکر چون باداران لجام گسیخته بی ایمان خود روی به فرار و گریز گذاشته و در همین لحظه غلبه خون بر اهن منظرهٔ ماتم انگیزی بوجود می آید که یکی از تانک های دشمن در هنگام فرار در حدود بیش از ۷۰ سرباز مجاهد را به خاک و خون کشانیده و اما صفوف فشرده مجاهدین اسطوره های بی نظیر زمان و تشنگان راه شهادت مردانه به نبرد پیگیر خود ادامه میدهند و با شعار شهادت و پیش روی به سوی پیروزی صفحه تازه و افتخار افرینی را در تاریخ مردانگی و شکوهمند افغانستان قهرمان باز می نمایند . جانبازان معرکه ، غازی و سپهسالار گل محمد تیزانی رادمرد حماسه ها و جمعه خان حاجی عبدل و برادرانش درین میدان کار زار با یک چشم به

همزدن چون شاهین های بلند پرواز دشمن را مورد هدف قرار میدادند و باگلوله آتشین * جمعه خان ، تانکیست فیته سرخ حلقه بگوش که ناظر گلگون کفنان که خود به خون امیخته نموده بود رهسپار جهنم میگردد و جانبازان حق برق اسا تانک جهنمی زر هپوش را با ارادهٔ متین و خلل نا پذیر خود محاصره نموده به قبضه خود در می آورند و به آتش می کشند و از زمره سرنشینان مزدور که یک نفر از افسران متجاوز روس بود و بدون لحظهٔ تعلل نتیجه تجاوز در حریم کشور ازاده دیگران (افغانستان) را برایش می اموزند به زندگی ننگین آن برای ابد خاتمه میدهند وچهار سرنشین دیگر تانک که افغانی بودند سه نفر آن را به کیفر اعمال شان میرسانند و یک نفر دیگر چون کامه بزبان جاری میکرد تضرع و التماس می نمود که من مسلمان هستم رها گردیده و مورد عفو پاسداران اسلام قرار میگیرد و در همین لحظه حساس و بحرانی یک تعداد افراد مسلح با سلاح های مسلسل و خود کار خود به مجاهدین سربازان حقیقی اسلام و میهن می پیوندند و صفوف جهاد رنگ دیگری میگیرد و صفحهٔ تازهٔ را باز می نماید در حقیقت پاسداران نهضت و قیام دارای چند میل سلاح مدرن می شوند .

---

* جمعه خان حاجی عبدل در میدان کار زار گگون کفنان ۲٤ حوت از زمره راد مردان حماسه افرین و پیشاهنگ جهاد بود مع الاسف در او اخربه دامن مزدوران کمونیست افتید و در همان دامن هم کشته شد .

در حالیکه صحنه کارزار و شدت در گیری سیمای از جهنم و اتش سوزی راتمثیل می نمود .درین معرکه در گیری تانک های خانما نسوز دشمن بروایتی قریب (۷۰۰) نفر و روایت قوی تر بیش از (۲۰۰) لفر مجاهد ، کفن پوشان امت مسلمان جان های شیرین خودرا در راه رضاء خدا (ج) قربانی کرده و صفحه تاریخ را با رنگ خون خویش رنگ جاویدانه می بخشند.

درین لمحه که جنبش به هیجان انقلابی خود موج خون گرفته بود موانع حکومت پوشالی و اجحاف بعد از ایثار و قربانی هنگفت امت مسلمان بکلی استیلاء گردیده و درهم ریخته میشود ورزمندگان زبر مرد و باشور و هیجان از پل کاربار عبور کرده بداخل شهر در مسیر درب قندهار (از زمانیکه صفیرر گبار وحماسه های انقلات اسلامی همیشه ازین دروازه ازاده سر بلند می نماید ابن چهار راه بنام دروازه انقلاب مسمی شده است) به حرکت درامدند در برابر سیلاب حرکت سرشار از هیجان و تلاطم جانبازان پر خروش یک نفرما مور پولیس خلقی و تعدادی عسا کر وافراد پولیس که شروع به درگیری نموده و لجاجت و سر سختی از خود تبارز میدادند برق اسازیر هجوم لشکر خدا (ج) به قتل میر سندو این جنبش اسلامی و اصیل که پیوند نا

گسستنی از عقاید جامعه داشت حتی بدون رهبری و سا زمان
دهی به سوی نابودی ارگان ها و پایگاه های نظامی وامنیتی
حکومت ملحد متحیرانه هجوم می اورند. ما موریت پولیس درب
قندهار بعد ازیک سلسله در گیری و نبرد شدید به سلطه مجاهدین
در اورده میشود، تعدادی افراد زیادی از عناصر فریب خورده به
دیار مرگ رهسپار می گردند وعدهٔ هم از افراد پولیس در اثنای
اشتعال اتش جنگ و تداوم جریان درگیری به فرزندان رشید و
مجاهدین غیور می پیوندند. محاذ کارزار به حالت بحرانی خود
ادامه دارد مسلماً در دقایق اخری در گیری های افتخار افرین
جانبازان سرشار از نشاط ایمان و ارادهٔ اهنین بوضوح روشن می
گردد که تمام سلاح های اتوماتیک ساخت روسی ما موریت
درب قندهار به تصرف مجاهدین جانباز در می اید. و در همین
لحظه است که افق جهاد ، رنگ دیگری میگیرد وحالا یک
تعداد سلاح هائیکه از خون بیوه زنان داغدیدهٔ فرزندان به
رگبار بسته ، و از سیمای یتیمان خاک الود و گرسنه وطن
خریداری و اندوخته شده بود بدست فرزندان جانفدا و پاسبانان
حقیقی ملت مسلمان افغانستان می افتد تابه قلب دشمن فرو برده
شود در چهار راهی (فلکه) درب قندهار اتش باری متواتر تانک
هاو رشادت مجاهدین صحنه هیجانی و جبروتی بار اورده بود با
هجوم راد مردان‌سرشار از ایمان دو عراده تانک دشمن سرا سیمه

شده در مقابل بازار مندوی به بر می غلطد و یک عراده تانک
در حالیکه صدای شلیک و اتش افروزی ان لحظهٔ قرار نمی گرفت
بایک حمله متحیرانه و برق اسا مجاهدین جانباز به اتش کشیده
میشود و تانک حریق شده و محیل بی محابا و به سرعت به
ستون یک درب دوکان ضربه زده وسقف دوکان را بالای تانک
فرود اورد با این ترفند شعله های لهبان اتش تانک را خاموش
و خفه می کنند. در حالیکه جنبش سیمای ملکوتی و سرود
اسمانی را در بر گرفته بود دشمن سبعانه اولین بمب را در سپیده
دم ۲٤ حوت بالای جانبازان فریاد رس جهاد پر شکوه فرو
ریخت که ویرانه های امیخته به خون از خود باقی گذاشت .

نبرد پیروز مندانه جانبازان راه حق لحظه به لحظه شدت
میگیرد ، در سرک کارته مقابل حمام مجیدی ها یک عراده
جیپ روسی در حالیکه سرنشینان ان مسلح بوده و حانه درب
قندهار مجاهدین جان برکف را با شلیک رگبار مورد هدف قرار
میدهد وباهجوم سیل خروشان مجاهدین قهرمان به محاصره در
کشیده میشود سر نشینان ان به کیفر عمال خود میرسند و موتر
جیپ روسی به اتش خشم مجاهدین زبر مرد حریق میگردد. در
اثنای که صحنه در گیری و نبردا تشین و متحیرانه رادمردان
سرشار از عقیده و ایمان به اوج عظمت و شکوهمندی خود ادامه
دارد در میدان کارزا ، عبدالصبور امر امنیت قوماندانی امنیه

های پارلمان القاء ورشد داده میشد و کمونیزم علناً از دروازهٔ کاخ قدرت صادر میشد وهمین جو نامناسب بود که همه جناح های سیاسی به نفع کمونیزم در حالت نوسانی بود اختناق به جای کشیده بود که دا نشمندان و علمای مکتب توحید در حدود ٤٥ نفر در سال ١٣٤٩ از زمره چون عالم ربانی مولوی محمد نبی محمدی و سردار عبدالرشید پلخمری در زیر سقف اختناق انگیز دوره (١٣) پارلمان دولتی ، ببرک کارمل و اناهیتا ، حفیظ الله امین لعین و نور محمد نور اجنت های مزدور (K.G.B.) عوامل روسی را مورد ات و کوب و ضرب و شتم افتضاح اوری قرار میدهند یک بار دیگر درس عبرت را برای کمونیست های حلقه بگوش و خدا ناشناس می اموزند .

اثرهای سیاه و سایه های شوم زما مداران عیاش و فاقد عقیده در افغانستان بلا کشیده در بین نسل جوان و محروم عمداً پس امد های ناگواری را بار اورده بود ، عقاید اسلامی مورد تحقیر وبازیچه جراید عوامل خدا ناشناس و مزدور واقع گردیده بود - خواهی نخواهی از میان این همه جو اختناق و تاریکی های ضلالت روشنی و نوری که در حال در خشیدن بود نمایان میشد . احتجاج علماء و مبارزین دانشمند و به بست نشستن در مسجد جامع پل خشتی کابل دگر گونی ویک نقطه حساب شده به شمار میرفت و این شلاق ، تازیانهٔ خوبی بود که باید

برای ابد به جهنم مرگ سپرده میشود .

پیکار جویان با درد و چهره های ملکوتی راهی راکه در پیش گرفته بودند ادامه میدهند. اما یک عده خلقی های فرصت طلب تا اخرین لحظات فرار دست از ترور و ادم کشی بر نمی دار در بالای بام مکتب صیفی ستر اخفا نموده وبا تیرا ندازی های متواتر و شلیک مسلسل بالای فرزندان صدیق و دلیر وطن ،گروه زیادی از شیر مردان راه ازادی را به خاک و خون می غلطانند اما مجاهدین بلند پروازچون عقاب های اسیا بربام مکتب صیفی درمیان موج هات اتش مردانه هجوم می اورند و این دژ بزر فساد را هم تسخیر می نمایند و خلقی هابی مسلک چون موش های زبون در سوراخ های خود فرار کرده و اگر دوپا داشتند دوپای دیگر هم قرض می نمایند در عقب مکتب درلانه های تاریک و نا معلوم پناه میبرند.

سیل جنبش ملکوتی همچو کاروان نور به طرف چهار سوی شهر کهنه سیلان مینماید وباید ملتفت بود که درهمین لحظات ودقایق در تمام نواحی شش گانه قیام مردم با اوج عظمت خود در حال تلاطم و غلیان بود .

حالا نزدیکترین شاخهٔ جبهه پایداری رزمجو سمبل مقاومت که از شاهراه غرب هرات نسبت یکجا شدن و همبستگی در یک صف واحد وفشرده‌نهضت رستا خیزی جهاد پر شکوه بطرف

مرکز شهر در حرکت بود همانا جمعیت وسیع پیکار جویانی بودند که از صوب زیارت میر صالح وقراء اطراف ان (شاخهٔ از مجاهدین حوزه غرب هرات) به جانب بازار و درب عراق با نعره های جبروتی و ملکوتی الله اکبر سیل‌اسا سرا زیر می شوند. قوای فریب خورده ویا چهره های ملحد حکومت دست نشانده در بالای بامهای ما موریت پولیس درب عراق مخفی می شوند و ازین لانه ودژ طاغوتی بی محابا در قلب پاسداران اسلام و میهن اتش ورگبار مسلسل حواله می کنند واین گلوله های اتشین و تیر های خصمانه که در دیدگان فرزندان رشید فریفتگان اسلام فرو میرفت ارمغان به اصطلاح فرشته های صلح امپریا لیزم روسیه بود که به ملت مسلمان افغانستان قهرمان تحفه و هدیه می گردید ، و امت مجاهد هرات شور انگیز با تحمل تلفات سنگین و از دست دادن تعداد زیاد از فرزندان اصیل و مبارز خود در بازار عراق مقابل ماموریت پولیس هر گز روحیه مجاهدت خود هارا از دست نمی دهند لحظه به لحظه فشرده ترمی شوند وهر نوع قربانی را برای ازادی‌میهن خویش با دیدهٔ باز و خون الود واغوش گرم استقبال می نمایند درحقیقت این صحنه های حکایتی از تاریخ مملو از خون هرات شهید پرور و تداوم جریان رشادت و حماسه های دل انگیز مجاهدین جان برکف است که در لبه حساس و خطرناک تعدادی از مجاهدین و به خصوص شهید

فضل احمد و کیل داشگر ها از عقب ماموریت با سوراخ کردن ماموریت و تحمل تلفات و قربانی زیاد معبر ادخال بام ماموریت درب عراق را باز می نمایند درین ازمون حق و باطل ودقایق حساس (٥) نفر مجاهد راه حق مورد اصابت گلوله های اتشین افراد پولیس قرار میگیرند وبه زندگی شیرین خود در اغوش پاسداری از اسلام راه نجات وطن جاویدانه وداع می گویند و ماموریت پولیس یا جولانگاه خونین کمونیست ها به تصرف مجاهدین در می اید ، اسامی قادر مامور درب عراق (امر ما موریت درب عراق) در اتش در گیری که اغاز نموده بود بقتل رسیده وبه تعقیب ان اسامی جنان ساتنمن درب عراق به کیفر عمال خود میرسد و تعداد (٧) نفر از مؤظفین جنایت پیشه ماموریت نیز به زندگی ننگین شان خاتمه داده میشود و در اسرع زمان سلاح های ما موریت پولیس به قبضه مجاهدین در امده ، فوتو های تره کی و نشان های خائنی و برجمی از در و دیوار های ماموریت بزمین انداخته شده و در زیر چکمه های راد مردان مجاهد تکه پاره گردیده وبه اتش کشیده می شوند و در مسیر جاده ها لوحه های سرخ وشعار های کمونیستی (رژیم ملحد و منحط افغانستان گمان میکرد که روند مبارزه و انقلابی بودن این معنی را دارد که در ، و دیوار وادارات و بازار را رنگ سرخ تاپه کنند) را به جهنم فناؤ نا بودی فروبرده میشوند . و

هماهنگ با پیدرز راد مردان این دیار در تمام شاهرگ های عمومی شهر مجاهدین قهرمان در قلب دشمن پیشروی می کنند .

در همین لحظات اخری در هم شکستن ماموریت درب عراق ، یک عراده تانک زرهپوش غول پیکر دد منش که غرق در نشه ظلمت و گمراهی بود به کمک ویاری قوای در همر یخته شده ماموریت درب عراق می شتابد در حدود پیش از (٥٥) نفر مبارز ورزمنده را در زیر شلیک اتش بیر حمانه خود به خاک و خون فرو کش می کند . وصفوف جانبازان سمبل مقاومت هر چند از نگاه کمیت و کیفیت داشتن سلاح تهی دست بودند ولی با سینه های برهنه پرسوز و مملو از ایمان ور شادت ، دیگر حکایتی از حماسه های جاویدانه بشریت خواهند بود و با دست خالی بدون راکت و مرمی ضد تانک ، برق‌آسا بایک تهاجم دلیرانه وراسخ بر بالای تانک خون اشام فایق می ایندو تانک جنایت پیشگان حرفوی را محاصره نموده وبه اتش می کشند و تعداد (٧) نفر سر نشینان تانک مذکور که ازان جمله دو نفر ان از افسران متجاوز روسیه بود در زیر چکمه های پولادین خود برای ابدا ازبین بردند ویک بار دیگر نتیجه درس تجاوز را به روس های ماجرا جوی طواغیت فتنه انگیر و توسعه طلب اموختند .

در حالیکه طلوع صبحگان ٢٤ حوت خونین هنوز چند نیزه

بلند نه شده بود این روز حماسه ها ، اشعه خورشید رنگ دیگری داشت و خون شهدا رنگ آزادی ولاله های‌آزاده را ترسیم می کرد. صفوف مجاهدین درب قندهار (دروازه انقلاب) و جمعیت مبارز درب عراق در محل چهار سوی شهر کهنه چون فرشته های اسمانی ویاران ملکوتی دریک مسیر ویک سنگر قرار میگیرند.
درین اثناء اجتماع دیگری از مجاهدین قهرمان در نفس چهار سوی کهنه به ماموریت پولیس شهر کهنه هجوم می اورند دو نفر از افراد پولیس بقتل میرسند و بعداً ماموریت پولیس در میان سیل خروشان جمعیت انبوه مجاهدین بدون محاربه و مقاومت سر تسلیم و تعظیم راخم می نماید و سلاح های مسلسل و تجهیزات ما موریت پولیس بدون ضیاع وقت بتصرف مجاهدین می افتد مسلماً عکس های تره کی ، شعار های کمونیستی ولوحه های سرخ در زیر لگد های مجاهدین معرکه جهاد ، **نمودی از شکست و زبونی کمونیزم بود و کمونیست ها بود که دژ های طاغوتی شان با تانک و توپ یکی پی دیگر سقوط کرده میرفت .**
جبهه پیکار جوی جانبازان راه حق برق اسا به طرف شهر نو سرا زیر میشود و دشمن مبتلا به جنون ، سرا سیمه و وحشت زده در کنار افسران روسی از پناه گاه ها و سوراخهای مخفی ناجوان مردانه به اعمال وحشیانه و خصمانه خود ادامه داده میروند و از ناحیه پای حصار از طریق جاده کم عرض ذریعه

تانک های زرهدار مجاهدین تهی دست را مورد اصابت مرمی های متواتر قرار میدهند و تعداد کثیری بیش از (۲۰۰ الی ۵۰۰) نفر از مجاهدین و فرزندان رشید قیام اسلامی که سرود ازادی را زمزمه می‌کردند جام شهادت را نوش می نمایند ، این ها چون فرشته های اسمانی و سبد های گل های جامه سپید که در موج های خونین ، رنگ خون و داغ لاله گرفته بودند در زیر انوار اسمان در صحن سرک می در خشیدند که امارایِن جامه گلگون کفنان نهایت هنگفت و حیرت انگیز بود که همچو جنایتی تاریخ هر گز بیاد ندارد ، البته ارقام دقیق و مؤثق شهدا زنده جاوید ان معرکه که صفحه تازهٔ تاریخ خونین کمونیست های جهانخوار را به خاطر می اورد تا حال بصورت درست معلوم نشده و تعدادی زیادی هم از مجاهدین شیفتگان مکتب شهادت به اثر اصابت گلوله های تانک به شدت که زخمی شده اند ا رقام تلفات بعدی انها هم نیز مجهول و نامعلوم مانده است و صرف نعش های (۲۰) نفر مجاهد مجهول الهویه در بین صدها جامه به خون تپیده که معطر به خون شهادت گردیده بودند در محضر سرک عام باقی مانده بودند چون نوبت کراچی های دستی که گل های از گلواله بریده شده وبه خون فرو رفته را به جای های امن حمل می نمودند واز جانبی از شدت وخامت اتش باری دشمن و از طرفی این شهداء حق از خود

وابستگان نداشتند که انها را در منزل شان انتقال دهد و این ها با سینه های برهنه و سرشار از ایمان از قرا و حومه دور از شهر به میدان کار زار جهاد امده بودند در حقیقت این گلگون جامه های به خون خفته تا شام مهمانان خدا جل جلاله بودند که فرشته های اسمانی انها را نظاره می نمود و از انوار سیمای ملکوتی این شهدا ، نور آزادی بر فضای سرتا سری هرات شهید پرور هر لحظه می درخشید ، و تداوم جریان انقلاب اسلامی را در اغوش پیروزی نطفه می بست .

در میدان این معرکه حق و باطل امبولانس های مدرن واتو میبل های سریع السیر موجود نبود که نعش های شهدا راه حق را به محل معینی انتقال‌دهد بازهم کراچی های دستی کارگران محروم ولی سر شار از ایمان و احساس چون امبولانس های سریع السیر و شاهین های بلند پرواز از میان رگبار وشلیک اتش باری های متواتر نعش های راد مردان به خون خفته خود را به مساجد و خانه های همجوار معرکه انتقال می دادند و زخمی ها را تیمار داری و مداوامی نمودند و هر لحظه فریاد مردم از قلب خونین و داغدار جامعه به خون خاسته ، به سوی ساختن حماسه های جدید و انقلاب گسترده اسلامی نطفه تازه می بست. در حالیکه تانک های پای حصار به اتش باری متداوم خود مسیر بازار شهر کهنه و محل چهار سوی ادامه میداد و مجاهدین

سنگین ترین تلفات نیز حمانه دشمن را متحمل شده بودند . اینک
صفوف مجاهدین درب قندهار (دروازه انقلاب)وجمعیت انبوه مبارز
درب عراق با صدای طنین انداز الله اکبر به یاری مجاهدین محل
چهار سوی می شتابند چون فرشته های اسمانی ویارانی ملکوتی
در اغوش هم دریک مسیر و یک سنگر به طرف پای حصار و
شهر نوبرق اسا هجوم می اورند و غرش تانک ها و توپ های
و یرانه ساز مانع از پیش روی مجاهدین در قلب دشمن میگردد و
فضای تاریک پر از دود و باروت ، تانک ها و رعد و برق شلیک
مرمی های مسلسل سیمای از جهنم و ظلمت را بار اورده بود و
مجاهدین قهرمان چون عقابهای بلند پرواز از کوچه پوستین دوز
ها و از طریق مسجد مشهور به غودال ماهیرانه بر فراز بام های
دوکان های اطراف سرک بالا شده وبا سرع وقت خود را به محل
پای حصار موضع توپ ها و تانک های غارتگر میرسانند درین
فرصت هر چند شلیک توپ و تانک و مرمی های رگبار مسلسل
بطور سرسام اور فضای شهر را به کوره اتش ویا شبه به یک
کهکشان مملو از رعد و برق مبدل کرده بود و رزمندگان تاریخ
ساز ، قهرمانانه بر دژ های دشمن ، هجوم می اورند و با متانت
و صلابت گوئی چون کماندو های ورزیده یک عراده تانک زرهپوش
را تسخیر نموده (۲) نفر ضابطه خلقی ویک نفر روس را از تانک
بیرون می کشند و بقتل میرسانند و (۲) نفر عسکر داخل تانک

را بعد از خلع سلاح کردن و جاری نمودن کلمه توحید مورد عفو قرار داده رها می‌نمایند البته یک نفر روس دیگر که سراپا جبن و ترس اورا احاطه نموده بود به هیچ وجه از تانک خارج نگر دیده معه تانک اورا به اتش می کشند و چهره کثیف روس متجاوز در داخل تانک سوخته و به یک کالبد ذغالی روی سیاه مبدل گردیده بود که حتی تا مدت سه شبانروز این کالبد روی سیاه و جنایت پیشه در بالای تانک حریق شده در محضر عامه به نمایش گذاشته میشود ، وهر لحظه شدت در گیری و حماسه های رشادت جانبازان حق ، دنیای از هیجان و عظمت و هیبت جهاد را ترسیم کرده میرفت ، چه پرشکوه و با عظمت که یک نفر قصاب مجاهد از انتهای خشم از بام دوکانی بالای یک نفر عسکر فریب‌خورده که متواتر بالای مجاهدین قهرمان اتش باری می نمود خود را انداخته وباکارد خود عسکر را از پا در اورده و خلع سلاح می نماید، و همچنین دو عراده تانک دشمن سرا سیمه در کنار ارگ در مقابل مقام جبروتی خرقه مبارک که سرور کائینات به زمین فرو می غلطد و در زیر چکمه های پولادین مجاهدین جان بر کف منهدم و تخریب میگردد و یک نفر از سر نشینان ان که تا دیگ لحظه پیش از خدا (ج) غافل بود اینک در جوار خرقه مبارکه پناه می اورد و از مرگ نجات می یا بد .

در حالیکه کاروان مجاهدین منزل به منزل در قلب دشمن

پیشروی میکرد یک گروه از مجاهدین در حساس ترین موقعیت استرا تیژیکی قلعه اختیار الدین مشهور به ارگ سیل اسا هجوم آورده و به قطعه کندک ضابطان و تولی تقلیه تسلط حاصل می کنند ، عساکر فریب خورده را خلع سلاح نموده ورها می کنند و مجاهدین سلحشور چون شیران خشمگین در مواضع حساس قلعه سنگر می گیرند و دشمن را مردانه مورد هدف قرار میدهند و جمعیت انبوه از مجاهدین دلیر با مشت های اهنین و سلاح بیل و کلنگ و میله های اهنی بر تانک ها هجوم می آورند و روس های متجاوز زنده زنده قضایای حماسه های جبهه پایداری و مقاومت ملت مسلمان هرات را به چشم سر می بینند و طعم تلخ جنبش مقاومت اسلامی را در مقابل خشم و اراده اهنین جانبازان حق یک بار دیگر تجربه می کنند و در می یابند که دیگر آتش تانک و توپ تاب و توان مقابله جنگ عقاید امت مجاهد هرات مقاوم را ندارند ، بی درنگ تانک ها و توپ ها میدان کار زار پای حصار را تخلیه نموده فرار می نمایند .

لحظه از حماسه‌های جاویدانه کفن پوشان مجاهد بشنوید!

در اثناء شدت درگیری میلهٔ یک تانک که در حالت یک حرکت دورانی بطور مسلسل به سوی مجاهدین هدف گیری می نمود و از شدت آتش باری گداخته شده بود یکی از فرزندان صدیق و کفن پوشان سر سپرده راه حق در مقابل زیارت میر

زمامداران مدهوش از نشهٔ قدرت از خواب سنگین خویش بیدار میشدندو کشوریکه تا به گلو میخواست به کام کمونیزم فرو رود باید ازین مهلکه خود و کشور خود را نجات میداد ند برعکس جلاد ان قدرت و وابسته به عوامل کمونیزم ، در تاریکی شب ٤ جوزا ۱۳٤۹ جنایت بار ترین شبیخون مستبدانهٔ بالای علمای مبارز در حریم مقدس مسجد جامع پل خشتی به انتهای بی حرمتی مرتکب شدند و جوی های خون در کنار مسجد جاری میگردد .

در حقیقت در کشور زادگاه مسلمان افرین افغانستان که نور اسلام را چون راد مرد سلطان محمود غزنوی همیشه جاوید تا درون بت سومنات می تابد و درخشش اسلام نجات بخش در نیم قاره هند ازین خطه تبلور مینماید حالا کاخ نشینانی در حریم خانه خدا جل جلاله بی شرمانه شبیخون می زنند . درین مقطع است که باید کمونیزم از لانهٔ کاخ نطفه به بندد .

بوم سیاه و تاریکی گمراهی ایادی کمونیزم و ابرهای شوم دور و بر کشور را فرا گرفته بود فساد اداره به اوج عظمت خود خودنمائی میکرد . دوره دورهٔ اختناق بود در ۱٦ سنبله ۱۳۵۱ - بزرگترین رهروان مکتب توحید و دلباخته گان فریاد رس راه حق چون منهاج الدین کهیځ با توطئه سفارت روسیه جان به جان آفرین حق می سپارد .

سلطان عبدالواحد شهید غرض جلو گیری از حرکت دورانی میله تانک ، تا حیات صد ها مجاهد را از آتش باری تانک نجات دهد میله تانک را با دو دست خود در سینه مملو از ایمان خود محکم گرفته بود و مانع از حرکت و هدف گیری میله تانک می گردید . زمانیکه جمعیت وسیع مجاهدین راد مرد تانک خون اشام را محاصره نموده و به تصرف در می آورند درین لحظه در می یابند که گوشت و پوست دست ها و سینه این سرباز جانفدا در اثر شلیک متواتر و گداخته شدن میله تانک تا دل استخوان های آن سوخته و به تانک چسپیده است این جاست که حماسه ظفر افرین یک سرباز مؤمن بر تانک ها و توپ های دشمن نقش جاویدانه تاریخ میگردد .

حماسهء از حماسه های دیگر ! یک جوان کم سن ولی مبارز و اسطورهء مقاومت ، در حالیکه مرمی گداخته شده رگبار مسلسل شدیداً به پایش اصابت کرده بود و قسمت شتالنگ (مفصل بجولک پا) مجاهد را بکلی قطع کرده و از حرکت انداخته بود در چهار راهی پای حصار بدون ترس و توحش با چهره نورانی بزمین افتیده بود و باسیمای بشاش امیخته از خون و ایمان مردم را دعوت به جهاد و پایداری می نمود و هرگز حاضر نبود که از صحنه کار زار در گوشهٔ مصئونی او را انتقال دهند .

شهر هرات در زیر امواج حباب های خون و نعش های شهدای ملکوتی و ندا های جبروتی ۱۴ حوت خونین گلگون کفنان ده ها حماسه های جاویدانه دارد که بر شمردن آنها را قلم شکسته یارای آن نیست.

جبهه پایداری جانب غرب هرات :

هماهنگ و همزمان با قیام مردم درب قندهار (دروازه انقلاب) و اهالی درب عراق ، در حومهٔ غرب شهر مرد خیز هرات، جمعیت وسیع گستردهٔ از مردم بلا دیده و ستم کشیده قراء و قصبه های مجاور چون سیل خروشان پر پیچ و خم منزل به منزل در محاذ کار زار مرکز شهر هرات یکپارچه مشتعل سرا زیر می شدند یک گروه از مجاهدین در پل هاشمی به فاصله (۲۰) کیلو متری غرب هرات با قوای مجهز و مسلح دشمن در گیر شده و به اسرع زمان قوای دشمن را متلاشی نموده و بطرف مرکز هرات هجوم می آورند و گروه گروه افراد قراء و قصبه های غرب شهر به صفوف مجاهدین می پیوندند ، در حالیکه فریاد و نعره های آسمان خراش مجاهدین از نواحی دور و نزدیک بر فضای شهر انعکاس وطنین انداخته بود که پشت هر کمونیست را به زمین خم می کرد . صفوف مجاهدین لحظه به لحظه گسترده و گسترده تر به صوب شهر در حال نفوذ کردن و پیشروی قرار داشت که در قسمت شاهراه عمومی مقابل زیارت

خواجه کله به موانع دیوار پولادین قوای مجهز توپ و تانک و رگبار مسلسل مواجه میگردند و آتش در گیری به کناره های آسمان شراره می کند و با شلیک آتش بار یک تانک زرهپوش در حدود بیش از (۲۰) تن از مبارزین تهی دست به خون گرم خود اغشته می گردند و گروهی هنگفت زخمی شده و جراحت بر میدارند نعش های شهدای راه آزادی ذریعه کراچی های دستی دلباختگان رنج دیده و با احساس به مسجد دیوانچه نقل داده میشود و به اثر آتش باری یک عراده تانک حرفوی و جنایت پیشه در جوار سرک عمومی یک در بند حویلی محقرانه منهدم و به خاک فروسی غلطد و در زیر اوار این آتش باری خانمانسوز تعدادی (۷) نفر طفل معصوم که از صدای مهیب توپ ها و تانک ها سراسیمه و مضطرب در گوشهٔ از حویلی پناه برده بودند بیرحمانه به خاک و خون کشانیده میشوند . درین مرحله حساس مسلماً ندای غیبی شهدای معصوم از زیر آوار ویرانه های ماتمسرای ، و خونا به ها ، و سرود های ما دران داغدیده در فضای جنبش انعکاس نموده و اثر سختی باقی می گذارد . و صفوف فشرده مجاهدین خشمگین غرض همبستگی و متحد شدن با مجاهدین داخل شهر و نفوذ ورخنه کردن در مرکز شهر و پایگاه های نظامی ، مسیر حرکت خود را بعد از تحمل و قبول عمیق ترین تلفات زیاد ادامه داده میروند که امار

دقیق شهدای این معرکه ملکوتی هنوز واضح و روشن نیست . و جانبازان با درد و مملو از عواطف اسلامی که می خواستند در نزدیکی پارک (چمن) بازار ملک نعش های شهدای زنده جاوید خود را از متن سرک عمومی کنار بیاورند و یا به جای دیگری انتقال دهند ، بیرحمانه مورد شلیک و آتش باری متواتر دشمن قرار میگیرند که تعداد هنگفتی بمقام رفیع شهادت می شتابند . موج عظیم جنبش غلبهٔ حق بر باطل بعد از قربانی و ایثار بی نظیری توانست که معبری برای عبور و ادخال شهر باز نماید، در نواحی درب ملک و بازار شهر نو شعار ها ، لوحه های خلقی و ارم و نشان های خلقی ها و پرچمی های کمونیست و مزدور بدون لحظه سکوت به دیار نیستی فرو برده میشد و به تعقیب آن محوطه و ساختمان بزرگ شاروالی را با اولین هجوم دلیرانه خود به قبضه و تصرف در می آورند عکس ها و شعار ها و آثار کمونیستی یکی پی دیگر طعمه حریق گردیده و دیگر با نعره طنین انداز الله اکبر و قدرت جبروتی مجاهدین قهرمان فضای شهر و زمین و آسمان به لرزه در می آید و کمونیست های زبون یکی پی دیگر سراسیمه صحنه کار زار را ترک میدهند ، و جمعیت مبارزین به سوی ما موریت پولیس شهر نو سرا زیر میشوند و با اولین هجوم دلیرانه مجاهدین ، مأ موریت پولیس بدون مقاومت • مقابله که حتی یک فیرهم صورت نمی گیرد به مجاهدین جان

برکف تسلیم می شوند و یک میل تفنگ یازده تیر برسم
همبستگی به مجاهدین راد مرد اهداء می نمایند ، شعار ها و
اسناد کمونیستی به آتش کشیده شده و سیل مجاهدین واپس
به جانب شهر میلان می نماید درین اثنا تعداد سه تن از افسران
روسی که استرا تیژی مقابله و پلان جنگ را رهبری و بر رسی
می نمودند با هجوم برق اسا مجاهدین دلیر به قتل میرسند که
نعش های متعفن این جنایت پیشگان متجاوز تا سیاهی شب
درمیان جاده عمومی به رسم خار چشم کمونیست های زبون
افتیده بود چه عجیب شب هنگام از میان صد ها نعش معطر
شهداء گلگون کفن صرف همین سه جسد متعفن روس های وحشی
سگان بازار تکه پاره می نمایند و گوش بینی این ها را می خورند
و هر چه بیشتر به رسوائی و افتضاح کمونیست ها می افزایند .
مجاهدین زبر مرد میدان کار زار را لحظه به لحظه وسعت داده و
به هیبت و جلال قیام می افزودند وا ز هر پناه گاهی مخفی و
سوراخ تاریکی اگر خلقی و یا مزدور سرسپرده را در می یافتند بی
درنگ او را به کیفر عمال آن میرساندند در همین لحظه های پر
شور و هیجانی است که سیل پرخروش مجاهدین راد مرد به منزل
و یستوک اینترک روسی (نماینده پشم) هجوم می آورند در
حالیکه زن این مزدور منحد بیگانه فرار نموده و خودش بدون
لمحهٔ درنگ برای ابد به جزاء عمال خود میرسد .

جبهه پایداری جانب شمال هرات :

گروه انبوه مبارزین سرشار از احساسات و مملو از ایمان از نواحی شمالی شهر به جانب مرکز شهر نو با زمزمه دل انگیز الله اکبر به حرکت و میلان در آمدند در قسمت سه راهی مقابل لیسه مهری علی رقم آتش باری دو عراده تانک زر هپوش آلوده به ظلمت به یک در گیری نبرد خونین مواجه میگردند و تعداد (۷) تن از مجاهدین دلیر زندگی را پدرود گفته و تعدادی هم زخمی و مجروح می شوند بآنهم مجاهدین تهی دست با سلاح ایمان گروه گروه بطرف تانک های جنایت پیشه هجوم می آورند دشمن سست عنصر و زبون هر چند درمیان مدرن ترین تانک های عصر قرار دارد فرار را برقرار ترجیح داده سراسیمه میدان کار زار را تخلیه می نمایند و گروه مبارزین سمت شمال در محل چهار سوی شهر نو با جمعیت انبوه مجاهدین و سربازان مجاور و ماحول قرا شهر هرات چون یاران بهشتی بهم پیوستیده و در آغوش گرم یک سنگر قرار میگیرند و این یاران بهشتی صفوف فشرده مجاهدین چون سیل پر خروش و مدحشی عصر با زمزمه شوز انگیز الله اکبر و کلمه دل انگیز لااله الاالله که فضای کهکشان و دل شنونده را مبهوت و خیره نموده بود بصوب مرکز ولایت و محبس هرات که آخرین دژ مستحکم و ظلمت گاه زمان بود به حرکت در می آیند در امتداد جاده شهر نو لوحه

های سرخ و شعار های دست آورد های مزدوران خلقی و پرچمی را سنگ باری نموده از بین می برند و سلاح مجاهدین هما نا کتاره های فلزی کنار سرک و میله ه‌ای اهنی لوحه های اشتهارات دولتی و چند میل تفنگ پنج تیر ، یازده تیر ، برناو ، ژسه و سلاح های غنیمت گرفته شده محدودی بیش نبود . پرچمی ها و خلقی های مزدور و زبون در سوراخ های تاریک و بالای بام دوکان های کار خانه برق و تعمیر دفتر نیروی سیاسی حزب تحصن جسته بودند مذبوحانه از پناه گاه های مخفی بالای مجاهدین متواتر شلیک می نمودند و مجاهدین با تحمل تلفات سنگین دسترسی به پناه گاه های مخفی این دشمنان خلق و میهن پیدا کرده نمی توانستند مجاهدین جان برکف با حریق نمودن دروازه کارخانه برق سعی و تلاش بخرج میدادند تا معبری غرض تعقیب کردن و نا بود ساختن خلقی های تحصن یافته باز نمایند درمیان سرک و کنار دروازه طاهر های لاستیک را آتش زده بودند و شعله ه‌ای آتش فضای جاده را فرا گرفته بود ولی چون دروازه اکثراً از فلز بود و کار به جائی کشیده نشد و از جدار سوراخ های دروازه مجاهدین راه حق بطور متوارد و پی در پی مورد شلیک مسلسل های افراد فریب خورده و روس ها قرار می گرفتند که در نتیجه نا گوار بیش از (۲۰) تن مجاهد به مقام رفیع شهادت نائل آمدند و تعدادی هم جراحت پرداشتند

البته کراچی های مردم محروم و با احساس چون امبولانس های سریع السیر از جاده لیسه مهری ، سرک کلاب به میدان کار زار برق اسا فرا میرسید و نعش های شهدای زنده جاوید و زخمی های جامه امیخته بخون را در جای های امن انتقال میدادند و صدای رگبار و صفیر گلوله و دود سیاه و غلیظ باروت فضای شهر را به یک کابوس جهنم سوزان مبدل کرده بود و مجاهدین قهرمان با تحمل تلفات هنگفت بر دفتر مرکزی بیروی سیاسی کمیته ولایتی به اصطلاح حزب خلق چون عقاب های بلند پرواز هجوم بردند دفاتر حزب و دفتر اصلاحات تقسیم اراضی را به آتش کشیدند عکس های تره‌کی و اسناد لانه جاسوسی حزب در میان آتش لهبان که شراره می نمود سوختانده شد عکس سربریده تره‌کی ملحد را به رسم زبونی و خار چشم کمونیست های مزدور بر دیوار تعمیر دفتر حزب وا رونه اویزان کردند و کتله های انبوه و وسیع جانبازان راه حق به جهت استیلاء مرکز ولایت و محبس هرات به اخرین پناه گاه های مزدوران خلقی و پرچمی شتافتند در چهار راهی چوک پارک شهر نو نبرد حیرت انگیز بوقوع می پیوندد که در اثر آن یک عراده جیپ روسی مجهز با سلاح های کلاشینکوف که افراد زیادی را در مقابل مسجد جامع و جاده شمالی مسجد جامع با عظمت هرات به شهادت رسانیده بود با هجوم ظفر مندانه مجاهدین

در اولین ضربه از بین برده میشود . جمعیت عظیم مجاهدین که از بالای بام بانک ملی مورد اصابت مرمی های مسلسل قرار میگیرند بی درنگ بانک ملی با یک حمله همگانی سرکوب گردیده و درهم ریخته میشود و به منابع پولی آن کوچکترین تصرف و تشبث بعمل نمی آید در مسیر راه مجاهدین جانباز به دفتر اطلاعات کلتور مواجه گردیدند که این دفتر جهنمی نمودی از دست آورد های چهره نحس نظام فاسد بود و در حقیقت این دستگاه ارتباط جمعی به مثابه صالون ایدیولوژی وارداتی مارکسیزم و لانه تخدیر اعصاب ملت در آمده بود و بطور روز افزون علی رغم مقدسات و منویات جامعه اسلامی مطبوعات به حکم خنجری بود که بر احساسات و مذهب ملت کوبیده میشد ستم مطبوعات به شدت بر بالای جامعه در پهلوی ده ها ستم و شکنجه دیگر روا داشته میشد . مبارزین هدفمند و با عقیده چون شیر های خشمگین برین لانه فساد هجوم می آورند و بی محابا این کانون الحاد را به آتش می کشند . و جنبش در انتهای رفعت و عظمت خود با بر افراشتن علم اسلامی معلی سربه فلک کشیده در حال پیشروی و سبقت جوئی به جانب مرکز ولایت و حصار محبس در حرکت میباشد زمزمهٔ شعار های انقلابی مجاهدین گوئی فرشته های آسمانی تعقیب می نمودند انعکاس آن فضای دگر گونی بار آورده بود . توپ ها و

تانک های غول پیکر که در مقابل مرکز ولایت لنگر انداخته بودند بدون لحظه سکوت متواتر بالای مجاهدین قهرمان آتش حواله می نمودند و از عقب ستون زرهی قوای قوماندانی امنیه در موقعیت حساس چهار راهی پارک شهر نو به آتش باری دامن گیری ادامه داده می رفتند و گروه انبوه مجاهدین در حالیکه از دو طرف قوای دشمن محاصره شده بودند و مبارزین اسطوره مقاومت تا آخرین لحظه ایثار و قربانی برای دفاع از وطن باجبین باز و اغوش گرم مرمی های دشمن را استقبال می نمودند . با شلیک متواتر توپ های مخرب دشمن ، مجاهدین از کشته پشته میدادند و یک جوان کم سن در عین رزم که دست تهی آن مورد اصابت مرمی یک نفر ضابط خلقی قرار میگیرد با دست خالی و چشمان خیره به ضابط ملحد نگاه می کند و یک نفر عسکر با احساس حاضر می شود که تفنگ خود را به آن مجاهد زخم بر داشته بدهد تا ضابط مزدور را به کیفر اعمالش بر ساند مع الاسف که دست مجاهد خورد سال از قوت و فرمان رفته بود و دیگر مجال انتقام گرفتن را نداشت . از جانبی عوامل مزدور از پناه گاه های شفاخانه هرات ، و روس های متجاوز از بالای بام و مخفی گاه های تعمیر مدیریت عمومی زراعت و یک تعداد روس های متشبث از تعمیر (نیازی) که قبلاً شرکت مالداری در آنجا بود و حالا مکتب صنایع را تشکیل میداد متواتر مجاهدین

با موج گرفتن رستاخیزی نهضت اسلامی پاسداران پوهنتون (دانشگاه) در سال ۱۳۵۱ یک اجنت سرسپرده کمونیست دو اتشه در زیر چکمه های جانبازان رشید و صدیق ائین اسلام به جهنم مرگ فرو برده میشود ، باز سایه های شوم سلول های زندان دژخیمان حکومت جابر برخ پاسداران بر حق اسلام و میهن باز میگردد و مجاهد ابدیده از زندان و هدفمند انجینر حکمتیار در اغاز رهائی و عرصه اختناق سال ۱۳۵۳ به خارج از کشور راهی هجرت می گردد . با خروشیدن رستاخیزی قیام توفندهٔ پاکبازان اسلام در زمان داود جلاد عصر در ۲۹ سرطان ۱۳۵٤ در پنجشیر افتخار افرین نه تنها سیل تلاطم خون راد مردان مجاهد از گردنه های پنجشیر سرا زیر میشود بلکه کاروان هجرت پیکار جویان و الاهمت راهی بیرون از مرز میشوند تا حلقه وصف مبارزه را ابدیده تر سازند .

کشور دریک ورته خطر ناک قرار داشت ، رهروان مکتب ازادهٔ سیدجمال الدین اسلامی افغانی و جهانی ، فرزندان رشید نهضت اسلامی در حقیقت جانباازن پیش مرگان راه حق چون ابو ذر های زمان همچو پوهاند غلام محمد نیازی و رهروانش در بحبوحه های همان دورهٔ کاخ نشینان فاقد عقیده وقت ، در قید زنجیر و سلول های سیاه چالهای زندان های ماتمسرای عصر به بند کشیده میشوند و سرانجام در قید زندان

جانباز را به مسلسل و رگبار ماشیندار ها می بستند در میان سرک عمومی از نعش های افتخار افرین مجاهدین دیگر جای پای ماندن باقی نمانده بود و دریا خون درمیان سرک و با تلاطم زیاد جریان داشت و امار این شهداء به خون فرورفته را نمی توان به حساب اورد ، گرچه مجاهدین دلیر با حمله تن به تن ، روس های مسلح تعمیر (مکتب صنایع) را به کیفر عمال شان رساندند بانهم چون از چهار طرف محاصره شده بودند و از زمین و آسمان بالای شان آتش حواله میگردید مبارزین کارآگاه و ابدیده به همت توانای خویش از طریق منازل رهایش اهالی هرات معبر های باز نمودند و متواری و متلاشی گشتند و بعد از نجات یافتن از حلقه محاصره به سرعت گروه های مجاهدین منسجم و مترا کم گردیده . گروه وسیع جانب قوماندانی امنیه مارش نمودند و جمعیت انبوه و عظیمی غرض رهائی محبوسین سیاسی بصوب محبس هرات سرا زیر گردیدند .

محبس پولادین هرات :

قلعه حصار مستحکم محبس جنائی هرات که دارای چهار برج سنگی سر به فلک کشیده است وسا ختمان بزرگ و ضخیم ان که بطرز فنی و خاصی اعمار گردیده در حقیقت بزرگترین پایگاه نظامی وتهاجمی میباشد که به قسمت شمال شهر واقع است تا اغاز قیام قریه سلیمی در حدود (۳۲) محبوس سیاسی در سلول

های ان رنج می بردند و تا شب قیام حماسه ساز ۲٤ حوت تعداد
زندانیان سیاسی به (۷۵) نفر رسید که در قسمت مرکزیَ ان یعنی
در توقیف محبس۔ محبوس بودند . وبا فرا رسیدن نطفه های قیام
هر روز زنگ خطر مرگ توأم با شکنجه زندانیان سیاسی بصدا در
می امد سه روز قبل از قیام انقلاب افرین ۲٤ حوت خونین (یوم
دو شنبه ۲۱ حوت) به یک حالت خطر ناک و غیر منتظره سه
نفر از زندانیان سیاسی ، بنده قاصر ، جناب خطیب صاحب
مسجد جامع زیارتگاه و غلام حیدر پرچمی را دو نفر صاحب
منصب مسلح عسکری گوئی به اقامت گاه مرگ می بردند از
محبس خارج نمودند بعد از چشم بستن و خریطه به سر انداختن
ها بصوب نا معلوم در بین موتر لندرور با یک سلسله صحنه
سازی ها و سر انجام به زندان مخفی که ناله و فریاد و صدای
شکنجه و شلاق زدن هادر هر گوشه و کنار ان به گوش میرسید
انتقال داده شدیم هر یک ما جداگانه در سلولی که ده ها مرگ
با شکنجه واعدام اندوهگین در ان سلول های انجام شده بود به
بند کشیده شدیم تهدید مرگ ، دندان شکستن ها بذریعه تفنگچه ،
برچه زدن هاو و برق دادن های متواتر یکی پی دیگر جز تحقیق
و استنطاق مستنطقین ملحد بود هده باز پرسی هاو تحقیق روی قیام
قریه سلیمی و پس منظر پیروزی ان بود مستنطقین کمونیست
چیزی بدست اورده نتوانستند تهدید مرگ به یک ساعت بعد

اعلام گردید در اطاق (سلول) دیگر با چشمان بسته به زنجیر کشیده
شدم گمان میرفت که تحقیق و شکنجه دو نفر دیگر همسفرم اغاز
شده بود حقیقت هم همین طور بود صدای فریاد ، شلاق زدن ها ،
گوئی چشم ازچشم کشیدن ها به گوشم میرسد سیاهی تاریکی شب
به اضطراب ماجرا می افزود در نیم شب در اطاق در بسته در
کنارم جانباز راهی حق در زیر پتوی سیاه به خواب رفته بود
وجودم سراپا برق گرفته بود حرکت کردن مشکل بود ساعت
قریب ۲ بجه شب بود دریافتم که این سر باز راه حق در زیر
فشار شکنجه ملحدین در میان موج های خون به خواب جاویدانه
فرو رفته است از در و دیوار این مخفی‌گاه بوی خون و زنده بگور
کردن ها و داغ و فانه کردن ها لمس می شد و به‌مشام میرسید
قصه کوتاه دروازه باز شد گوئی به طرف مرگ رهسپار می شدیم
اما در حصار خدا (ج) بودیم سه روز مارا مهلت دادند تا چیزی
که ازما گرفته نتوانسته بودند بدست ارند و سه روز بعد مرگ به
سراغ ما حتمی بود ما را واپس با چشمان بسته به محبس هرات
انتقال دادند اینک ما را در سلول های یکی در دوهتر قید نمودند
روز های پر اضطراب را به سر می بردیم فقط انتظار لمحه آزادی
و قیام هرات مارا از مرگ نجات می داد دیگر امیدی باقی
نمانده بود روز پنجشنبه روز موعود به سرمی رسید که روز چهار
شنبه ار مغان قیام صبحگاهی خونین کفنان ۲۴ حوت فرا رسید

روزنه های امید برای رهائی محبوسین و نجات وطن به درخشیدن در امد و از جانب دیگر شب فرا رسید فضای محبس در تاریکی سیاهی شب رنگ خون و اختناق گرفت وحشت و مرگ بر چهره محبس نقش بسته بود صاحب منصبان خلقی و پرچمی و قوای عسکری چون زخمی های تیر خورده سرا سیمه در داخل زندان گوئی نسبت انتقام گرفتن یکی پی دیگر فرا میر سیدند تا نیم شب وحشت ادامه داشت شهید حافظ قلری ابو بکر ، و شهید ملنگ خان همکار و همرزم شهید گل محمد سر قوماندان علی قیام ۲٤ حوت از محبس بیرون کشیدند این انتقام جوئی ها در دیگر زندان‌های هرات بلا کشیده در همان شب ادامه داشت این ها در دل شب تا قبل از سپیده دم ۲٤ حوت به جوخه اتش کشیده شدند .

سپیده دم پنج شنبه ۲٤ حوت فرا رسید با انکه دیوار های ضخیم سربه فلک کشیده محبس ، محبوسین را از جریان قیام دورنگا داشته بود اما از شفق صبحگاهی ۲٤ حوت صفیر دلخراش اتش باری توپ و تانک های دشمن و نوای دل انگیز مجاهدین به گوش میر سید لحظه به لحظه اهنگ قیام شدید تر و نزدیکتر می گردید در حوالی قریب (۱۱) بجه قبل از ظهر در حالیکه صدای مهیب و ماتم انگیز تانک ها ، توپ ها ، ورگبار مسلسل دشمن از ماحول شهر مشتعل شده شنیده میشد ، فریاد و زمزمه

های دلنشین الله اکبر مجاهدین قهرمان گوئی ندای اسمانی در مغز و اندیشه هر مؤمن گداخته می شد عجیب اثر می گذاشت. محبوسین در بند کشیده در زیرسقف سلول های زندان چون شیرانی در زنجیر کشیده شده در میان توفان خشم خود بر افروخته و مشتعل می گشتند، راه و معبری نبود تابا برادران مجاهد خود بپیوندند. لحظه های هیجانی حساستر می شد، دقیقه ها و ثانیه ها شمار می شد. عدهٔ افراد پولیس که دارای احساس و عقاید پاک اسلامی بودند و ظیفه نگهبانی توقیف محبس را به عهده داشتند در فراز با مهای محبس رویداد و قایع عینی، بر افروخته وسیع و گسترده را یکا یک چون را پور تر های ماهرو دقیق برای محبوسین سیاسی توضیح و تشریح می نمودند قوای عسکری مسلح و مجهز (قوای ضربه) در چهار اطراف دیوار های سنگی حصار های محبس موضع گرفته بودند برج های مجس با افراد و سلاح های ماشیندار ثقیل و خفیف بطور مکفی مجهز و تعبیه شده بود. از سپیده دم صبحگاهی فضای جنبش و قیام حق طلبانه انعکاس دهنده و متجاهر به پیروزی مجاهدین بود اهنگ ظفر نمون انقلاب اسلامی به نفع مجاهدین راد مرد نواخته میشد. اخبار و اطلاعات متواتر به محبس میر سید که پایگاه ها، دژ های حکومت الحادی و دست نشانده یکی پی دیگر استیلاء و به تصرف مجاهدین قهرمان در می اید لحظه ها و

ثانیه های تلخ و بی صبرانه تمام میگردید زمزمهٔ اهنگ انقلاب لحظه به لحظه با انتهای پختگی بیشتر شنیده میشد ع‍تریک ساعت قریب اعلام (۱۱) بجه رامی نمود که صدای شور و هیجان مجاهدین جان بر کف در فضای محبس طنین انداخته بود اندام دشمن سست و به لرزه در امده و جرئت مقاومت و مقابله نداشتند . افراد پولیس از بالای با مهای محبس صحنه قیام را توضیح و تمثیل میکردند که گروه عظیم بی حد و بی پایان کاروان نور با چهره های متین و راسخ با بیرق های برا فراشته وبا شور و شعف چون تیرهای رها شده از کمان به مسیر محبس در حرکت اند ، با رابطهٔ که درمیان بود قبلاً اطلاع داده شده بود که موظفین امنیتی محبس (صاحب منصبان پولیس مدیریت محبس به جز یکنفر ضابط خلقي ، باقي همه از زمره مسامانان بودند وحتی رابطه بین مجاهدین و زندانیان سیاسي را نیز قائم کرده بودند) ازاینکه از عظمت و پیروزی رستا خیزی قیام اسلامی اگاهی داشتند تصمیم گرفته اند که قدرت مقابله را ندارند و باید بدون در گیری به مجاهدین قهرمان تسلیم شوند . افراد پولیس بالای بام توقیف مستقیماً شاهد پیشروی مجاهدین بودند که علم های بر افراشته پارچه سبز که پیشا پیش طلایه مجاهدین در جوار دیوار های ضخیم محبس در حال سبقت جوئی اند که حکایت از صلابت و سر بازی مجاهدین قهرمان تاسرحد پیروزی ..

می نمود ، و دشمن مسلح و زبون در کمین گاه های مخفی مبهوت و غرق سکوت بود ، توان رزم و مقابله نداشت ، و محبوسین در حال انفجار اخرین دقایق لحظات حساس را نسبت باز گردیدن دروازهٔ فولادین محبس انتظار بی صبرانه و عجولانه می کشیدند (از داخل محبس باز کردن دروازه ممکن نبود) صفوف فشرده مجاهدین پیکار جو در استانه بیرق های پر شکوه و پر جلال از کنار سنگر ددمنش برج جنوب غربی محبس بدون برخورد پیشروی نمودند رمز فتح و پیروزی مجاهدین یک بار دیگر اشکارا گردید جمعیت انبوه مجاهدین فاتحانه به نزدیک برج جنوب شرقی محبس رسیده بودند (یک عدهٔ کمی از مجاهدین خود هارا به دروازه محبس رساندند و مدیریت محبس را سنگباری نمودند) ناگهان اواز کف زدن های غیر مترقبه بکوش رسید این کف زدن های که ار مغانی از پیروزی را تمثیل میکرد در واقعیت امر خنجر و حربه غافل گیری بود که پیروزی مجاهدین را به فاجعه شکست و عقب نشینی توأم با تلفات سنگین مبدل نمود اولین و اخرین اشتباه (خبط سیاسی) انقلابی بود که مجاهدین در عین فتح فرصت پیروزی را چون ابر های زود گذر بهاری به اسرع وقت از دست دادند و نقشه باز گردانیدن دروازه محبس که ذریعه جانباران در بند اسارت طرح ریزی شده بود نیز نقش براب و خاکستر زیر اتش گردید .

تر فند قضیه صحبت ازین نقشه مرموز داشت که خلقی های مکار ، پیروزی مجاهدین را بلا وقفه مشاهده کردند ، به عجله دست به یک توطئه و حیله زدند ، بر فراز تانک زر هپوش دو پارچه بیرق سبز نشان اسلامی بلند نمودند و تانک از عقب به عنوان همبستگی و کمک به صفوف مجاهدین نزدیک میگردد. مجاهدین مبارز بدون رعایت و هوشیاری انقلابی ، که در مرحلهٔ اول باید تانک را خلع سلاح می نمودند و یا رهبری تانک را بذریعه یکی دو مجاهد مسلح در داخل تانک در کنار پرسونل فنی ان به قبضه خود می اوردند و این کار را نکردند و بایک لحظه خبط ، نه تنها تانک دشمن را استقبال نمودند بلکه با کف زدن های ممتد تانک را در پیشا پیش صفوف خود ها حساس ترین موقعیت را دادند . تانک محیل با استفاده از اخرین فرصت به مجردیکه در جلو صفوف مجاهدین در محل برج جنوب شرقی محبس نزدیک دروازه محبس سنگر میگیرد عوض انکه دروازه محبس را مورد هدف قرار دهد بلا درنگ بر میان صفوف فشرده مبارزین پاک طینت متواتر اتش باری می نماید و در اولین ضربه در حدود (۲۰۰) نفر مبارز جام شهادت را نوش می کنند آتش جنگ شعله ور می گردد ، همین لحظه خطرناک است که عساکر و صاحب منصب های مبتلا به مرض ترس و سکوت یأس جرئت میگیرند بی درنگ به تیر اندازی و شلیک رگبار

مسلسل دست اندر فعالیت خصمانه می شوند برج های محبس از بهترین پناه گاه های مخفی سنگر مستحکم خود با سلاح های ماشین دار ثقیل به آتش باری آغاز می نماید و نیز تعداد چند تانک و توپ دیگر هم به میدان کار زار فرا خوانده میشود . میدان معرکه و صحنه نبرد جانبین چنان به شدت و صلابت ادامه پیدا مکرد که گوئی از فضا و کهکشان بیکران نبرد زمین و اسمان آغاز گردیده است و مجاهدین قهرمان با سلاح های معمولی خودها (تفنگ پنج تیر ، شش تیر ، برنا‌و و ژسه) مردانه وار چون چریک های ور زیده چیره دست و کماندو های تعلیم یافته و ماهر با انتهای رشادت و زبردستی در میدان کار زار بدون بناه گاه و سنگر به نبرد شدیدی علی رغم توپ ها و تانک ها و ماشین دارهای خفیف و ثقیل و رگبار مسلسل دشمن ادامه و دوام دادند و شعله های آتش جنگ به شدت خود زبانه می کشید ، و یک نفر ضابطه خلقی در حدود بیش از ۲۵ نفر مجاهد زبر مردرا به شهادت می رساند و تعدادی هم مجروح و به خون اغشته می نماید که یک نفر مجاهد کهن سال ولی متین و اسطوره مقاومت ، ضابط خیانت پیشه را با تفنگ قدیمی خود شدیداً مجروح نموده و به خاک و خون می غلطاند . و میدان نبرد چنان وحشت انگبز شده بود که ملیون ها مرمی ، رگبار و خمپاره انداز در میدان کار زار شلیک شده و بصدا در می اید و

بدون لحظه سکوت و ارامش هزار ها مرمی و گلوله محرق و اتشین از در و دیوار و فضای برق اسا به چهار جهت ردو بدل می شد گوئی فضا و کهکشان به غیظ و غضب در امده در عوض رگبار ژاله و باران به شدت مرمی و گلوله های آتشین به زمین فرود می اورد و مجاهدین جانبازو راد منش با عزم راسخ و متین خود توانستند که درین ازمون نبرد آتش و خون ، مشت و تانک و توپ بیش از یکنیم ساعت دلیرانه مقاوت نمایند و پاسخ دهند و بیش از (۸۰) تن شهید قلب تاریخ را درین معرکه متحمل شدند و سنگین ترین قربانی و تلفات را با سینه های برهنه و مملو از ایمان در سر زمین حماسه های همیشه جاوید هرات ارمغان داستان های بی نظیر باقی گذاشتند. مسلماً تعداد کثیری هم مجروح و زخمی گشتند . صحنه سازی و توطئه دشمن حیله گر و موقعیت حساس استراتیژیکی محبس ، میدان کار زار رابه جای می کشاند که مجاهدین ناگزیر عقب نشینی نموده و متواری می گردند.

جبهه پایداری حوزه شرق هرات :

اهالی جانباز و مجاهد قراء اطراف زامی کوت ، قریه شاطر رباط نو ، چونگر ، شیدائی ، پل خیمه دوزان ، جکان و نواحی دور دست قصبه های کورت ، نشین ، سیوشان ، امام شش نور، سراسیاب ، ساوه ، تریاک ، عبدل اباد ، و پل رگینه چون شاهین

متوالی در ۸ جوزای ۱۳۵۸ با خنجر ملحدین کمونیست رهسپار زندگی نامه جاویدانه می گردند.

این موج های خونین نهضت اسلامی ، صفحهٔ تازه و افتخار افرینی را در تاریخ ازاده و شکوهمند افغانستان قهرمان باز نموده بود و فریاد جوانان از قلب سرشار از ایمان و داغدیدهٔ جامعه سرشت میگرفت ، در پس منظر خورشید خونین این سپیده دم های عاشورا ها ، سایه های سیاه و شرک الود اختناق دکتا توری زما مدار دیوانهٔ قدرت (داود) را بیشتر خشمگین مینمود و فریاد های نهضت اسلامی در گلو با خنجر حکومت بریده میشد عرصه مبارزه تنگ شده بود کاروان هجرت یاران جانفدا نهضت اسلامی همرائی مجاهد دانشمنداستاد ربانی در اوائل سال ۱۳۵٤ به سوی بیرون از مرز رهسپار ساختن هسته دیگری در عقب جبهه شده بودند.

این پی امدها در پس منظر ان ابرهای سیاه و شؤم نطفهٔ کمونیزم ، ان روز سیاه ماتم انگیز ۷ ثور ۱۳۵۷ امپریا لیزم حیله گرغدار و جهانخوار روسیه که فاجعه کودتای خونین و ننگین کمونیستی را در میان اتش و خون بهپا ایستاده کرد بوجود اورد و خواست که فرهنگ و عقاید پاک جامعه اسلامی افغانستان مسلمان افرین را هم در زیر چکمه های تانک و توپ و بمب های اتش افزا و شیمیائی به غارت و یغما برد ،

های بلند پرواز جانبازانه به کمک مجاهدین میدان کار زار نواحی شهر و محبس فرا میرسند و صفوف متلاشی شده مجاهدین محاذ در گیری محبس ، در عقب محبس به همبستگی یک تعداد افراد مبارز و مجاهد دیگر قراء و قصبه های نواحی شرق هرات واپس منسجم شده و با تشکیل یک جمعیت فشرده و انبوهی به جانب هوتل پارک و هوتل هرات که مقر روس ها بود چون سیل خروشان در حال حرکت و غلیان در می ایند در قسمت چهار راه تانک پطرول مورد اصابت آتش باری و شلیک توپ ها و تانک های که در مسیر راه لنگر انداخته بودند قرار میگیرند صحنه کار زار و محاذ در گیری سیمای از آتش و دود و جهنم سوزان را تمثیل کرد و جانبازان راه حق بعد از دادن تلفات خونین در مقر هوتل با مسارعت زیاد هجوم می آورند در حالیکه روس های زبون و فتنه انگیز قبلاً این محل بودوباش خود ها را سراسیمه ترک داده و تخلیه نموده بودند و مجاهدین رزمنده چون اسطوره های مقاوم تاریخ مسیر کار زار را به جانب درب خوش و قوماندنی امنیه تغییر جهت داده تابه صفوف برادران خود در آن محل بپیوندند .

مجاهدین رزمنده و ابدیده از کار زار نسبت جلو گیری از تهاجم وحشیانه تانک های روسی در جاده باد مرغان درخت های ناجو (کاج) را قطع کرده درمیان جاده راه بندی می کردند

درمیان جاده باد مرغان از تعمیر هوتل حاجی عبدل کاریز صوف که لانه عمال کمونیست قرار گرفته بود متواتر مورد رگبار مسلسل و آتش دشمن اسلام قرار میگیرند . شیفتگان شهادت راه حق با تحمل تلفات سنگین ، برین لانه جاسوسی مزدوران کمونیست غلبه حاصل می کنند و همین کانون و مرکز فساد را از لوث وجود این جنایت پیشه های حرفوی پاکسازی می نمایند . در محل درب خوش سیل مهاجمین راه حق شدید ترین تلفات را متحمل شدند ، چون دو نفر روس و چهار نفر خلقی مزدور در هوتل باد غیسی مخفی گردیده و از همان پناه گاه مخفی متواتر بالای مجاهدین آتش باری می نمودند که در پی آمد های این نا گواری بیش از (۱۰) نفر از مجاهدین دلیر به شهادت میرسند و سر انجام دو نفر از راد مردان مجاهد سید غفور (شهید) و شیراقا چونگر از عقب هوتل بادغیسی معبری باز نموده و با سرعت عمل ورشادت بی نظیر به داخل هوتل هجوم آورده دو نفر روس های متجاوز و چهار نفر خلقی های وطن فروش و ملحد

---

* شیراقا چونگر در معرکه رستاخیزی ۲۴ حوت ، حماسه های از خود ارمغان گذاشت مع الاسف بزودی به دامن کمونیست ها فرو رفت و خطر ناک ترین نقشی را علی رغم نیروی جهادی حوزه غرب بازی میکرد و درین او اخر به نصرت خدا (ج) و جانبازان راه حق به جهنم ابدی فرو بوده شد .

را به قتل میرسانند و اجساد منحوس این جنایت پیشه ها را از خارج هوتل به محضر عام می اندازند تا خار چشم روس ها و عوامل مزدور آنها قرار گیرد و ازین سنگر متواتر بالای قوماندنی امنیه باچیره دستی و مهارت خاص آتش باری مینمایند . و از جانبی یک عده خلقی های زبون از مخفی گاه های منازل خود بالای مجاهدین آتش باری می نمودند کن در کوچه خواجه عبدالله مصری یک نفر مزدور و ملحد بنام کیوان معاون لانه جاسوسی دستگاه سمپاشی اطلاعات و کلتور ، از یک سوراخ مخفی خانه خود در حدود ۱۵۰ نفر مجاهد جانباز را مورد هدف قرار داه و به شهادت همیشه جاوید میرساند .

مکتب تاکی که یکی از لانه های تبلیغاتی کمونیست ها بود ، مرکز و هستهٔ زهرا گین سا زمان جوانان خلقی ملحد را تشکیل میداد دریک لحظه برق اسا مورد تهاجم فریفتگان آزادی قرار میگیرد و بی درنگ به آتش نا بودی فرو برده میشود .

اگر چند صد متر بالاتر از درب خوش نظر اندازیم که درسپیده دم صبح هماهنگ دیگر محاذ های در گیری ، در فلکه کارته سهیر درب خوش در آغار در گیری ، آهنگ رزم محاذ پیکار جویان مجاهد گرمی و شدت خاص گرفته بود که در آغوش راد مردان ، شیر بچه های مجاهد صحنه در گیری را حرارت و هیجان و جبروتی و ملکوتی بخشیده بودند جگرن محمد افضل امر جنائی

محل بلا وقفه بقتل میرسد هر چند این صاحب منصب پولیس خلقی نبود اما نا خود آگاه در خدمت مزدوران کمونیست قرار گرفته بود .

در میدان کار زار درب خوش تعداد هنگفت خلقی های بی ایمان و مزدور کشته و نابود میشوند و اکثراً مخفی گاه های خود را با سلاح های خود رو خویش ترک داده و متواری می گردند و تعدادی هم به آخرین پناه گاه دژ طاغوتی در کنار دیگر مزدوران وطن فروش در قوماندانی امنیه تحصن می ورزند و قوماندانی امنیه که در مقابل موقعیت حساس و مستحکم خود با چندین حلقه خط تدافعی تانک و توپ و سلاح های مدرن قوای عسکری و قطعه منتظره امنیه و پولیس حمایه می گردید تمام سردمداران خلقی های مزدور و خلقی های متواری درین دژ تحصن جسته بودند و از آغاز قیام حماسه افرین قوماندانی امنیه به محاصره جانبازان اسلام در آمده بود البته با فرا رسیدن صفوف مجاهدین درب خوش حلقه محاصره قوماندانی شدید تر شده و تهاجم و حمله های پیگیر مجاهدین از آغاز قیام تا تاریکی شب در بالای قوماندانی امنیه به شدت ادامه داشت و جانبازان مکتب توحید سنگین ترین تلفات درین معرکه و حلقه محاصره متحمل می شدند .

فرزندان رشید نهضت اسلامی بخاطریکه به مقام مقدس

مسجد جامع باعظمت هرات ، از جانب دشمن و ملحدین بی
حرمتی و تخریب نگردد در حالیکه بهترین و مستحکم ترین
موقعیت استرا تیژی نظامی داشت در فراز مناره های شاهق آن
سنگر نمی گیرند و دشمن محیل از آخرین فرصت استفاده می
نماید در تاریکی سیاهی شب درین پناه گاه و سنگر با عظمت
بزرگترین موقعیت را احراز میکند و ازینکه از آغاز قیام قوماندانی
امنیه در حلقه محاصره راد مردان مجاهد قرار داشت فریفتگان راه
حق در مقابل آتش افروزی های متواتر قوماندانی امنیه صرف د
صحن پارک گل های مسجد جامع عظیم ترین تلفات را متقبل
میشوند و بیش از (۵۰) پا کباز گلگون کفن گل های لاله بهشتی
غرق در خون رهسپار زندگی همیشه جاوید می گردند و ازین لالا
زار ها حماسه های خونین داغ های جاویدانه باقی می ماند
ازینکه خلقی های محاصره شده از موضع های مخفی و حساس و پنا
گاه های بامهای قوماندانی امنیه بالای جمعیت انبوه مجاهدین
متواتر آتش باری می نمودند خطوط تدافعی تانک ها و توپ ها
از پیشروی مجاهدین جلو گیری می نمود مجاهدین تهی دست
با تحمل تلفات سنگین بازهم نمی توانستند که به حصار پولا دین
قوماندانی امنیه نفوذ و رخنه نمایند هر چند جانبازان اسلام
از درب خوش و از بالای بامهای خانه های رهایش نزدیک
قوماندانی و از فراز باره نزدیک کوچه صاحب زاده صاحب با

انتهای مهارت و چیره دستی ضربه وارد می کردند که تعدادی افراد خلقی را هم بقتل رساندند .

میدان کار زار و معرکه جنگ در چهار اطراف قوماندانی امنیه شدت و حرارت خاصی داشت و در اولین لمحهٔ آتش جنگ در مقابل درب شمالی مسجد جامع با عظمت یک عراده موتر جیپ روسی مسلح در زیر چکمه های فولادین جانبازان نهضت اسلامی به آتش کشیده میشود و سرنشینان آن به دیار نیستی فرو برده میشوند و به تعقیب آن یک عراده موتر سرخ اطفائیه که دارای ۲۰ نفر مسلح نظامی بود بی درنگ در حلقه محاصره کفن پوشان مجاهد احاطه میگردد افراد آن خلع سلاح گردیده بعد از التماس زاری و ندامت کشیدن رها میشوند و موتر اطفائیه طعمه حریق میگردد .

در همین لحظه های حساس و از مون جبهه حق و باطل ، افراد نظامی هم بودند که صحنه کار زار را تخلیه نمودند در کوچه گدام جوار مسجد جامع سلاح و تفنگچه های دست داشته خود را به مردم و جانبازان حق میدادند تا دشمن مشترک خویش را با حمایه مجاهدین از پا در آورند . بازهم معرکه به انجام نرسیده بود ، البته مجاهدین جانباز و دلیر توانستند که حلقه محاصر قوماندانی امنیه را تا تاریکی شب حفظ کنند تارکی شب فرا رسید اکثر جانبازان اسلام سنگر ها و مواضع حساس

شهر را که فاتحانه بدست گرفته بودند به امید اینکه بر دشمن چیره و غالب شده اند بواسطه گذشتاندن شب به منازل خود دور از شهر چون غازیان فاتح از معرکه بر گشتند و بعضی از مجاهدین جان بر کف به فکر اینکه پیروزی نهائی را به دست آورده اند و دشمن متواری را دیگر یاری باز گشت در میدان کار زار نیست ، مجاهدین فاتح به قرا و قصبه های خود عودت کردند از جانبی فضا توفانی شده بود از آسمان ریزش باران به باریدن آغاز کرده بود ، نیروی هوائی دشمن شکست خورده از حوالی بعد از ظهر به بعد در اجتماعات مبارزین و نواحی شهر به بمب باری و آتش باری متداوم دست به گریبان بود گوئی با فرا رسیدن شب همه عوامل زمین و آسمان به نفع دشمن متواری هماهنگ شده بود و دشمن در حالیکه در روز روشن در سوراخ های تاریک پنهان شده بود سخت در کمین فرصت بود . و تعداد وسیع از مجاهدین هم جهت ادامه پیکار و غلبه نهائی بر دشمن ، شب را در حصار های مساجد که بهترین پایگاه ایدیولوژیکی و عقیدتی خود میدانستند تحصن جسته و در حدود بیش از یکنیم هزار افراد مبارز در داخل مسجد جامع شهر بدون تحفظ امنیت ، ساختن سنگر ، و تدارکات نظامی و یا موضع گرفتن در منار های سر به فلک کشید مسجد جامع ، نا خود آگاه خود ها را در حلقه محاصره دشمن مجهز با تانک و توپ اسیر کردند در حالیکه

قبلاً دشمن محیل در مناره های مسجد جامع سنگر گرفته بود . البته هماهنگ شدن همچو زمینه های نا ساز گار و غیر مترقبه از نبودن حد اقل یک رهبری منظم و عدم پلان و بر نامه در مسیر قیام همگانی ملت مسلمان مجاهد حماسه افرین بود . تاریکی شب که گلیم سیاه خود را روی شهر گسترده بود خائنی های سست عنصر و فرصت طلب که در روز روشن در هر گوشه و کنار شهر در سوراخ های تاریک برای بقاء حیات خود پناه برده بودند با استفاده از تاریکی شب از لانه های خوذ بیرون می شوند بذریعه قوای تازه دم عسکری بعضی مواضع شهر و شاهراه های عمومی و نقاط استرا تیژیک شهر که مجاهدین تخلیه نموده بودند واپس به تصرف خود در می آورند و بروایتی یکنیم هزار افراد مجاهد و جانباز داخل مسجد جامع را دست بسته و غافل گیرانه بذریعه قوای تانک و توپ و نفر برها در مقر قوای نمبر (١٧) زلمی کوت فرقه هرات انتقال میدهند در همین تاریکی شب است که ایادی مزدور و ملحد در مناره های مسجد جامع موضع و سنگر می گیرند و از سنگری که تادیروز آنرا افیون ملت ها می گفتند حالا در تاریکی شب به آن پناه می برند و از مناره های آن تا آخرین روز قیام گلگون کفنان ، بالای امت مسلمان و مجاهدین راد مرد آتش شلیک می کنند . و همچنین با استفاده از تاریکی شب از میان جاده ها تعداد از نعش های خود ها را

در حال وحشت و اضطراب و سراسیمگی برداشته و زخمی ها و مجروحین خود را به شفاخانه ملکی غرض مداوا انتقال داده و داخل سرویس های جراحی و معالجه قرار میدهند و در عوض آن مریض های داخل بستر را به یک حالت رقت بار و بیرحمانه از بستر بیرون انداخته و یک تعداد زخمی ها و مجروحین هنگفت و بی شمار مجاهدین را با یک عده اسرای ، تا صورت ممکن به جوخه آتش و حتی زنده به گور می نمایند و یکنیم هزار اسرای مسجد جامع را نیز می خواستند که به جوخه آتش بکشند اما آهنگ سرعت زمان (ضیقی وقت) برای شان اجازه ارتکاب این همه جنایات را نمیداد چه نهایت مضطرب و سراسیمه بودند که با طلوع سپیده دم یوم جمعه باز مورد حمله و هجوم برق اسا مبارزین و فاتحین معرکه ۲٤ حوت قرار بگیرند و با استفاده از زمان و تاریکی شب برای مقابله علیه مجاهدین قهرمان تا صورت ممکن نیروی شکست خورده و مورال (روحیه) از دست داده خود را از عقب جبهه اماده و تدارک می نمودند . و نیروی هوائی تا نیم شب بذریعه مرمی های رسام نواحی شهر و جاده عمومی شهر نو و مسیر ولایت و اطراف قوماندانی امنیه را یکنواخت آتش باری می نمود .

۲۵ حوت جمعه خونین کفنان ۲٤ حوت :

صبح جمعه قبل از آنکه شفق خورشید روی زمین و بر

بستر انوار خون آلود شهدای اسلام پهن و گسترده گردد راد مردان مبارز، مجاهدین مملو از ایمان و اشفته به میهن از هر گوشه و کنار به سوی مواضع شهر و سنگر های جهاد پر شکوه سیل آسا سرازیر میشوند و با عساکر تازه دم تن به نبرد و پیگار آتشین رگبار مسلسل توپ و تانک در میدهند و با سر بازی دلیرانه و قبول قربانی که حماسه های جاویدانه تاریخ باقی خواهد ماند مواضع حساس شهر را یکی پی دیگر دوباره به تصرف خویش در می آورند و حصار قوماندانی امنیه آخرین دژ مستحکم غارتگران کمونیست باز درمیان موج های خونین و خشم فزاینده مجاهدین محاصره میگردد ، در محل درب خوش جمعیت عظیم مجاهدین به صوب صفوف قوماندنی امنیه در حرکت می شوند که خلقی های بوقلمون آراسته به لباس مجاهدین ، مسیر جمعیت مبارز را با حیله و صحنه سازی متوجه کوچه پخته مصالح سرک زیارت خواجه محمد تاکی می سازند و جمعیت انبوه مجاهدین غافل گیرانه در کوچه پخته مصالح در مقابل آتش باری تانک زرهپوش و رگبار مسلسل خائنی های مخفی شده قرار میگیرند که در نتیجه این توطئه بیش از (۱۵۰) تن مجاهد زندگی را وداع می گویند و نام شان در قطار شهدای جانبازان اسلام ثبت اوراق ملکوتی میگردد و باقی مجاهدین اسطوره های مقاومت به صفوف مجاهدین که إطراف قوماندانی امنیه را محاصره نموده

اجیران کمونیست ، دشمن دیرینه اسلام ، موضع خصمانه و در گیری جنگ عقاید را با ملت مسلمان افغانستان پاک فطرت اغاز کردند و این ماتمسرای عصر ، هجوم تازه نبود اگر به یک صفحهٔ تاریخ قبل از امروز نظر اندازیم خیلی ناگوار و تلخ و زجر دهنده لمس می کنیم که کشور های مسلمان جنوب اسیا دائم همچون افغانستان مردخیز مورد تاخت و تازه بیرحمانه همسایه شمالی خود بوده و هنوز ناله غم انگیز مرو ، خیوه ، پنجده ، بخارا ، سمرقند ، و تاجکستان و از بکستان (ترکستان) همچو ناله های ماتم الگیز فرزندی که به نیزه دشمن ملحد خون الودسی شود و ازپستان مادر داغدیده جدا میگرددو در سیمای غم الود پیکر اسیا در بحوحه های تاریخ تزار ها لنین ها این حادثه های داخراش خیلی مشاهده میشود. خوشبختانه یگانه کشور افغانستان مسلمان و مرد خیز در دل اسیا این طلسم های و افسانه های دکتاتوری و کشور گشائی را هم اکنون در هم می شکند و پوزهٔ روسیه جهانخوار را به خاک می مالد . البته هر چند ملت مستضعف افغانستان استعمار زده و بلا کشیده بی سرو سامان بوده ولی در جنگ عقاید و لشکر کشی روسیه ملحد در افغانستان طاغوت شکن از سال ۱۳۵۷ به بعد چون را دمردان فاتح تاریخ عمر وار وعلی گونه و ابو ذر روش جبهه پایداری و مبول متاوست

بودند می پیوندند و جانبازان مجاهد با قبول تلفات و قربانی سنگین هر لحظه حلقه محاصره را فشرده می نمایند .

صفوف مبارزین راه حق در هر گوشه و کنار شهر به مجردیکه به بقایای عساکر فریب خورد ویا خلقی های شکست خورده مواجه میشوند مسرعانه میدان نبرد بی امان را اغاز کرده به اخرین بقایای خلقی ها خاتمه میدهند . در قریه جکان غلام رسول یک اجیر استخدام شده و پسر خلیفه امیر خیاط معاون لیسه مهری در حالیکه در ۲۵ حوت خونین یک موتر زیل هشت سلندره مملو از سلاح به لانه خود اورده بود جانبازان راه حق را از مخفی گاه تاریک وپر از جبن و ترس از سر پل جکان مورد هدف قرار داده و درین پی امد های ناجوان مردانه مجاهدین قهرمان ضایعات سنگین را متحمل شدند و با هجوم مرد افرین مجاهدین دلیر این غلام حلقه بگوش در زیر نقاب چادر صحنه را تخلیه نموده و فرار می نماید .

در حالیکه پیکار حق و باطل در تمام نواحی شهر به نفع مجاهدین دلیر ادامه دارد گروه انبوه از مبارزین فریفته مکتب شهادت از نواحی مجاور زیارت میر سلطان عبدالواحد شهید بصوب مرکز شهر با جوش و خروش سر شار از احساسات گرم اسلامی در حرکت بودند که از عقب زیارت مورد آتش باری قوای توپ خانه و سلاح های اتو ماتیک مسلسل قرار میگیرند

که در اثر آتش باری متواتر قوای توپ خانه دشمن ، تعداد (۱۳۰) تن از مجاهدین به خاک و خون یکسان می شوند و تعداد زیادی هم زخمی و مجرح می گردند و هر گز آتش افروزی دشمن ودادن قربانی زیاد مجاهدین مانع از پیشروی و نفوذ مجاهدین در داخل شهر نگردیده و جانبازان راه حق چون سیل خروشان به داخل شهر رخنه می نمایند . و نیز یک مزدور سر سپرده بنام حاجی معلم از پناه گاه مخفی منزل خود که اجتماع جانبازان اسلام و میهن را مخفیانه مورد رگبار مسلسل واتش باری های متواتر قرار میداد و تعداد زیادی مجاهدین دلیر درین سؤ قصدنا جوان مردانه به بهشت جاویدانه پیوستند و مجاهدین قهرمان با یافتن این لانه فساد برق اسا این جرثومه فساد و مماو از جنابت را به کیفر اعمال ان رسانیده و نعش متعفن انرا در فلکه دروازه قندهار در مقابل انظار عامه تا دو روز بدر ختی اویزان می نمایدتا مایه پند و عبرت و خار چشم برای عناصر منحد و متجاوز گردد در روز جمعه طیاره دشمن دیرینه به بالای اجتماع ناظر این صحنه بمب پرتاب می کنند که در اثر ان بیش از (۴۰) نفر مسلمان به شهادت می رسند .

در حقیقت این رستا خیزی برحق از میان عقاید جامعه و ساخت اجتماعی جامعه بافت عمیق گرفته بود که در نفس خود همه امت مسلمان هرات دوران ساز قهرمانانه درین تحریک

اسلامی سهم فعال داشتند حتی زنان تاریخ افرین و نوجوانان اطفال که محصول نسل انقلاب اسلامی اند بنوبه خود با ارزش ترین کاروانی ها را انجام دادند چه همین فرزندان نسل خورد سال انقلاب بود که بیرق های سبز اسلام را در پیشا پیش صفوف مجاهدین حمل می نمودند وبا شعار های گرم خود صحنه هیجانی را هیجان تر می نمودند و زنان دلیر و قهرمان بودند که زخمی های میدان کار زار را تیمار داری می نمودند و برای پناه دادن مجاهدین در حریم خانه های خویش بهترین پا سداری از جهاد و نگهبانی از پا سدارن جهاد می نمودند .

در حقیقت روز جمعه روز فتح و پیروزی جانبازان حماسه افرین در تمام نواحی و مواضع شهر بود اهنگ شادی تؤام با اتن های ملی و نثار گل نواخته می شد و حتی مبالغی هنگفت برسم شادیانه افتخار افرین مجاهدین به فضا باد می شد . شرینی و چاکلیت و نقل از در و دیوار و با مهای به بالای صفوف مجاهدین چون باران رحمت سرا زیر می گردید بیرق سبز ارمغان فتح جانبازان اسلام در چهار راه شهر نو باقبه بلند و افتخار افرینی به شکو همندی خاصی برا فراشته شده بود .

نیروی زمینی دشمن در تمام مواضع شهر سخت شکست خورده بود نیروی هوائی میگ های غول پیکر میگ (۲۱) میگ (۲۳) وهلیکو پتر های گنشپ در فراز شهر بامتان ،

گهواره علم و ادب به پرواز در امده بود در مهد علم و اماکن مقدسه و اجتماعات مردم اتش و خمپاره حواله می نمود ، هرات گهواره علم به اشیانهٔ اتش کشیده و ویرانه ماتم انگیز تبدیل شده بود اطفال معصوم در زیر ایوان خانه های منهدم شده طعمه حریق می شدند در اثر بمباری بیر حمانه دشمن در نهر کار بار یک در بند حویلی منهدم شده و سر نشینان ان طعمه حریق می گردند و چندین خانه و حویلی دیگر خساره مند و متضرر می شوند ، آتش باری متواتر دشمن به شدت ادامه دارد ، بمبهای خانما نسوزی در نواحی کار بار ، اسیاب کاوخی ، بکر اباد ، باد مرغان ، غور درواز ، محله نو ، کلاب ، پل رگینه ، با غدشت ، گازر گاه شریف ، تخت صفر ، زیارت مولانا عبدالرحمن جامی ، برامان و شهر نو یکنواخت از فضا به زمین پر تاپ می گردید ، اکثر و اغلب این بمب ها از نوع بمب های مخرب و مهیب و حتی از بمب های اتش افزا بود .

در محل پل رگینه در بالای جمعیت مجاهدین در اثر پر تاب نمودن بمب مهیب تعداد (۱۲۶) نفر دریک لحظه به شهادت رسیدند و به روایتی دیگر (۱۷۰) نفر شهید گردیدند .

در جوار پل رگینه قریه جکان با انداختن بمبی تعداد ۷۲ تن مجاهد به خاک و خون اغشته شده جام شهادت را نوش کردند . اگر کمی دور نگاه [illegible] این جنایات پیشه های حرفوی

نمائیم در اثر انداختن بمبی در کال تریاک بالای مجاهدین راهی شهر تعداد زخمی شده و به خون اغشته می گردند . عجیب این جرثومه های پرچمی و خلقی های ملحد و وطن فروش که دائم سنگ به اصطلاح وطن پرستی را به سینه می کوبیدند فریاد و ناله های هزاران افغان به خون تپیده و زجر دیده در زیر چکمه های همین مدعیان و حامیان عوام فریب کمونیست در گلو خفه و بریده میشود ، باز هم سنگ مردمی بودن را به سینه می کوبند . و اینک در هر گوشه و کنار هرات یکپارچه افروخته و گداخته شده اگر جمعیتی محدودی (غیر نظامی) را می بینند زیر اوار بمب های اتش افزا نابود و امحا می نمودند چنانچه در قریه سروستان تعداد افراد محدودی که نعش یک شهید گلگون کفن خود را دفن می نمودند وبی گمان از فضا مورد اصابت بمب قرار میگیرند که تعداد (٥) نفر بیگناه به شهادت میرسند و تعداد (٩) نفر زخمی و مجروح می شوند .

در صفحه دیگر تاریخ جانبازان قهرمان از سپیده دم جمعه خونین تا گستردن گلیم سیاه شب در تمام مواضع و سنگر های شهر مسلط بوده اند و قوماندانی امنیه در حلقه محاصره راد مردان مجاهد لحظه های تلخی را سپری می نمود و خلقی های زبون به سجردیکه از پناه گاه های مخفی قوماندانی امنیه سر بلند می نمودند بی درنگ با اصابت مرمی جانبازان چیره دست به دیار

نابودی سپرده می شدند .

تاریکی مدحش و قیر گون شب فرا رسید طیاره های میگ سریع السیر در فضای شهر به پرواز در امد در تمام مواضع شهر و اطراف قوماندانی امنیه سر سام اور رگبار مسلسل و مرمی های رسام حواله می نمود اتش افروزی تانیم شب ادامة داشت و مجاهدین دلیر چون حماسه های جاویدان در دل شب تا سپیده دم پاسداری از میهن می نمودند . صبح دگر گونی قیام به نفع مجاهدین جان برکف فرا رسیدنی بود اردوی جانباز قوای نمبر (۱۷) هرات طاسم اسارت را درهم می شکست اعلام جهاد می نمود روز شنبه صفحه جدیدی در قیام ظفر نمون راد مردان راه حق ارمغان می گذاشت . حالا بخاطر تکمیل نمودن ادامه این نوشته ، رستا خیزی ولسوالی های هرات را در عرصه این دو روز حماسه های مردخیز بررسی می نمائیم و بعد به سراغ حماسه های اردوی قهرمان هرات میرویم .

قیام ولسوالی پشتون زرغون :

ولسوالی پشتون زرغون در جنوب شرق هرات واقع بوده و در حدود (۸۰) کیلومتر از مرکز فاصله دارد. اولین خطه بود که نطفه قیام ازین سر زمین افتخار افرین بارور شده بود ، قریه سلیمی اولین گام رستا خیزی غلبه نور بر ظلمت را یوم چهار شنبه ۹ حوت (جریان قیام قبلاً توضیح شده) علیه دشمن ملحد

اغاز نموده بود .

زمانیکه زمزمه رسا خیزی قیام گلگون کفنان ۲٤ حوت در مرکز هرات تبلور می نماید اهالی رزم دیده ولسوالی پشتون زرغون از قراء و قصبه های مجاور به مرکز ولسوالی هجوم می اورند عوامل مزدور و قوای مجهز و مسلح دشمن در پناه گاه های بام محبس ولسوالی موضع میگیرند و به اتش باری اغاز می نمایند . سنگر گزینان دلیرو رهروان مکتب شهادت چون کوهپایه های مقاوم در دور و بر ولسوالی لنگر می اندازند و قوای دشمن را در حلقه محاصره سخت می فشارند در اولین ضربه زندان ولسوالی را درهم می شکنند فرزندان مؤمن که در سلول های ان شکنجه می شدند و به میخ کشیده بودند ازاد می شوند، نیروی هوائی دشمن زبون و سراسیمه مواضع مجاهدین و ماحول ولسوالی را به شدت اتش باری می نمایند میدان نبرد تا تاریکی شب ادامه دارد ، غلام محمد فدائی ولسوال پشتون زرغون که چند روز قبل سه نفر مسلمان را که در محضر عام به جرم قیام حق طلبانه به جوخه اتش می کشد و چند نفر را تابه گردن زنده به گور می کند حالا چنان در مقابل رستا خیزی غلبه نور بر ظلمت خوار و زبون شده بود که ولسوال جلاد و دیگر ایادی کمونیست با استفاده از تاریکی شب خود ها را ازبام ولسوالی بیرون انداخته از منطقه فرارکرده و متواری می گردند ،

و در پر تو رشادت و قربانی های جانثار سر بازان اسلام ، اداره ولسوالی پشتون زرغون بتصرف مجاهدین دلیر در می اید وصفحات تاریخ شکوهمند این دیار را افتخار تازه می بخشند .

قیام ولسوالی غوریان و زنده جان :

ولسوالی غوریان قبل از قیام شکو همند ۲۴ حوت ، در ۱۸ حوت قیام گسترده را ببار اورده بود (قبلاً بطور مفصل تحریر گردیده) که در استانه درخشیدن مبارزه بزرگ قیام ۲۴ حوت ، در ولسوالی غوریان قیام مردم دم تازه میگیرد .

در ولسوالی زنده جان در ۱۹ حوت قیام همگانی (قبلاً مفصل درباره صحبت شده) مردم دلیر ان دیار چنان جان میگیرد که دریک خیزش و حرکت برق اسا تمام ولسوالی به قبضه جانبازان اسلام در می اید . و در ان هنگامیکه پیروزی سنگر گزینان با ایمان ۲۴ حوت در دل تاریخ حماسه ها ثبت جاویدانه دلنشینان جهاد مقدس میگردد جانبازان فدائی خط اسلام در ولسوالی زنده جان باز هم وقوع قیام را قوام می بخشند ولسوالی را یکسره به قبضه خویش در می اورند عوامل مزدور و خائن ها را در هر لانه و بیشه دستگیر می نمایند در داخل مساجد ایشان را دعوت به‌اسلام نموده مراتب به‌جانمودن توبه و ندامت کشیدن بالای شان تطبیق می کردند این فریفتگان اسلام در حقیقت دشمنان سر سخت خود عبارت از

اسرای خلقی و پرچمی های جنایت پیشه را با جاری نمودن کلمه حق نه تنها از مرگ نجات می دادند بلکه در لحظات قدرت امنیت شانرا هم تأمین و تضمین می نمودند برعکس نیردی هوائی دشمن سرا سیمه در مقابل اخرین اتش افروزی و بمبباری را در منطقه مرتکب می شد که در اثر بمب باری متواتر چندین خانه‌منهدم و ویرانه شده و سر نشینان ان به خاک یکسان میگردد . ویک عده از جانبازان و فریفتگان مکتب شهادت بعد از چیره شدن بر ولسوالی زنده جان راهی شهر قیام افرین هرات میشوند که در مسیر راه در پل هاشمی باقوای مجهز دشمن در گیر شده و درین ازمون هم فاتحانه از میدان کار زار برمی ایند و نیروی دشمن را امحاء نموده وبه برادران مجاهد خویش در داخل شهر هرات ملحق میشوند .

قیام ولسوالی کشک :

ولسوالی کشک در شمال شهر باستان هرات در شاهراه استرا تیژیکی نظامی تور غندی به فاصله(٤٠) کیلومتری مرکز هرات موقعیت حساسی دارد . راد مردان دلیر این دیار هماهنگ با نضج گرفتن رستا خیزی قیام فرسایشی شهر هرات از فراز کوی و برزن این سر زمین پر پیچ و خم با متانت وپایداری توفنده و گسترده به رزم دشمن سرا زیر میشوند با اولین جوشش قیام، ولسوالی را خلع سلاح نموده و بر اوضاع ولسوالی مسلط

می گردند .

ازینکه ولسوالی کشک از طریق شاهراه نظامی تور غندی (دروازه ادخال روسیه) و در هرات قیام افرین هر لحظه بیم هجوم کاروان های زرهی تانک و توپ روسیه احتمال میرفت و دشمن پرپا قرص قوای تازه دم را برای سرکوبی قیام طاغوت شکن هرات ازین طریق به هرات اعزام میدارد جانبازان زبر مرد پاسداران فریفته اسلام از کمین گاه های سنگر حق با تفنگ های عادی و سلاح های محلی بر کاروان های غول پیکر دشمن هجوم می ارند و دشمن مجهز را به اتش لهبان هجوم مردانه خود مهار نموده و شاهراه نظامی مزبور را قطع و مسدود می نمایند (این جنگ افروزی مجاهدین دلیر تا حال بربالای این شاهراه نظامی ادامه دارد .) نیروی هوائی طیاره های میک وهلیکو پتر به سرعت و مسارعت زیاد مواضع مجاهدین و اهالی ولسوالی کشک را طعمه حریق ساخته و ویرانه های ماتم انگیزی در دل مردم باقی میگذارد . و در صفحه دیگر تاریخ مبارزین والا همت این ولسوالی چون دوهپایه های استوار و مقاوم جهاد با عظمت را تا به مرز پیروزی ادامه می دهند .

قیام والسوالی ادرسکن :

ولسوالی ادرسکن درجنوب هرات واقع بوده (۸۰) کیلومتر از مرکز شهر هرات فاصله دارد . دران هنگام که قیام پر شکوه

را در هر گوشه و کنار کشور علیه دشمن ملحد بر افروختند

هرات باستان در طول تاریخ و زدوبند های استعمار امپرا توری به اصطلاح زوال نا پدیر برتانیا ، یگانه خطهٔ ازاده بود که در بند اسارت فرو نرفت ازاده زیست و ازاده حکمروائی داشت . همین سرزمین راد مردان است که فتح همه جاوید جنگ میوند از برق شمشیر و از زیر چکمه های پولادین جانبازان زبر مرد هرات پرخروش تبلور مینماید .

درین مقطع حساس و لحظات خطرناک در هرات باستان مهد علم و دانش و علم بردار مبارزه و سمبول مقاومت ، یک عده جانبازان با بینش ، با خرد و با عقیده (شهید قاری ابوبکر ، شهید سید فغفور و شهید محمد افضل شهیر که در استانه زندان ء مبارزه جام شهادت را نوش کردند وعدهٔ دیگری هم از ان راد مردان تاریخ به جمهوری اسلامی ایران و به کشور نظام اسلامی پاکستان مهاجر شده اند که در امور جهاد با انتهای اخلاص در تنظیم های اسلامی و جهادی با موجودیت یک سلسله موانع و مشکلات زیاد بازهم جانفشانی می نمایند) . به اساس رهنمود های احکام کلام الهی و قاتلوا المشرکین کافه کما یقاتلونکم کافةً وا علمو ان الله مع المتقین ه .

یکی پی دیگر در حلقه های کوچک و انفرادی مخفیانه در مرکز شهر هرات قهرمان دست به تحرک و جوشش و آماده

۲٤ حوت در گهواره علم پرور هرات پدید می اید این قیام فرسایشی درهمه ساحات سایه مي افگند ولسوالی ادرسکن را به اسرع وقت دعوت به رستا خیزی می نماید باشگوفائی قیام تعین کننده ولسوالی ادرسکن در اولین مرحله مجس ولسوالی درهم‌ریخته میشود مسلمانانی که در سلول های زندان کمونست های مزدور شکنجه می شدند آزاد میگردند وبا اغاز درگیری راد مردان جان برکف مجاهدین قهرمان ، ولسوال، قوماندان ،اکبر و سالم ساتمن های ولسوالی به زباله دان ، نیستی برای ابد فرو برده میشوند و ولسوالی ادرسکن به قبضهٔ مجاهدین در می اید . و علم سبز اسلام با عظمت و شکوهمندی خاصی در فراز ولسوالی آزاده بر افراشته میگردد .

قیام ولسوالی اوبه :

. ولسوالی اوبه به سمت شرقی و در (۱۰۰) کیلومتری شهر هرات موقعیت حساس دارد . اهالی این خطه مرد خیز باالهام گرفتن از قیام جبروتی شهر هرات ، یکپارچه با صفوف متحدو مملو از عقیده و ایمان چون فرشته های اسمانی به جانب ولسوالی سرا زیر میگردند صحنه پیکار اتشین بوجود می اید ، جانبازان حق در ۲۹ حوت با نبرد سر نوشت ساز خویش ، قوای ولسوالی را بکلی خلع سلاح نموده و عبدالفتاح دوراندیش ولسوال ملحد برای ابد به کیفر عمال خود میرسد و چندین نفر از عوامل

مزدور و خداناشناس ، عبدالحق منشی کمیته ولسوالی حزب به اصطلاح خلق ، عبدالشکور معان منشی حزب، عبدالاحد و عبدالصمد برا در های منشی کمیته ولسوالی حزب به اسرع وقت بقتل میرسند و تعداد پنج نفر ملحد از اعضای زراعت و ادم خان امر زراعت با نطفه جنایات که بزر کرده بودند دیگر در یک مرگ ننگین به سزای اعمال خود ها رسانیده میشوند . درین اوانیکه دامنه در گیری و اشتعال جنگ که به شدت اداره داشت یک نفر عسکر بنام ملنگ که تعداد (۱۲) جانباز راه حق را به شهادت رسانیده بود در زیر چکمه های مجاهدین قهرمان بقتل میرسد و همچنین حاجی عبدالرحیم اجنت سر سپرده و مزدور یکه سابق ارباب یکی از قراء ولسوالی اوبه بود و اینک بایک سلسله جنایاتی که مرتکب شده بود گواه خوش خدمتی خود را به اربابان کمونیست ثابت نموده بود حالا به حیث مامور احصائیه ولسوالی کارمیکرد ، در بهاء خیانت و جفا که به مردم مسلمان خود نموده بود وبایک ضربه دلیرانه مجاهدین بقتل میرسد در حقیقت نبرد و صحنه کارزار راد مردان پاکباز ولسوالی او به نمودی از یک ظفر و حماسه های همیشه جاوید این دیار افتخار افرین بود که (۲۸) نفر از قوای امنیه ولسوالی در اتش جنگی که مشتعل نموده بودند به خاک و خون کشیده شده به قتل میرسند ، وجانبازان حماسه افرین مکتب نجات بخش اسلام از

هرسوراخ و پناه گاهی اگر خلقی ئی را درمی یافتند بی درنگ به حیات ننگین ان خاتمه میدادند ، درین میدان کار زار و خاطره انگیز یک تن چهرهٔ منافق که به لباس علماء در امده بود و در دربار ظلمت جز جاسوسی ، مداح گری و اشوب سازی وظیفه دیگری نداشت و این جرثومهٔ فساد و حرفوی بنام مولوی نظام الدین در زیر نقاب اسلام بزرگترین جنایات و خیانت به دین و ملت می نموده در محضر عام در بین بازار در زیر چکمه های فرزندان رشید نهضت اسلامی تکه پاره گردیده و به دیار مرگ ننگین برای ابد رهسپار میشود .

در حالیکه مجاهدین زبر مرد در محاذ جبهه پایداری و مقاومت درعین فتح که ارمغان پیروزی کامل ولسوالی را در اغوش داشتند برق شمشیر راد مردان مجاهد با خون دشمن دیرینه رنگ و جلای دیگر میگیرد چه تصادف نیک که یک نفر افسر روسی به عزم بند سامه در پشت چه پلان های مرموز و خائینانه روانه بند سلمه بود این افسر متجاوز به جرم تجاوز و خیانتی که در ملت مسلمان افغانستان مجاهد نموده بود در قطار دیگر خائینین به کیفر اعمال خود رسیده و بقتل میرسد و صحنه کارزار بکلی لحظه به لحظه بیش از بیش به نفع جانبازان راه حق در می اید ، ولسوالی اوبه در تمام ابعاد ان کاملاً به‌تسلط مجاهدین زبر مرد در امده و سلاح های ولسوالی به قبضه راد مردان

وبها مداران وارث حقیقی اسلام و میهن در می اید و دشمن
خونخوار در حالیکه به هیچ نحوه ازین زخم های خونین که
برداشته بود مرحم بالای ان زخم ها گذاشته نمی توانست ،
نیروی هوائی ددمنش دشمن خصمانه و زخمی بطور متواتر مدت
پنج شبانروز قراء و قصبه های این دیار مرد خیز و فتح افرین
را یکسره ، اماج اتش و بمب باری های محرق و مخرب قرار
میدهد . و فرزندان رشید نهضت اسلامی این دیار مرد خیز تا
حال در تداوم جریان ورستا خیزی برحق خویش ، مبارزات
شجاعتمندانه پیکار جوی خود ها را گام بگام تعقیب می نمایند .

قیام ولسوالی کرخ :

ولسوالی کرخ در شرق هرات بوده و در حدود (٤٠)
کیلو متر از مرکز هرات فاصله دارد . و با آغاز قیام ٢٤ حوت
شهر انقلاب افرین هرات ، اهالی با احساس این دیار سرشار از
ایمان چون عقاب های بیشه زار ، و شیر های کوهسار با علم
های قبهٔ خضراء از کمین رزم قد علم می نمایند ولسوال زبون
متواری گشته و خلقی های جنایت پیشه دریک لحظه برق اسا به
خون می غلطند و عبدالکریم منشی ولسوالی که در لجن زار
ذلالت و گمراهی غرق شده بود در حالیکه در دست جنایت پیشه
او آثار گمراهی (مرگ بر اسلام) خال کوبی گردیده بود
مجاهدین قهرمان به آخرین لحظه زندگی ننگین او خاتمه میدهند .

مرکز واسوالی در تحت قیادت عالم ربانی و روحانی مجاهد
آن دیار فتح و تسخیر میگردد که تا حال این شخصیت دانشمند
و مبارز با مخلصین خود در کمین رزم و جهاد است وعدهٔ خلقی
هائیکه درین نبرد مصاف گردند به قتل میرسند و باقی خلقی های
زبون و فاقد عقیده در سوراخ های تاریک و مرموزی مخفی
میشوند و یک عده خلقی های ملحد به حمایه یک تن دو چهره
به اصطلاح از افراد مبارز نما در محبس ولسوالی مخفی و نگهبانی
میگردند و از مرگ حتمی که به سراغ شان آمده بود نجات می
یابند به همین منوال در همه ولسوالی ها و نواحی ماحول شهر
هرات قیام گسترده و فرسایشی سر تا سری میدرخشد که در اثر
آن صرف اسامی افرادیکه بدست آمده عبارت از سید نظام الدین
دگرمن گلران ، محمد علیم قوماندان جوی نو و دو نفر ساتنمنان
تولی جوی نو ، و عبدالرحیم درور جوی نو ، سه نفر ساتنمنان
تولی چهار ریگ در یک لمحهٔ درگیری جانبازان حق بقتل
میرسند و جابل ساتنمن چاه ریگ با یک نفر ساتنمن دیگر در
آغاز درگیری به مجاهدین قهرمان می پیوندند و همچنین درین
ازمون رستاخیزی قیام گلگون کفنان ۲٤ حوت خونین در زیر
سقف آسمان نیل گون هیبت و عظمت ملکوتی را که در برداشت
و در شهر انقلاب پرور هرات راد مرد ، عبد الصبور امر امنیت
قوماندانی امنیه ، جگرن محمد افضل امر جنائی محل ، امر سابق

توقیف و نظارت خانه قوماندانی امنیه و معاون قطعه منتظره ، حبیب الله ساتنمن مخابره، امر دفتر جنائی ، عبدالملک مامور پاسپورت و زهرا تایپست قوماندانی امنیه به زندگی ننگین شان در استانه قیام ظفر افرین جانبازان راه حق خاتمه داده میشود .
و جگرن غلام رسول امر تخنیک قوماندانی امنیه ، محمد کریم امر ماموریت کارته ، امامی قادر مامور درب عراق ، و حنان ساتنمن درب عراق و باقی ابر های سیاه و شؤم صاحب منصبان قوماندانی امنیه یکی پی دیگر به زباله دان تاریخ فرو برده میشوند و زندگی ننگین عناصر ملحد در استانه قیام ظفر افرین جانبازان حق در آخرین لمحهٔ خاتمه داده میشود .

این قیام حماسه جاویدان اسلام به خط درشت در دل تاریخ نقش می بندد و روز خونین جمعه با افق خورشید به تاریکی شب خونین مبدل میگردد و محاذ های جنگ تاسپیده دم صبح شنبه در بسا حصص و قراء هرات ادامه دارد و صفحه تاریخ نوین رمز پیروزی جهاد از میان امواج خون شهداء تبارز می نماید و صبحگاهی آزادگان در اولین لمحه قیام تازه دم روز شنبه روز نه امید بی پایان آغاز میگردد و شفق خورشید از بالای راد مردان مجاهد فرقه هرات رنگ دیگر می دمد .

شنبه سومین روز خونین قیام هرات :

در حالیکه قیام هرات هر لحظه به مسیر یک حرکت منظم

میلان پیدا می نمود سومین روز خونین خود را به سوی آهنگ تکامل و نضج گرفتن قیام ظفر آفرین می پیمود ، که شفق روز شنبه فرا رسیده بود و مجاهدین قهرمان تمام مواضع استرا تیژیکی شهر پر خروش هرات را در زیر سلطه داشتند برق شمشیر و علم پیروزی پاسداران اسلام در فراز هرات به اهتزاز بود و حصار مستحکم قوماندانی امنیه در حلقه محاصره مجاهدین مقاوم قرار داشت و نیروی زمینی و هوائی دشمن به این محاصره که از سینه های مملو از ایمان و دست های پیعت مسلمانان متعهد پیوسته حلقه بسته بود هرگز در آن رخنه کرده نمی توانست . ایادی کمونیزم سر از قامت بلند کرده نمی توانستند ، فقدان مواد غذائی و کمی مرمی و مهمات حربی قوماندانی امنیه هر لحظه زنگ خطر پیروزی مجاهدین به گوش ملحدین و مرگ حتمی پرچمی ها و خلقی ها را صدا می زد . در گیری مجاهدین به شدت ادامه داشت ناگهان بوم سیاهی به فراز قوماندانی میرسد و طیارهٔ هلیکوپتر روسی مواد غذائی و مهمات جنگی را از هوا به داخل قوماندانی پرتاب می کند ایادی کمونیزم جان تازه می گیرند طیاره های میک (۱۸ - ۲۱ - ۲۳) با سرعت سرسام آوری در فضای شهر (ارتفاع کم) دیوار صوتی را می شکستند صدای دلخراش و مهیب طیاره های دشمن میدان کار زار را خطرناک تر می ساخت طیاره های توپ دار میک با سرعت

مدهش در میان جاده های شهر و اجتماعات پیک اپ می نمودند و خطوط شاهراه های عمومی شهر را مورد اصابت توپ قرار داده و با اوج گرفتن در فضای شهر ، مرمی های رگبار مسلسل را متواتر بالای اجتماعات و حتی منازل رهایش اهالی بی دفاع فرود می آوردند و چندین مرتبه به حالت وحشیانهٔ شاهراه جاده شهر نو به امتداد مرکز ولایت مورد آتش باری قرار داده می شود و همچنین جاده کلاب و جاده بهزاد با شلیک مسلسل و توپ های طیاره های جنگنده میک بیرحمانهٔ مورد تاخت و تاز قرار میگیرد و در اثر همین آتش باری های ماتم انگیز قوای هوائی دشمن یک دربند حویلی واقع در درب قندهار به خاک یکسان گردیده و از سر نشینان آن اثری باقی نمی ماند . اما در جبهه دیگر از سیمای قیام ملکوتی و جبروتی هرات که از سینه های پرسوز امیخته از درد و احساس و سرشار از ایمان سرشت و الهام میگرفت رنگ ظفر و حماسه جاوید می درخشید برق شمشیر جانبازان اسلام و موج های خون شهداٌ در کناره های آسمان سکوت یأس نداشت بلکه زمزمه فرشتگان و نداٌ غیبی بود که خورشید توانگر جهاد ، افق و روشنی دیگری بر زمین می تابید ، در همین دقایق اوضاع حساس صحنه دیگر گونی بوجود می آید یاران اسلام از فرقه قوای نمبر (۱۷) زلمی کوت دیگر نمی توانند در مقابل دریا های خون شهدای وطن خود

سکوت نمایند به پا می خیزند و از قیام، قیام دیگری می سازند .

قیام جاویدانه قوای نمبر (۱۷) فرقه زلمی کوت هرات :

فرقه زلمی کوت که دارای (۶) الی (۸) هزار افراد عسکر از زمره مجهز ترین اردوی لشکری افغانستان بوده در موقعیت استراتیژیکی خاص منطقه در کنار دولت جمهوری اسلامی ایران و روسیه متجاوز ، و در شرق هرات واقع است .

در حالیکه والی هرات ، قوماندان فرقه ، صاحب منصبان عسکری و جنرال های روسی غرض امحاء و نا بودی هرات مدنیت پرور از نقشه افغانستان و خفه نمودن جنبش اسلامی جانبازان راه حق در بالای نعش های دسته جمعی ملت داخل مفاهمه و مشوره بودند . جنرال روسی (ویسلوویچ) و والی مزدور و جنایت پیشه تصمیم اتخاذ می نمایند که باید بلا درنگ مجاهدین و اهالی شهر هرات بصورت کلی زیر آتش باری متواتر توپ خانه عسکری قرار گیرند و از هرات کانون علم و ادب جز ویرانهٔ آتش کشیده چیزی دیگری باقی نماند و تعداد یکنیم هزار مجاهدین اسیر در داخل زلمی کوت به آتش توپ خانه بسته شوند که در پی آمد این حادثه ماتم انگیز در دل های سوخته و نا آرام صاحب منصبان عسکری اثر عمیق نموده بود که هر لحظه سیمای انفجار و قیام صاحب منصبان مسلمان در

پس منظر سکوت و آرامش نا آرام شان ملاحظه می شد . درین لحظه از مون حساس و خطرناک که فاجعه نا بودی هرات در حال نطفه بستن بود یک نفر صاحب منصب که عقاید اسلامی اش او را در قربانگاه شهادت رهنمود می کرد با فیصله و تصمیم نا بودی هرات مخالفت می نماید که موضوع باید از طریق مصالحه و مفاهمه با مجاهدین نهضت اسلامی که اکثریت قاطع نفوس مجموعی هرات را تشکیل میدهند بمیان گذاشته شود ولی صاحب منصب مسلمان به اثر امر مشاور جنرال روسی به ذریعه تفنگچه والی مزدور نظیف الله نهضت به زندگیش خاتمه داد میشود در همین لحظهٔ سرنوشت ساز صاحب منصبان مسلمان که قبلاً در یک مانور عملیات نظامی در غرب شهر هرات دشت مولوی صاحب مؤظف شده بودند تصمیم همبستگی با مجاهدین و پلان قیام فرقه را یک شب قبل اتخاذ نموده بودند و در حالیکه قبلاً امادگی داشتند قریب ساعت (۱۰) بود که صالون رلمی کوت را ترک داده به فرماندهی و قوماندہ شهید جگتورن نور محمد صاحب منصب توپچی (که در عرصه چهار روز نبرد فاتحانه و آخرین لحظهٔ رزم از سنگر جهاد کنار نرفت تا که بمقام رفیع شهادت رسید) و به قوماندہ جگرن عبدالعزیز سروری قوماندان کندک قوای توپچی بدون لحظه سکوت و ضیاع وقت توپ های فرقه را بطرف صالون طعام خوری (کنفرانس) و پرچم

ساختن یک قیام گسترده میشوند و فریاد مردم از قلب خونین
با ایمان و داغدار جامعه سرشت میگیرد و دعوت جهاد علیه
کمونیست های ملحد از ساحهٔ مرکز به واسوالی ها و اطراف
توسعه پیدا میکند روحیه ضد کمونیستی و مخالفت شدید مردم
علیه حکومت ملحد ترهکی وابسته روسیه در سیمای فرد فرد اهالی
هرات مجاهد افرین لمس میگردد اهالی متعهد و با عقیده
هرات یکپار چه مبارز ، در قبال مسئولیت ایمانی خود چه به
صورت انفرادی و چه به حالت اجتماعی حتی بدون تنظیم دهی
و رابطه سازمانی یک موج پر حرارتی قبل از انقلاب بوجود می
اورند تبلیغات ضد کمونیستی افراد مخلص و هدف مند جانباز ان
راه حق اولین گام های انقلاب اسلامی (خوب بخاطر دارم
که بعضی ها می گفتند که این حرف ها بوی خون میدهد
اما انانیکه راه حق را انتخاب کرده بودند از خون دادن حراسی
نداشتند) را راسخ و راسخ تر اساس می گذاشت و هرات سازندهٔ
موج های انقلاب اسلامی افغانستان چون تاریخ روشن و آزادهٔ
خود به سوی ساختن یک انقلاب اسلامی مرحله به مرحله
صف ارائی میکرد (یک عده برادران مبارز و مجاهد در حلقه های
مختلف ابراهیم وار در کنار برادر مجاهد و هدفمند سید اسحق
دلجو جمع شده بودند) کمونیست های اجیر و مزدور با خیره
چشمی خنجر غارت و چپاول گری را به هر سوی کوبیده می

قیام گلگون کفنان

۲۴ حوت
هرات قهرمان



مسجد جامع هرات

اثر: استاد سید شریف یوسفی

۲۳ حوت ۱۳۶۳



ازین آستان عارف حقانی ابوالولید (۱)

وده ها آثار مقام متبرکهٔ هرات باستان

در زیر آوار بمب های ابرجنا در روسیه

جز ویرانه دیگر اثری دیده نمیشود .



مزار پرشکوه و جلال عارف بزرگوار
ابوالولید (رح) ، در دیروز ، ویرانه امروز در
زیر بمب های خانمانسوز روسیه .

بسم‌الله الرحمن الرحیم

سر آغاز

این چکیده نوشتهٔ از حماسه های جا ویدانه سنگر گزینان حق که نظر به مشکلات اقتصادی چاپ اول ان بصورت کافی ومنظم طبع شده نتوانست ، اینک به اساس تقاضا و مطالبه و همکاری اقتصادی یک عده علاقمندان معرکه جهاد ، به چاپ مجددآن اقدام گر دید و برای شان اجر عظیم نصرت الهی را التجاٴ دارم .



فهرست

شماره	عناوین	صفحه